

## آموزش فا در کنفرانس غرب آمریکا

لی هنگجی، ۲۱ و ۲۲ فوریه ۱۹۹۹، لس آنجلس

درودا! (تشویق)

اساساً این کنفرانس به منظور این بود که یک کنفرانس تبادل تجربه‌ی محلی برای مناطق غربی باشد. هدفش کمک به تزکیه کردن بهتر و داشتن محیط تزکیه بهتر برای شاگردان در مناطق غربی آمریکا است - هدف به سادگی همین است. زیرا یک کنفرانس منطقه‌ای است و اساساً قصد حل مسائل محلی که آن‌ها در آنجا دارند را داشت، آن نه به افراد بسیاری گفته شد، نه این که کلامی به بخش‌های دیگر دنیا پخش کردیم. دلیل مهم‌تر این است که می‌خواستم همه محیطی استوار و محکم داشته باشند و با ذهنی آرام تزکیه کنند، بدون هیچ مداخله‌ای. اکنون انجمن‌ها و مراکز دستگیری بسیاری در مناطق مختلف وجود دارد، و بنابراین فعالیت‌های زیادی وجود دارند. اگر همه شما هر کجا که می‌روم مرا دنبال کنید، وقتی برای تزکیه کردن نخواهید داشت، و محیط تزکیه استوار و ثابتی نیز نخواهید داشت. آن نفعی برای تزکیه شما نخواهد داشت. بنابراین مایل نیستم که افراد زیادی به این طرف و آن طرف بروند. البته، همه شما این نیت را درک می‌کنید، ولی هنوز آرزوی دیدن استاد را دارید. این احساس را درک می‌کنم. در حقیقت اگر خودتان را خوب تزکیه کرده‌اید دیدن من حتی آسان‌تر است.

چون آمده‌اید، بیایید همه با ذهنی آرام گوش کنیم و ببینیم شاگردان ناحیه غربی، در طی این دوران اخیر چه تجربیات و پیشرفت‌هایی در تزکیه‌شان داشته‌اند. از سخنرانی‌ها و تبادل تجربیات‌شان قادر خواهیم بود بفهمیم در کجا عقب افتاده‌ایم، که این به ما این امکان را خواهد داد در تزکیه‌مان بهتر پیشرفت کنیم. همچنین همه باید خود را ارزیابی کنید، به دنبال پیدا کردن قصورهای خود باشید، و به یکدیگر کمک کنید که به جلو پیش بروید. این هدف اصلی کنفرانس ما است. اگر کنفرانس ما نتواند این هدف را برآورده سازد، پس نباید برگزار شود، به هیچ دردی نمی‌خورد و معنایش را از دست می‌دهد. تمام شکل‌های تزکیه دافا و هر آنچه من انجام می‌دهم، تماماً به منظور این است که همه را قادر سازد هرچه ممکن است سریع‌تر پیشرفت کنند. اگر به این منظور نمی‌بود و این هدف نمی‌توانست عملی شود، من این کارها را انجام نمی‌دادم. البته در میان شکل‌های تزکیه‌ای که شما در حال حاضر دارید، علاوه بر تمرین، یک شکل هم برای انتشار فا وجود دارد. این چیزی به جای مانده از زمانی است که شروع به آموزش فا کردم و تا به امروز حفظ شده است، این هم بسیار مهم است و در واقع می‌تواند نتایج خیلی خوبی را فراهم کند. بنابراین برگزاری کنفرانس‌های فای شما در مناطق مختلف هنوز هم باید ادامه داده شود. ولی فکر می‌کنم کنفرانس‌های منطقه‌ای و به تعداد افراد کم، بهتر است در مناطق به‌طور مجزا برگزار شود. در مورد برگزاری کنفرانس‌های فا با تعداد افراد زیاد، فکر می‌کنم یک یا دو بار در سال کافی است. آن‌ها را به دفعات زیاد برگزار نکنید و اجازه ندهید به امری فقط رسمی تبدیل شود. برگزاری آن‌ها فقط زمانی خوب است که به هدف کمک کردن در بهتر شدن واقعی و استوار همه خدمت کند.

همان‌طور که می‌دانید، این فا قبلاً در سطحی بسیار بالا آموزش داده‌ام. برای همه شما درک کردن فا به خاطر کتاب *جوآن فالون*، نسبتاً آسان‌تر است. در مورد فایی که بعداً آموزش دادم، اگر شما *جوآن فالون* را نخوانده‌اید و سخنرانی‌های داده شده در مناطق مختلف را مستقیماً بخوانید، اگرچه ممکن است آن‌ها را بفهمید، آن‌ها قادر نخواهند بود به‌طور مرتب‌تری تزکیه‌تان را هدایت کنند. زیرا فا همه چیز را دربر می‌گیرد و تماماً یک پارچه است، صرف‌نظر از این که چه جور فا را بخوانید، می‌تواند پاسخ‌ها را فراهم کند. از اول، آخر یا وسط دیده شود - صرف‌نظر از این که چه روشی را به کار ببرید و چگونه این دافا را بخوانید - تماماً وصل و مرتبط است، بخش‌های مختلف همگی می‌توانند یکدیگر را روشن و آشکار کنند، و می‌توانند به تأثیر متقابلی دست یابند. این دقیقاً عامل پشت تماماً دربرگیرنده و خدشه‌ناپذیر بودن دافا است. در مورد فایی که در مناطق دیگر آموزش داده‌ام، در واقع به‌طور مشخص به مناطق مختلف و با در نظر گرفتن موقعیت‌ها و وضعیت‌های مختلف آموزش داده شد. من درباره ساختار جهان

بیشتر صحبت کرده‌ام، به‌خصوص در آمریکا و بعضی کشورهای اروپایی، و آن البته از تزکیه شما تفکیک‌ناپذیر است. هدف تزکیه کردن تان چیست؟ بعد از رسیدن به کمال، شما قطعاً در این بُعد نخواهید بود، به‌طور اجتناب‌ناپذیری بُعدهای دیگر و همچنین ساختار جهان را شامل می‌شود. این دلیل آن است که چرا درباره این چیزها صحبت کرده‌ام. ولی، برای شاگردان در مناطق مختلف و بستگی به وضعیت‌های مختلف، همیشه فا را از زوایای مختلف و به روش‌های مختلف آموزش می‌دهم. این صفت ویژه آموزش دادن فای من است.

از آنجاکه هر کسی مسائلی دارد که به آن‌ها وابسته است، و هر کسی فکر می‌کند که حقیقتی در جامعه عادی بشری وجود دارد که او خودش به آن آگاهی یافته است، او آن‌گاه با چسبیدن به آن، باقی زندگی‌اش را ادامه می‌دهد. در حقیقت می‌خواهم به شما بگویم مهم نیست در میان مردم عادی به چه اصولی آگاهی یافته‌اید، از دیدگاه موجودات در هر سطحی بالاتر از انسان، همگی آن‌ها اشتباه هستند، زیرا تمامی جامعه انسانی برعکس [قلمروهای بالاتر] است. بنابراین برای این‌که این مانع-تان را رد کنید- یعنی، عقایدی را که شکل داده‌اید که به‌شدت با دستیابی به فای مداخله می‌کند- من در سخنرانی‌های مربوط به فای راه‌های مختلفی را در مناطق مختلف برای افراد مختلف به کار برده‌ام، به‌طوری که آن موانع در ذهن تان را که موانعی برای کسب فای هستند قطع کنم. بسیاری از افراد که از چین به آمریکا آمدند بسیار موفق و تحصیل کرده هستند. تعداد بسیاری رتبه‌های تحصیلی دارند، و همه آن‌ها احساس می‌کنند که از علوم جدید درک بسیار روشنی دارند. ولی در واقع، آنچه که شما باور دارید که درک روشنی می‌باشد خودش یک مانع است. علت این است که، همان‌طور که در بسیاری مواقع مورد بحث قرار داده‌ام، این علم جدید در واقع علمی نیست. صرفاً چیزی است که توسط موجودات فضایی بر انسان تحمیل شده است، چیزی که بر تمام جامعه نفوذ کرده است و آن را از هر حیث فراگرفته است. چون شما در میان آن هستید، قطعاً نمی‌توانید بگویید موضوع چیست. پس چرا علم جدید را در آموزش فا درج کرده‌ام؟ زیرا علم عقاید و رفتار انسان را تغییر داده است. تغییر در وضعیت زندگی انسان باعث تغییر در رفتار انسان شده است، و تمام فرهنگ انسان تغییر کرده است. درخصوص فرهنگ‌های خارج از علم، شامل فرهنگ‌های تمام گروه‌های قومی، امروزه مردم آن‌ها را درک نمی‌کنند. فقط از طریق استفاده‌ام از روش‌های علم مدرن برای بحث درباره موقعیت‌های این جهان، مردم معاصر قادر به درک و شناخت دلایل بنیادی ماده واقعی در جهان، دلایل اساسی حیات، و دلایل اساسی جهان خواهند شد. از این طریق، آن به‌اصطلاح حقیقتی که فکر می‌کنید در بین مردم عادی یافته‌اید، شکسته خواهد شد و از بین برده می‌شود، و قطعاً این چیزها شما را در دستیابی به فا- به حقیقت واقعی- کمک خواهد کرد. وقتی که درمی‌یابید آن چیز حقیقت واقعی نیست، برای شما به دست آوردن فا آسان‌تر است. بنابراین این یکی از صفات ویژه آموزش دادن فای من مطابق با افراد مختلف، وضعیت‌های مختلف، و مناطق مختلف است- یعنی، وارد کردن عقاید منحرف شده مردم مدرن، همان‌طور که فا را آموزش می‌دهم. البته بسیاری از شما به‌خصوص افرادی با تحصیلات نسبتاً بالا، در طی دورانی طولانی یک عادت و طرز تفکر را شکل داده‌اید که درباره علم، درباره دانش کنجکاو هستید. این افراد همین‌که با چیزی مثل این برخورد می‌کنند، دوست دارند آن را کشف کنند و درباره آن بیشتر بدانند. چون آن‌ها به کنکاش در دانش عادت کرده‌اند، و به دلیل ذهنیتی که هیچ وقت احساس رضایت نمی‌کنند، همیشه می‌خواهند بیشتر معاینه و زیر و رو کنند و سردرپیابورند. در واقع، با به‌کار بردن طرز فکر بشری، عقاید بشری، سطح دستیابی کنونی انسان، یا سطوح دستیابی در آینده، هرگز قادر نخواهید بود کشف کنید که این جهان چه چیزی است- پیدا کردن آن کاملاً غیر ممکن می‌باشد. زیرا ذهن انسان و زبان انسان فقط می‌تواند چیزها را در یک محدوده مشخص تعریف کند. فراتر از آن محدوده، بشر آن نوع از زبان را که برای توصیف آن لازم است ندارد. نه تنها زبانی برای توصیف کردن آن وجود ندارد، بلکه شما کمبود آن نوع دایره لغت را هم خواهید داشت، زیرا در دایره لغت موجود هیچ لغتی برای آن پیدا نمی‌شود. هرطور هم آن را شرح دهید توصیف نمی‌شود، به همین دلیل است که چرا برای من آموزش فا به شما همان‌طور که سخنرانی می‌کنم زیاد آسان نیست.

نکته دیگر این است که فکر انسان برنامه مشخصی را دنبال می‌کند. ولی از آنجاکه این برنامه دیگر کار نمی‌کند، شما نمی‌توانید درباره جهان به روشنی صحبت کنید. در بسیاری از مواقع، علاوه بر زمان مطالعه فا، شاگردان می‌توانند فا را در ذهن‌شان درک کنند ولی نمی‌توانند آن را با کلمات بیان کنند. تمام شاگردان این احساس را که قادرند فا را درک کنند ولی

نمی‌توانند آن را به روشنی بیان کنند داشته‌اند. یعنی آن چیزی نیست که بتوان با ذهنیت یا زبان مردم عادی به روشنی توصیف شود. با وجود این، با به‌کارگیری زبان انسان برای آموزش فا، بیشترین سعی‌ام را می‌کنم، و بگذارم همه آن را درک کنند. قبلاً زمانی که فا را در ژنو آموزش می‌دادم، آن را بسیار مشکل یافته‌ام، از جانب خودم احساس کردم که چیزها را به روشنی توضیح ندادم.

اخیراً شش کتاب چاپ کردم. آن‌ها آخرین سخنرانی‌ها در سنگاپور، ژنو، فرانکفورت، اولین کنفرانس در آمریکای شمالی، و کنفرانس برای دستیاران در چانگ‌چون هستند. یکی دیگر، مجموعه نوشته‌هایی چهارخطی است که برای شاگردان نوشتم، که همچنین می‌توان آن‌ها را شعر نامید- چنین کتابی است. روی هم شش کتاب هستند، و همه آن‌ها چاپ شده‌اند. هدف چیست؟ چیزهایی که من در مناطق مختلف صحبت کرده‌ام فقط برای آن موقعیت‌های خاص مناسب بودند. زمانی که آن‌ها از آن زمینه جدا شوند و در نشست‌های دیگر شنیده شوند، هرچند که ممکن است مقداری مؤثر باشد، چراکه بالاخره فا هستند، اما اهداف‌شان را از دست خواهند داد. و به آسانی می‌تواند آن‌هایی را که به‌طور نظام‌مند به فا گوش نکرده‌اند به اشتباه بیندازد. چون وضعیت این‌گونه است، آن را تألیف کردم برای این‌که این کمبود جبران شود، و همه آن‌ها اکنون چاپ شده‌اند. بنابراین زمانی که کتاب‌ها را گرفتید، نوارهای ویدئویی را که به مناطق مختلف منتقل کرده‌اید باید از بین ببرید. شما می‌دانید، نوارهای ویدئویی صفت ویژه بزرگ دیگری را سهیم است: وقتی به پاسخ من به پرسش‌هایی که افراد مطرح کرده‌اند گوش می‌کنید، پاسخ‌های من اغلب آن‌چه را که سؤال شده بود جواب نمی‌دهد. چرا آن‌طور است؟ زیرا زمان شما بسیار محدود است، و به‌محض این‌که سؤالاتی را که افراد در یادداشت‌هایشان مطرح می‌کنند می‌خوانم، شما آن را می‌فهمید، و بنابراین من از فرصت استفاده می‌کنم که به موضوعات دیگر اشاره کنم. اگر یک نوار صوتی که شامل پاسخ‌هایی است که به پرسش‌ها اشاره نمی‌کند، دست به دست بگردد، افراد دیگر نخواهند فهمید. می‌خواهیم تمامی این‌گونه مشکلات را رفع کنیم، بنابراین کتاب‌ها را چاپ کرده‌ام. از آنچه که اکنون گفتم منظورم این است که در مناطق مختلف درباره چیزهای موافق موقعیت‌ها در آن مناطق خاص صحبت کردم.

آخرین بار که در چین بودم، کمی پیش‌تر از آن‌که به ایالات متحده بیایم، به افراد گفتم که تزکیه‌کنندگانی را که استاد دانشگاه و دانشمندان در جامعه علمی در چین هستند گردهم آورند، همراه با بعضی از دستیاران فا، که بنابراین بتوانم با آن‌ها درباره موضوع علم با جزئیات بیشتر صحبت کنم. در پایان آن‌چه که قصد داشتم انجام دهم با رضایت کامل انجام نشد، زیرا بسیاری شاگردان ظاهر شدند و سؤالاتی را مطرح کردند که در مورد موضوعی که من می‌خواستم مورد بحث قرار دهم متمرکز نمی‌شد. بنابراین صحبت درباره آن سخت شد. من علیه کسانی که می‌خواهند به فا گوش کنند یا می‌خواهند مرا ببینند نیستم، ولی مناطق مختلف وضعیت‌های مختلفی دارند. امروز نمی‌خواهم زیاد صحبت کنم، زیرا بالاخره این کنفرانس فا است و شما برگه‌هایی را می‌دهید. فردا به سؤالات شما پاسخ می‌دهم.

از آنجا که شما اینجا نشسته‌اید، من هم ممکن است از این فرصت استفاده کنم و درباره بعضی موضوعات با شما صحبت کنم.

بگذارید اول درباره موضوع انتشار فا صحبت کنم. شما حقیقتاً تلاش‌های زیادی کرده‌اید، ولی موضوعی وجود دارد: شما دریافته‌اید که در دوره اخیر تعداد کمی شاگردان جدید وجود دارند. چرا این‌گونه است؟ زیرا تمامی این رویداد از ابتدا با روشی بسیار معین نظم و ترتیب داده شد. ولی این نظم و ترتیب را من تصدیق نکرده بودم، در حقیقت توسط نیروهای کهن در جهان تحت وضعیتی که من از آن بی‌خبر بودم نظم و ترتیب داده شد و من موافق آن نبودم. این فقط می‌تواند به‌طور مختصر به این شکل مورد بحث قرار گیرد. نظر به این‌که این اصلاح فا است، چه چیزی اصلاح می‌شود؟ آن‌چه که اصلاح می‌شود تمام چیزهای کهن است که از فا منحرف شده‌اند. چیزهای منحرف‌شده گذشته، نیروهایی شده‌اند و یک سیستم را شکل داده‌اند و این چیزها از بالا به پایین نقشی منفی را ایفا کرده‌اند. همان‌طور که درحال اشاعه فا هستیم، می‌خواهم بگذارم افراد بیشتری آن را به‌دست آورند. از آنجاکه نیروهای کهن این رویداد را از قبل به مراحل متفاوتی تقسیم کرده‌اند و فکر می‌کنند که تعداد افراد برای این موضوع درحال حاضر به اندازه کافی رسیده است، حالا از آن جلوگیری می‌کنند. در ابتدا برنامه داشتم که دویست میلیون نفر داشته باشم که به فا گوش کنند، ولی در پایان نیروهای پلید کهن تعداد را به یک‌صد میلیون محدود کردند. این دلیل آن است

که چرا هنگام انتشار فا شما برای پیشرفت کردن مقداری سختی داشته‌اید. ولی این بدین معنی نیست که مردم در آینده فا را کسب نخواهند کرد، آن‌ها به تدریج فا را می‌شناسند و کسب می‌کنند. شما به هر آنچه که باید انجام دهید، باید ادامه دهید. با این گفته، هنوز لازم نیست یک فرد را برای دست یافتن به فا به‌زور بکشید. تزکیه به شکلی داوطلبانه انجام می‌شود. اگر شخصی تزکیه نکند، بگذارد باشد. ما نباید هر چیزی را صرفاً به دلیل مداخله و مزاحمت نیروهای کهن، تغییر دهیم. اگر شما بگذارید آن‌هایی که از فا آگاهی ندارند آگاه شوند، و آن‌هایی که فا را نمی‌شناسند آن را بشناسند، بهترین کاری را که می‌توانستید، انجام داده‌اید، و آن کافی است. آن‌چه که الان گفتم برای این بود که به شما بگویم عاملی وجود دارد، و این وضعیت را سبب شده است. ولی نباید از آن‌چه که گفتم فکر غلطی را برداشت کنید، مثل این که چیز تازه‌ای را متوجه شده‌اید، و سپس بدون در نظر گرفتن موضوع، درحالی که به عقاید و وابستگی‌های خودتان چسبیده‌اید صحبت کنید- این خوب نیست، سعی کنید معقول باشید. فقط به شما می‌گفتم که این چنین وضعیتی است.

از طرف دیگر، در دوره‌ی به انجام رساندن این تعهد امروز، شما و فا را به هم پیوسته‌ام. چرا تزکیه شما به این سرعت پیشرفت می‌کند؟ عوامل بسیار زیادی در پس آن وجود دارد، این دلیل اصلی است. درحالی که من این فا را آموزش می‌دهم و کل روند اصلاح فا رخ می‌دهد، موجودات زنده‌ای در سطوح مختلف وجود دارند که به فا گوش می‌دهند، در دنیای بشری تزکیه‌کنندگانی که به فا در پایین‌ترین سطح گوش می‌دهند شما هستید، شما برای همیشه در پایین‌ترین سطح باقی نمی‌مانید. شما به کمال نایل می‌شوید و به قلمروهای گوناگون و سطوح مختلف می‌رسید- آن کاملاً از بالا به پایین وصل است. زمانی که این تعهد در آینده به پایان می‌رسد، افرادی که در آن زمان می‌آیند که تزکیه کنند هیچ ربطی به این رویداد اصلاح فای امروز نخواهند داشت. آن‌ها تزکیه را به طریق عادی ادامه خواهند داد.

این دافای جهان را که امروز آموزش می‌دهم نیز بزرگترین فرصتی است که به بشر داده شده است، زیرا تزکیه با چنین فای عظیم قطعاً در گذشته غیرقابل تصور بود. شما حالا می‌توانید فا را کسب کنید، شما می‌توانید به من گوش کنید که به شما شخصاً فا را آموزش می‌دهم، و بیشتر شما به این موضوع اصلاح فا پیوند دارید- شما هنوز اهمیت این را متوجه نشده‌اید! گاهی بعضی از شاگردان نمی‌توانند کوشا باشند، که در این مورد آن‌ها درقبال خودشان غیرمسئول هستند! هرچه باشد آن‌ها انسان هستند، افکار بشری دارند و نمی‌توانند این را تشخیص دهند، بنابراین می‌توانند همینی باشند که هستند. در حقیقت، تمامی این‌ها غیرقابل بیان است و در آینده شما خواهید دانست چقدر خوشبخت هستید! (تشویق)

همچنین، در مدت دوره‌ی تزکیه، همگی متوجه شده‌اید که این محیط ما خیلی خوب است. در محل‌های تمرین هرکسی می‌تواند دلش را بگشاید و آزادانه آن‌چه را که می‌خواهد بگوید، بیان کند. این در هیچ جای دیگر اجتماع بشری امکان‌پذیر نیست. این دلیل آن است که چرا هر شاگردی می‌تواند احساس کند که با آمدن به محل تمرین وارد یک سرزمین پاک شده است و در محلی پا گذاشته است که مقدس‌ترین است. همه‌ی افراد به طریقی به هم توجه دارند که «تو در فکر من هستی و من در فکر تو هستم.» در هیچ محیط بشری نمی‌توانید آن را بیابید. چرا می‌تواند این‌گونه باشد؟ فقط برای این که هر مرید دافا خودش را تزکیه می‌کند. وقتی که مشکل یا کشمکش سر برمی‌آورد، هرکسی به دنبال قصورهای خودش می‌گردد، نگاه می‌کند که ببیند آیا آن به‌واسطه‌ی عمل اشتباه خودش به وجود آمده است. هر کسی می‌داند که باید این کار را انجام دهد، ولی بعضی افراد که در انجام مطالعه فا مصر نیستند هنوز نمی‌توانند آن را انجام دهند. از آن‌جا که این مشکل انفرادی را ذکر کرده‌ام لازم است بگویم که- و البته آن را بسیاری از مواقع ذکر کرده‌ام- زمانی که با مشکلی روبه‌رو می‌شوید هرکسی باید درون خود را جستجو کند. ولی بعضی افراد هنوز به نظر می‌رسد وقتی با مشکلی مواجه می‌شوند درون را جستجو نمی‌کنند. بعضی افراد می‌توانند متوجه آن شوند، درحالی که بعضی افراد حتی تمایلی به در نظر گرفتن آن ندارند یا حتی کاملاً فراموش می‌کنند که تزکیه‌کننده هستند. می‌گویم که آن‌ها به‌خوبی کار نکرده‌اند. صرف‌نظر از این که آن بین شما و شاگردان دیگر است، آیا در محل کار است، یا در هر موقعیت اجتماع بشری، در آن درگیری‌ها و کشمکش‌های بین شاگردان یا بین یک شاگرد و یک دستیار، این افراد درباره‌ی این فکر نکرده‌اند که علت‌ها را در درون خودشان جستجو کنند.

اغلب به شما درباره وضعیت‌هایی مثل این می‌گویم: هرگاه دو نفر درگیری و کشمکش دارند هر دو باید برای دلایل، درون خودشان را نگاه کنند، بپرسند، «اینجا من چه اشکالی دارم؟» هرکدام باید به دنبال پیدا کردن اشکال خود باشند. اگر فرد سومی درگیری این دو نفر را مشاهده می‌کند، می‌گویم که برای شخص سوم دیدن آن تصادفی نیست، و او هم باید درباره آن فکر کند: «چرا من درگیری آن‌ها را دیدم؟ آیا به خاطر این است که من هنوز قصورهایی دارم؟» فقط به این طریق می‌تواند خوب باشد. ولی وقتی با کشمکش مواجه می‌شوید، همیشه آن را به دیگران می‌اندازید و ضعف‌ها و قصورها را در دیگران پیدا می‌کنید، آن‌گونه عمل کردن شما درست نیست. شما باعث عملی می‌شوید که برای دافا ضرر به بار می‌آورد و سبب زیان دافا می‌شود. متوجه نشده‌اید که همه شما از دافا و انجام کارها برای دافا استفاده می‌کنید که عذری برای کوتاهی‌های تان بیابید یا وابستگی‌های خودتان را پنهان کنید. وقتی فکر می‌کنید که فرد دیگر خوب عمل نکرده است، وقتی که نتوانید که در ذهن تان از آن دست بردارید، باید درباره‌اش فکر کنید: «چرا ذهن من از این ناراحت است؟ آیا او واقعاً اشکالی دارد؟ یا اینکه در عمق درون من چیزی اشتباه وجود دارد؟» شما باید به دقت درباره آن فکر کنید. اگر در واقع شما هیچ اشکالی ندارید و آن‌چه او انجام داد واقعاً مشکل‌زا است، باید با محبت به او بگویید، و آن به کشمکش کشیده نمی‌شود. مطمئناً این طور است. اگر فرد دیگر قادر به درک آن نیست این مشکل خود اوست. آن‌چه را که شما باید می‌گفتید گفته‌اید.

بدون کشمکش هیچ بهبودی وجود نخواهد داشت. بعضی افراد احساس می‌کنند محیطی که آن‌ها در آن هستند بسیار آرام است، و هر کسی فکر می‌کند که تزکیه‌اش خیلی خوب پیش می‌رود. در واقع بگذارید به شما بگویم که این خوب نیست. آن‌چه که من می‌خواهم انجام دهم دقیقاً به وجود آوردن مقداری کشمکش‌ها برای شماست، زیرا نداشتن هیچ کشمکشی کمکی به شما نمی‌کند. زیرا فقط در میان کشمکش‌ها، وابستگی‌های تان می‌توانند آشکار شوند و برای شما و دیگران قابل دیدن شود، و آن‌گاه از بین برده شوند. اگر چنین کشمکش‌هایی وجود نداشتند وابستگی‌های مردم عادی شما از بین برده نمی‌شد. بنابراین به این کمی توجه کنید: تحت هر وضعیتی، مخصوصاً وقتی که در میان مردم عادی تزکیه می‌کنید، این اجتناب‌ناپذیر است که فقط از میان کشمکش‌ها و مزاحمت‌های شین‌شینگ، می‌توانید شین‌شینگ تان را ترقی دهید. هر زمان سخنرانی می‌کنم درباره این موضوع صحبت می‌کنم. در زمانی که آن‌جا می‌نشستید و به فافا گوش می‌کردید، همه شما درباره آن کاملاً روشن بودید. ولی به محض اینکه از در قدم به بیرون گذاشتید، آن قدر خوب نبودید و فراموش کردید.

در طی این دوره اخیر، مخصوصاً در سراسر دو سال گذشته، پیشرفت شاگردان بسیار زیاد بوده است، و درک‌شان از فافا به‌طور روزافزونی بالغ‌تر شده است. این عالی است. از زمانی که دافا به عموم عرضه شده است من شما را به درست‌ترین و پارساترین مسیر تزکیه برده‌ام. چه از لحاظ شیوه آموزش دادن فافا، شیوه انتشار فافا در جامعه، یا آن‌چه که به همه آموزش داده‌ام که انجام دهند، در پارساترین راه به پیش برده شده است. و چون ما درست و پارسا هستیم، همه آن‌هایی که پارسا نیستند درباره ما نظری خواهند داشت، زیرا آن‌هایی که پارسا نیستند در برابر دافا برملا می‌شوند. بنابراین آن‌ها قطعاً اثرات زیان‌آور بر دافا وارد می‌آورند، و نظریه‌های منفی درباره دافا می‌دهند. آن حتمی است.

ولی از طرف دیگر، اگر عوامل منفی وجود نمی‌داشت و این دافا سهل و آرام رواج داده می‌شد، به شما می‌گویم: مجبور می‌شد چیزی با استاندارد اخلاقی مشابه استاندارد اخلاقی بشر مدرن باشد، و این دلیل آن می‌بود که چرا مردم امروزی هیچ چیز بدی که درباره آن بگویند نمی‌داشتند. دقیقاً به خاطر این که ما در مسیر درستی هستیم است که تمام آن‌هایی که درست و پارسا نیستند می‌توانند نشان داده شوند، که چیزی نادرست در شما می‌تواند از بین برده شود، و هر آن‌چه که در جامعه مردم عادی نادرست است می‌تواند اصلاح شود. آن چیزها در جامعه چیزهایی نیستند که شما بروید و با قصد انجام دهید، چون وقتی چیزهای بد نشان داده می‌شوند مردم عادی خودشان متوجه آن می‌شوند. انسان‌ها هنوز در قلب‌شان مهربانی دارند و هنوز طبیعت نیکخواه‌شان را دارند، وقتی افراد قصورها و اشتباهات‌شان را می‌بینند، آن‌ها خودشان می‌دانند که چه بکنند، و این مسلماً نقش پالایش قلب افراد را ایفا خواهد کرد. در تزکیه تان باید در درجه اول بر این که چگونه کوشا باشید تمرکز کنید، و تلاش بیشتری را صرف این کار کنید، به جای این که دلوپس این باشید که جامعه مردم عادی چطور است یا شما برای جامعه باید چه کار کنید؛

شما این وظیفه را ندارید و من نیز از شما نخواستهم که آن را انجام دهید. شما تزکیه‌کننده هستید و برای تزکیه، تنها این‌که چگونه شین‌شینگ خودتان را بهبود بخشید اساسی است.

می‌دانید که اکنون صد میلیون نفر وجود دارند که در دافا مطالعه و تزکیه می‌کنند. تعداد افراد به خودی‌خود پیشاپیش نقش شروع تغییرات برای پالایش قلب افراد در جامعه را ایفا کرده است - این مسلم است. ولی این آن چیزی نیست که قصد انجام آن را داشتیم. به‌خصوص در مدت روند انتشار آن، دافا محنت‌های خودش را دارد و انتقادهای مردم عادی علیه دافا وجود دارد. باید چگونه از عهده این مشکلات برآید؟ شاگردان ما اعمال خشونت‌آمیزی را که مردم عادی به کار می‌برند کپی نکرده‌اند، و روش «اگر با من این‌گونه رفتار کنی، من هم با تو همان کار را می‌کنم» که مردم عادی به کار می‌برند یا آن اعمالی را که حتی بدتر هستند نیز برنگزیده‌اند. شما آن را به آن شیوه انجام نداده‌اید، شما تمامی آن را با نیک‌خواهی اداره می‌کنید. این نیز عاملی است که می‌گذارد دافا به روشی سالم‌گسترش یابد. البته هر امتحان دشواری که با آن مواجه می‌شوید نیز تقوای عظیمی را برای شما و دافا پایه‌گذاری می‌کند.

همان‌طور که دیده‌اید، بسیاری از افراد در آینده به کمال دست خواهند یافت - آن‌ها تا کمال تزکیه خواهند کرد. خدایان در آسمان‌ها خواهند پرسید: «چگونه به کمال رسیدی؟ چگونه تا به اینجا تزکیه کردی؟» البته شما می‌دانید که راه‌های کوچک تزکیه نمی‌توانند مردم را نجات دهند، و روش‌های معمولی نمی‌توانند یک خدا را به فراسوی سه‌قلمرو نجات دهند. به هر اندازه که یک فا عظیم و بالا باشد، به همان اندازه خدایی که می‌تواند از طریق نجات و رستگاری بنیان گذاشته شود بزرگ است و به همان اندازه فرد نجات داده شده می‌تواند به سطح بالا دست یابد. در آینده وقتی دیگران بخواهند ببینند که شما چگونه به آنجا بالا رفتید، آن‌ها درخواهند یافت که شما واقعاً شایستگی کسی که از طریق تزکیه در دافا صعود کرده است را دارید. تقوای عظیم بنا شده توسط این دافا، به خودی‌خود نیز بسیار مهم است. اگر یکی از شما به‌خوبی عمل کند، موضوع تزکیه فردی شما است، اگر افراد در یک منطقه به‌خوبی عمل کنند، این معنا را می‌دهد که شاگردان آن منطقه به‌خوبی عمل می‌کنند، اگر همه ما در تمامی دنیا یا در هر منطقه که مریدان دافا وجود دارند به‌خوبی عمل کنیم، دیگر موضوع یک منطقه یا یک نفر نیست، بلکه تمامی دافا به‌خوبی عمل می‌کند و در مسیر درستی می‌باشد.

حالا به موضوع دیگری اشاره می‌کنم. قطعاً این نوع شاگرد در آمریکا وجود دارد، ولی تعداد آن‌ها بسیار کم است، نسبتاً تعداد بیشتری در چین وجود دارند. این که بعضی‌ها زمانی بودیست‌های عادی بودند و به بودیسم و دیگر مذاهب بسیار علاقه‌مند هستند. از طریق قدرت‌های فوق‌طبیعی یا با گوش کردن به دیگران، بعضی افراد می‌توانند ببینند، یا از طریق صحبت کلامی، می‌دانند که دافا می‌تواند افراد را نجات دهد. بنابراین آن‌ها وضعیتی که در مذاهب پدید آمده را می‌دانند و درک می‌کنند. و آن‌ها آگاهی یافته‌اند که به‌ر حال مذاهب دیگر نمی‌توانند مردم را نجات دهند. از آنجا که خدایان، دیگر از مردم مواظبت نمی‌کنند، متون، معنای درونی پشت کلمات‌شان را از دست داده‌اند و در نتیجه تأثیر واقعی‌شان را در نجات دادن مردم از دست داده‌اند. بنابراین پس از این که این افراد این را فهمیدند، برای یادگرفتن دافا آمدند. ولی در سطح بنیادین آن‌ها آن چیزهای مربوط به گذشته یا وابستگی‌شان به مذهب را رها نکرده‌اند. به‌چیزهای قدیمی‌شان چسبیده‌اند و سعی می‌کنند توسط بهره‌گیری از دافا و با استفاده از دافا به اهداف‌شان برسند. این نیت واقعاً بد است. البته بعضی‌ها عمداً آن را انجام می‌دهند، و بسیار خوب واقف هستند که این‌گونه به آن مشغول می‌باشند؛ من آن‌ها را حصاربندی و جدا کرده‌ام و مطلقاً به آن‌ها اجازه نمی‌دهم چیزی به‌دست بیاورند. زیرا آن‌ها از دافا سوء استفاده می‌کنند، و این به خودی‌خود، برای انسان، بسیار اشتباه و قصد و نیت خیلی بدی است. اگر آن‌ها متوجه نباشند - یعنی لایه سطحی فرد کاملاً درک نکند و مبهم و آشفته باشد - آن وقت من بیشترین سعی‌ام را می‌کنم تا آن‌ها را اصلاح کنم و مجبورشان سازم که این موضوع را درک کنند. این موضوع را امروز مطرح کردم که بگذارم شما بدانید: آن مطلقاً مجاز نیست.

همان‌طور که می‌دانید، آن‌چه که آموزش می‌دهم فای‌کیهان است، و هر راه تزکیه و مدرسه آموزشی شامل شده در این جهان بوده و توسط این فا دربرگرفته می‌شود. موجودات زنده در هر سطح همگی توسط دافای کیهان خلق می‌شوند. هر بهشت، هر بهشت خدا یا بهشت بودا، کیهان در هر سطح، و بدن‌های کیهانی در هر سطح، همگی توسط این دافا آفریده می‌شوند. آیا آن

همه چیز را دربر نمی‌گیرد؟ بسیاری از افراد در این دافا موجوداتی هستند که به دنیای بوداها تعلق دارند؛ موجودات بسیاری به‌عنوان داتو بودند؛ و [افراد] بسیاری، خدایان مردم غربی بودند و یا موجوداتی که به بهشت‌های آن‌ها تعلق داشتند. و باز هم موجودات بسیاری هستند که از بهشت‌های خدایان بسیار زیادی می‌باشند که نه شما و نه انسان‌ها درباره آن‌ها می‌دانید و به اینجا آمده‌اند تا فا را کسب کنند. چرا دافا قادر است آن‌ها را برگرداند؟ دلیلی که واقعاً من می‌توانم آن‌ها را برگردانم این است که آن‌چه من آموزش داده‌ام فای بزرگ بنیادین جهان است، درحالی که فای هر بهشت جداگانه‌ای فقط اصول تصدیق شده‌ای است که فرد از سطوح مختلف کیهان آن را درک کرده و به آن آگاهی یافته است. هیچ کدام از آن‌ها نمی‌توانند با دافا قابل قیاس باشند.

چرا تزکیه کردن [به‌طور همزمان] در چیزهای دیگر را برای شما تأیید نمی‌کنم و به شما می‌گویم تنها در دافا تزکیه کنید؟ زیرا دافا وضعیت‌ها و موقعیت‌ها در سطوح مختلف و همچنین آن موجودات متفاوت را یکپارچه کرده و آنها را مورد ملاحظه قرار می‌دهد، و تنها از این طریق شما می‌توانید برگردید. نه تنها هیچ چیز ذاتی‌ای را که شما قبلاً داشته‌اید تغییر نمی‌دهد، بلکه در عین حال می‌تواند شما را به برگشتن نیز هدایت کند. شما می‌دانید که بسیاری از شاگردان ما دیده‌اند که آن‌ها داتو هستند، بعضی‌ها هستند که دیده‌اند ظاهر یک خدای غربی را دارند، و تعدادی هستند که شکلی را دارند که به مدرسه بودا تعلق دارد. تمام آن‌ها در دافا تزکیه می‌کنند، ولی من باعث نمی‌شوم که هیچ کدام از چیزهای آن‌ها گم شود یا به‌طور بد ساخته شود. بدون توجه به اینکه آن‌ها کدام روش تزکیه را در گذشته تزکیه کرده‌اند، من قادرم تمام آن‌ها را در برگشت هدایت کنم، و این تنها راه است. فقط با این فای جهان آن می‌تواند انجام داده شود. این بزرگترین تفاوت بین دافا و هر روش تزکیه دیگر یا مذاهب گذشته است.

در واقع هیچ کسی نمی‌داند که حتی اگرچه بسیاری از افراد درباره باور داشتن به بودا یا اعتقاد داشتن به خدا صحبت می‌کنند، حقیقت این است که، اگر شما کسی از آن دنیای خاص آن خدا نباشید او به هر حال شما را نجات نمی‌دهد، یک‌بار مطلبی را بیان کردم که خواه مسیحیت باشد یا کاتولیسم، در بهشت‌های آن‌ها هیچ فرد شرقی وجود ندارد. این یک حقیقت مسلم است که بشر درک نمی‌کند. اما مذاهب غربی با جنگ صلیبی به شرق رفتند، و طریقی که آن‌ها رواج یافتند از ابتدا خوب نبود، زیرا عیسی و یهوه، هر دو، مریدان خود را از رواج دادن آموزش‌ها به شرق قدهغن کردند. آن برای جلوگیری از ادغام نژادهای بشری بود، ولی آن‌ها این را نفهمیدند. یک‌بار گفتم که عیسی تصاویر محترم زیادی دارد لیکن شما آن‌ها را به‌کار نمی‌برید. ولی شما تصویری از او را که بر صلیب مصلوب شده است به‌عنوان سمبل به‌کار می‌برید. آیا آن به‌نظر نمی‌رساند که انگار مردم می‌خواهند عیسی برای ابد بر صلیب، مصلوب بماند؟؟ بشر هنوز فکر می‌کند که درحال انجام کار خوبی است. در واقع آن‌چه که مردم می‌خواهند انجام دهند و آن‌چه انجام داده‌اند لزوماً کارهای خوبی نیستند. چرا خدایان هنوز از مردم مراقبت می‌کنند؟ زیرا مردم هنوز به خدایان باور دارند. مردم در توهم گم شده‌اند، بنابراین چه می‌دانند؟

دافا قادر است تمام موجودات را به مکان‌هایی که آفریده شدند برگرداند. این چیزی است که من قطعاً می‌توانم انجام دهم. در عملکرد واقعی اصلاح فا، این برای موجودات سطح بالا انجام داده شده است، بدون توجه به اینکه سطح آن‌ها چقدر بالا است. از مریدان بسیار زیاد من، در طول چند سال گذشته تعداد بسیاری در تزکیه موفق شده‌اند؛ آن‌هایی که به کمال نایل شده‌اند یا آن‌هایی که درحال رسیدن به کمال هستند بسیار زیاد هستند. به‌دلیل این که تمامی امر هنوز به پایان نرسیده است از آن‌ها جلوگیری می‌شود. آن‌ها می‌توانند همه چیز را بدانند و همه چیز را ببینند، ولی قدرت‌های فوق‌طبیعی و قدرت‌های الهی آن‌ها مجاز نیست به‌کار برده شود، زیرا این زمین قادر نمی‌بود آن را تحمل کند. البته شاگردان نیز به‌تدریج از طریق بحث و تبادل تجربیات با یکدیگر به درک این چیزها رسیده‌اند، بسیاری چیزها بیشتر و بیشتر روشن می‌شوند. این دلیل آن است که چرا درباره این چیزها به شما می‌گویم. آن‌چه منظور است این است که، اگر شما به آن نژاد تعلق نداشته باشید یا از بهشت آن خدا نباشید، او شما را نخواهد برد.

بودا شاکيامونی گفت که تعداد تاتاگاتاها به فراوانی دانه‌های شن در رودخانه گنگ است. وقتی که موجودات در بهشت‌های مختلف بد می‌شوند به پایین سقوط می‌کنند. به کجا می‌افتند؟ آن‌ها همگی به مرکز جهان می‌افتند- این پایین‌ترین

مکان است. این زمین مرکزی‌ترین است، و محیط بسیار خاصی است. همه آن‌ها به اینجا می‌افتند، پس آن‌ها سقوط کرده‌اند. چون بوداها نیک‌خواه هستند و می‌خواهند موجوداتی را که از دنیای آن‌ها سقوط کرده‌اند نجات دهند، نمی‌گذارند آن‌ها بروند. پس آن‌هایی که آن خدایان می‌خواهند نجات دهند، در اساس، مردمی از دنیاهای خود خدایان هستند، آن‌ها قطعاً نمی‌توانند موجوداتی از دنیاهای دیگر را دست بزنند. و چرا این‌گونه است؟ زیرا تمام عناصری که موجود مشخصی را تشکیل می‌دهد عناصری از دنیای خود آن خدا هستند. وقتی آن عناصر برداشته شوند، آن حیات تجزیه می‌شود. این چیزی نیست که یک موجود به‌طور دل‌خواه انجام دهد. در گذشته مردم همگی به بوداها باور داشتند و بوداها یا خدایان را پرستش می‌کردند. در واقع، آن صرفاً نوعی از فکر درست ایمان به الهیات بود. آن بودا به هیچ طریقی حتی اگر می‌خواست، نمی‌توانست از آن فرد نگهداری کند. البته، خدایانی مثل شاکيامونی و عیسی که برای نجات مردم به زمین آمدند موارد خواصی هستند. قطعاً بسیاری موضوعات پیچیده وجود دارند، و ما آن‌ها را اینجا مورد بحث قرار نمی‌دهیم. آن‌چه که در حال گفتن آن هستم این است که دافا قادر هست به این برسد [یعنی، از موجودات خدایان دیگر مراقبت کند]. برای آن‌هایی که، در درون عمیقاً هنوز چیزهایی از گذشته‌شان را رها نکرده‌اند، این موضوع را امروز مطرح می‌کنم به‌طوری که به آن‌ها فرصتی دهم. اگر هنوز رها نکنند، این فرصت را از دست می‌دهند. دافا جدی و پرابهت است و تزکیه جدی است.

سپس برای شما موضوع دیگری را مطرح می‌کنم، چیزی که شاگردان نمی‌توانند در تزکیه به روشنی توضیح دهند، یعنی، «آسمان‌ها» (تی/ن). بر طبق علم معاصر، سفینه‌ها به فضای خارج سفر کرده‌اند و به بسیاری از کرات پرواز کرده‌اند، ولی هیچ موجود بشری یا بهشت‌های خدایان را ندیده‌اند، و نه اینکه صحنه‌ها و مناظر آسمان‌های بین سه‌قلمرو که مردم درباره آن‌ها صحبت کرده‌اند وجود داشت. پس مردم مدرن این منطق را برای رد کردن مذهب به‌کار می‌برند، آنها افسانه‌های گذشته را ندیده می‌گیرند، و اساسی‌ترین سرشت انسان‌ها را رد می‌کنند. در واقع «آسمان‌هایی» که خدایان به آن اشاره می‌کنند اصلاً همان مفهومی که انسان‌ها می‌بینند نیست. من اغلب می‌گویم که ملکول‌ها هر چیزی را در این بُعد مادی انسان‌ها می‌سازند، درحالی که ماده میکروسکوپی دلیل برای ترکیب ملکول‌هاست، و لایه‌های ماده حتی میکروسکوپی‌تر دلایل پایه‌ای برای تشکیل لایه‌های ذرات در سطوح مختلف هستند. خدایان در دنیاهای فوق‌العاده میکروسکوپی هستند که به هر حال دنیاهای فوق‌العاده وسیع و فضاهای پهناوری هستند. دنیاهای میکروسکوپی و بُعدهای شکل گرفته در دنیای میکروسکوپی که درباره‌اش به شما در هر سخنرانی گفته‌ام جایی است که خدایان قرار دارند. درباره‌اش فکر کنید: خدایان ... اخیراً گفتم که چیزها در بُعد بشری، مثل هوا، ماده، خاک، سنگ‌ها، آهن و استیل - هر چیز در این بُعد، همین‌طور بدن شما - از ملکول‌ها ساخته شده‌اند. ولی ملکول‌ها زمخت‌ترین، سطحی‌ترین، و کثیف‌ترین ماده در جهان هستند. این ملکول‌ها - در واقع به چشم خدایان، تمام ملکول‌ها - به‌عنوان کثافت دیده می‌شوند و در جهان به عنوان لجن فرض می‌شوند، و این فقط درک در سطح تاتاگاتا است. این دلیل آن است که چرا آن‌چه در گذشته درباره یهوه و نووا گفته شد که از گل برای آفریدن انسان استفاده کردند درست بود. زیرا حتی جسم شما از ملکول‌ها ساخته شده است، و در چشم خدایان آن گل است، آن کثیف است، و چیزی است که خشن‌ترین است. پس همه درباره‌اش فکر کنید: هر چقدر هم سفینه‌های فضایی بتوانند ببینند، آیا فراتر از حیطه و قلمرو ملکول‌ها پرواز کرده‌اند؟ بگوییم هواپیما در آسمان حرکت می‌کند و شما از آسیا به آمریکا سفر کنید. شما این‌گونه احساس می‌کنید که خیلی بالا و بسیار دور پرواز کرده‌اید، واقعیت این است که شما فقط در حال حرکت در درون تپه کوچکی از ملکول‌ها هستید و کلاً در سطح زمین در حال حرکت هستید - این ابداً آسمان‌ها نیست. به چشم خدایان، این فقط موضوعی است از فواصل کوتاه یا بلند متفاوت درون مواد هم‌سطح. بُعدهای ساخته شده از دنیاهای میکروسکوپی، آسمان‌های واقعی هستند که خدایان به آن اشاره می‌کنند. هرچه یک ماده میکروسکوپی‌تر و خالص‌تر باشد، سطح خالص‌تر و پالوده‌تری را می‌سازد.

انرژی در تمام مواد وجود دارد، به انضمام ملکول‌ها. فقط به خاطر این که بدن انسان و هر چیزی در اطراف شما از ملکول‌ها ساخته شده - حتی ماشین‌هایی که برای اندازه‌گیری آن انرژی به‌کار می‌برید همه از ملکول‌ها ساخته شده‌اند - است که نمی‌توانید انرژی ملکول‌ها را پیدا کنید. هرچه ماده میکروسکوپی‌تر باشد، انرژی بیشتری دارد و قدرت رادیواکتیویته آن بیشتر است - هرچه میکروسکوپی‌تر قدرتمندتر. به‌همین دلیل انرژی خدایان و شکل‌های وجودی‌شان این‌گونه است. بگذارید کمی



واضح‌تر آن را برای تان روشن کنم: مردم روی زمین می‌بینند که ماه، خورشید، ونوس، مریخ، همین‌طور راه شیری، فضای خارج از منظومه شمسی، بدن‌های کیهانی بسیار دور و غیره همگی در آسمان‌ها هستند، ولی اگر از مریخ به زمین نگاه کنید، آیا نخواهید گفت که آن هم در آسمان‌ها است؟ آن هم در آسمان‌ها است. این درکی است که نسبت به شیوه‌های فکری مردم عادی درک جدیدی را به همراه دارد.

اگر در سطحی عمیق‌تر درک کرده شود- درباره‌اش ببینید- آسمان‌ها چه هستند؟ همین که وارد بُعد میکروسکوپی شوید، آن آسمان‌ها است. بگذارید ساده‌ترین مثال را بزنم و برای شما داستانی بگویم. در گذشته تزکیه‌کننده‌ای دائوئیستی بود که درحالی که می‌نوشید در خیابان قدم می‌زد. ناگهان کسی را دید. این فرد درست کسی بود که او به دنبالش می‌گشت- کسی که می‌توانست دائو را تزکیه کند. بنابراین خواست که این فرد را نجات دهد و او را به‌عنوان مریدش برگزیند. او از این فرد پرسید، «آیا می‌خواهی مرا دنبال کنی تا دائو را تزکیه کنی؟» کیفیت روشن‌بینی و کیفیت مادرزادی این فرد بسیار خوب بود، و این فرد گفت، «بله می‌خواهم.» تزکیه‌کننده پرسید: «آیا شهامت آن را داری که مرا دنبال کنی؟» این فرد جواب داد، «بله، دارم!» او پرسید: «آیا شهامت آن را داری که هر کجا می‌روم مرا دنبال کنی؟» جواب «بله» بود. تزکیه‌کننده پس گفت: «خوب، حالا مرا دنبال کن!» با گفتن این، او شیشه شراب که به اندازه کف دست بود را بر زمین گذاشت، سر شیشه را باز کرد و به داخل شیشه شراب پرید. این فرد دید که استادش در آن پرید، پس او از استادش تقلید کرد و همان‌طور به داخل شیشه پرید. همه کسانی که ایستاده بودند و تماشا می‌کردند خم شدند و به داخل شیشه نگاه کردند، آن‌ها فریاد زدند: «او!» در داخل شیشه دنیای وسیعی بود، واقعاً وسیع. با ذهنیت بشری نگرستن، یک فرد به آن بزرگی چگونه امکان دارد که به درون یک چنین شیشه شراب کوچکی برود؟ آن به این دلیل است که وقتی بخواهید در آن بُعد وارد شوید، همه بدن شما قبل از آن که بتوانید وارد شوید باید با وضعیت و حالت آن بُعد مطابقت داشته باشد. وقتی که شما از بین فاصله‌های بین بُعدهای مختلف سفر می‌کنید، بدن شما به طور اجتناب‌ناپذیری به حالت‌های موجود در آن‌ها وارد می‌شود. به این خاطر که هرچه ذرات ماده میکروسکوپی‌تر باشند، سطوح آن‌ها هموار، وسیع‌تر و پهن‌تر هستند و در سطح ذرات میکروسکوپی، طریقی که شیشه شراب ظاهر می‌شود از شکلی که انسان‌ها می‌بینند متفاوت است، تمام ذرات به هم وصل هستند، آن‌چه که برای انسان بزرگ یا کوچک به نظر می‌رسد فقط شکلی از تجلی در زمان مکان شکل گرفته‌شده توسط ذرات مثل هم است. یعنی، سطح شیشه شراب از ملکول‌ها ساخته می‌شود، و این آن شکلی است که شما می‌بینید، ولی شیشه شراب در سطح میکروسکوپی به این شکل نیست. به دنیای در آن قلمرو وصل است. آیا آن‌چه را که گفتیم درک می‌کنید؟ (تشویق) من فقط آن نوع از ایده را بحث می‌کنم. این چیزی است که بشر نمی‌تواند درک کند و آن نمی‌تواند با تصورات بشری درک شود.

پس با گفتن این که یک شخص به آسمان‌ها می‌رود، می‌توانم بگویم که اگر شما ناگهان وارد یک سنگ شوید، آیا این رفتن به آسمان‌ها نیست؟ این عملی نخواهد بود اگر وارد سطح شکل‌گرفته شده توسط ماده سنگ شوید. شما وارد قلمروهای ذرات میکروسکوپی که ذرات ملکولی‌اش را شکل می‌دهد می‌شوید- آیا شما به آسمان‌ها نخواهید رفت؟ اگر شما کوچک شده و در سطوح میکروسکوپی بدن تان وارد شوید آیا شما در آسمان‌ها نیستید؟ وقتی شما وارد ذرات میکروسکوپی ذرات سطحی بُعدها در هر سطحی شوید- به بیان دیگر وارد لایه ذرات کوچک‌تر از آن یکی شوید- شما هم‌اکنون در آسمان‌ها هستید. فقط این‌طور است که سطوح آسمان‌ها متفاوت هستند، و درجه میکروسکوپی بودن متفاوت است. بعد از آن که شما به دنیای میکروسکوپی وارد شدید، اگرچه می‌بینید که وارد سنگ می‌شوید، وارد بدن تان، یا وارد چیز معینی می‌شوید، در واقع شما وارد جهانی وسیع که به آن بُعد متصل است شده‌اید. به معنای دیگر، این شیوه فکر کردن بشر نیست. اغلب می‌گویم که آن‌چه مردم به عنوان شرق، غرب، جنوب یا شمال، بالا، پایین، داخل یا بیرون، نام می‌برند، در جهان وجود ندارد، و آن متفاوت از طرز فکر و مفاهیم بشری است. بعد از آن که آن را به این طریق توضیح می‌دهم شما خواهید فهمید، «او، اصلاً شبیه آن چیزی که از نقطه‌نظر طرز تفکر بشری در نظر گرفته می‌شود نیست.» علم جدید امروز بسیار سطحی است. نمی‌تواند آسمان‌های واقعی را پیدا کند یا بشناسد، زیرا فقط در بُعد مادی جاری دست‌وپا می‌زند، و این آن را محدود کرده است. و از این‌رو، علم تحمیل شده توسط موجودات

فضایی بر انسان به این منحصر شده است. موجودات فضایی نیز موجوداتی در این بُعد هستند، و آن‌ها نیز به همین نحو ناتوان از شناخت حقیقت جهان هستند.

بشر به خدایان باور ندارد، و این مسئله‌ای ساده نیست. بشر است که درحال از بین بردن اصول اخلاقی بشری است. زمانی که انسان به جزای کارمایی باور دارد، باور دارد که انجام کارهای خوب پاداش دربردارد و انجام کارهای بد با جزا روبه‌رو می‌شود، و هرآنچه که انسان انجام می‌دهد توسط خدایان دیده می‌شود، آن وقت بشر جرأت انجام کارهای بد را نخواهد داشت. انسان می‌داند که انجام کارهای نیکو تقوا را گرد می‌آورد و پاداش آن شادمانی می‌باشد که واقعاً حقیقی است. ولی بشر به این چیزها دیگر باور ندارد، علم این روزها به این‌ها باور ندارد، و آن‌ها را خرافات می‌داند. این دقیقاً ضربه چماق علم برای کوبیدن بر تفکر درست مردم است. آیا این ضربه زدن بر اساسی‌ترین سرشت انسان‌ها نیست؟ وقتی اخلاقیات مردم، باورهای راستین، و افکار صالح تا درجه‌ای از بین رفته‌اند که وجود ندارند، مردم با بی‌پروایی هرچه که دل‌شان می‌خواهد انجام می‌دهند و به هر وسیله‌ای متصل می‌شوند که به اهداف‌شان دست یابند. این یکی از دلایل فساد و زوال جامعه بشری است. افراد در جامعه غربی به‌نظر می‌رسد که به خدایان ایمان دارند، ولی آن‌ها واقعاً به خدایان ایمان ندارند: آن‌چه که واقعاً باور دارند علم است. خدایان مانند آن‌چه که آنان تصور کرده‌اند نیستند، یعنی موجوداتی با احساس بشری. همین الان یک مفهوم کلیدی را برای‌تان تصحیح کردم، یعنی، آسمان‌ها چگونه باید درک شوند. آن‌چه منظور خدایان و انسان‌ها است وقتی که آن‌ها از آسمان‌ها صحبت می‌کنند دو چیز متفاوت است.

در طی دوره تزکیه، بسیاری از افراد بعضی مواقع می‌بینند که به‌نظر می‌رسد که آن‌ها وارد بدن خودشان شده‌اند. بدن‌شان شبیه آسمانی پهناور است، آن‌ها در آسمان حرکت می‌کنند و در میان بدن‌های عظیم کیهانی قدم می‌زنند، همان‌طور که پیش می‌روند درها یکی بعد از دیگری باز می‌شوند. وقتی که نزدیک‌تر نگاه می‌کنند یا ذهن‌شان را کمی بیشتر منبسط می‌کنند که نگاه کنند، متوجه می‌شوند، «اوه، کانال‌های انرژی در بدن من در حال باز شدن است.» بیابید درباره آن فکر کنیم، وقتی که تزکیه می‌کنید بدن شما از نهایی‌ترین دنیای میکروسکوپی تا به بالا درحال تغییر کردن است. پس نهایی‌ترین دنیای میکروسکوپی چیست؟ آیا بدن‌های دیگر شما دقیقاً در آسمان‌ها و در آن قلمرو نیست؟ فقط این‌طور است که شخص شما در میان مردم عادی افتاده‌اید، و همراه با آن شما به آنجایی که افراد عادی هستند افتاده‌اید؛ حتی بخشی که میکروسکوپی‌ترین است به سطح مردم عادی افتاده است. ولی اگر از طریق تزکیه بتوانید برگردید، همه چیز برای شما پالایش داده می‌شود، بنابراین شما آن تجربه را از سر می‌گذرانید. در تاریخ، بسیاری از تزکیه‌کنندگان آن پدیده‌ها را [که من توضیح دادم] دیده‌اند، ولی قادر به توضیح آن نبودند. گاهی، آن‌هایی که در مذهب بودیسم هستند می‌گویند که بودا در ذهن فرد است، درحالی‌که افراد در مدرسه داو می‌گویند که بدن انسان یک جهان کوچک است، و امثال آن، و این به دیدن چنین چیزهایی مربوط می‌شود.

وقتی که درباره علم صحبت می‌کردم گفتم که علم نقش خوبی را ایفا نمی‌کند. نه تنها محیط بشری را آلوده می‌کند و بافت‌های بدن انسان را از بین می‌برد، بلکه عاقبت موجودات فضایی جایگزین انسان خواهند شد. چیزهای آن‌ها به هر محیط و فضای جامعه بشری رخنه کرده است، بشر نمی‌تواند از علم رها شود و اکنون همه چیزها توسط علم به وجود آمده است. از آن‌جا این‌طور است به عنوان مریدان دافا، بدون توجه به این‌که تخصص شما چیست، شما باید فقط ادامه دهید و کارتان را انجام دهید، و کارتان را به خوبی انجام دهید- آن کافی خواهد بود. راجع به هرچیزی که اتفاق می‌افتد دخالت نکنید. به شما نمی‌گویم که با این علم مخالفت کنید، نه این‌که به شما آموزش می‌دهم که آن را رها کنید. منظور من این نیست. من به شما می‌گویم که علم چیست. درک علم درباره بسیاری چیزها بسیار سطحی است، حتی درک آن از ماده در این بُعد موجود ناکافی است. ناتوانی‌اش در تشخیص وجود موجودات الهی، توسعه‌اش را محدود کرده است. برای مثال دانشمندان این روزها می‌گویند که آلودگی صنعتی بسیار شدید است، و یکی از نمونه‌ها این است که گاز فرئون و مواد دیگر که برای خنک کردن به کار می‌روند گفته می‌شود که باعث صدمه بر لایه ازن شده است. می‌گویند که صدمه به لایه ازن در قطب جنوب اتفاق افتاده است، جایی که حفره ظاهر شده است. واقعیت این است که علم ناتوان از تشخیص دادن نقش ایفا شده توسط خدایان است، بنابراین مردم

می‌گویند که حفره توسط صدمه به لایه ازن ایجاد شده است. این درست است که آلودگی وارد شده توسط صنعت مدرن هوای بشری را تا حد بسیار بسیار بدی آلوده کرده است.

ولی موجودات غیرقابل شمارشی در جهان میکروسکوپی کیهان پهناور، صرف نظر از این که آن‌ها شکلی دارند یا نه، تمام آن‌ها خدایان هستند، و آن‌ها در جهان ذره‌بینی که انسان‌ها نمی‌توانند ببینند وجود دارند. هوا از اجزای ملکولی ساخته شده است، درحالی که اجزای ملکولی از ذرات میکروسکوپی تری تشکیل شده‌اند. در خود هوا لایه‌های بی‌شماری وجود دارند- لایه‌ای بعد از لایه، به سمت جهان ذره‌بینی پیشرفت می‌کند- و همه [آن‌چه که در آن‌جا وجود دارند] خدایان هستند. وقتی که آن‌ها دیدند که محیط بشری به این شکل درآمده است، یک دریچه را باز کردند، یک در را باز کردند تا گازهای اضافی را از زمین خارج کنند. این توسط خدایان انجام شده بود. آن‌ها آن را به عمد باز کردند و آن وقت آن را بستند. اگر خدایان از انسان‌ها حمایت نکرده بودند، انسان زنده نمی‌ماند. بشر نه تنها به خدایان باور ندارد، بلکه حتی جرأت بی‌احترامی به خدایان را دارد. بگذارید ساده‌ترین مثال را بزنم. می‌دانید که مکان‌هایی که آلودگی صنعتی با شدت بیشتری وجود دارد، در پرجمعیت‌ترین مکان‌ها هستند- در شهرهای بزرگ. چرا حفره در لایه ازن در بالای آن مکان‌ها توسعه نیافت؟ زیرا خدایان فکر می‌کنند که باز کردن حفره در ناحیه قطب جنوب برای انسان امن است. قاعدتاً باید این طور باشد که هر کجا بیشتر گازهای هدر رفته وجود داشته باشد سوراخ در لایه ازن به وجود می‌آید، مگر نه؟ پس چرا این گونه نیست؟ این چیزی شبیه آن چه مردم تصور کرده‌اند نیست. همچنین یک حفره بزرگ بالای فلات چین چوانگ در چین وجود دارد- حفره‌های بزرگ همیشه در مناطق مسکونی نامتراکم ظاهر می‌شوند. فقط به لایه ازن که ما می‌توانیم ببینیم محدود نمی‌شود، چون مواد جهان ذره‌بینی تشکیل دهنده در ماده، بسیار بی‌شمار هستند، و همه آن‌ها باید راه را باز کنند به طوری که آن چیزها بتوانند تخلیه شوند. البته این کاری است که خدایان برای بشر انجام داده‌اند.

آلودگی ساخته بشر حتی سبب مشکلات جدی‌تری شده است. شما می‌دانید که تقریباً هیچ آب شیرین در دنیا، خالص نیست. این که آب زیرزمینی یا آب روی زمین باشد، هرچقدر هم مردم آب را فیلتر یا تصفیه کنند، خلوص واقعی آب نمی‌تواند به دست آورده شود. به علاوه مردم این آب آلوده را مرتباً دوباره استفاده می‌کنند و آب بیشتر و بیشتر آلوده می‌شود زیرا آبی که انسان استفاده می‌کند حالت گردشی دارد- آب شیرین ماده‌ای در حال چرخش است. آب شیرین با آب دریا مخلوط نمی‌شود، چون آن‌ها از یک جنس نیستند. حیات در هر ماده و هر شیئی وجود دارد. وقتی خاک، آب، هوا و امثال آن بیشتر و بیشتر آلوده شده‌اند، لطمه به بشر نیز بزرگ‌تر و بزرگ‌تر می‌شود. توسعه جامعه امروز بشری تکرار توسعه جامعه قبلی بشری است، دوره قبلی یک آزمایش برای رسیدن به این دوره بود. اگر توسعه در این مسیر ادامه یابد، انسان از شکل می‌افتد. گازها و آب‌های هدر رفته صنعتی سبب می‌شوند انسان از شکل بیفتد و شبیه نیمه شیطان، نیمه انسان و زشت و زنده به نظر برسد. اگر بیشتر توسعه یابد این گونه خواهد بود. علاوه بر این، رفتار زشت و پلید افراد نیز وجود دارد که از عوامل تباهی اخلاقی نشأت می‌گیرد.

در این مرحله از این فرصت استفاده می‌کنم و می‌خواهم درباره موضوعی دیگر صحبت کنم. همان طور که می‌دانید علم جدید برای انسان توسط موجودات فضایی آورده شد. آن‌ها وقتی که انقلاب صنعتی در غرب شروع شد آمدند. آن‌ها با ریاضیات و شیمی شروع کردند- از دانش سطحی و اولیه زمان‌های پیشین شروع کردند- و به درون ماشین‌های مدرن رخنه کردند، و عاقبت به کامپیوترهای امروزی توسعه یافتند. همان طور که توسعه بیشتر ادامه یابد هدف نهایی‌شان جای انسان‌ها را گرفتن خواهد بود. تعویض چگونه صورت می‌گیرد؟ همان طور که گفتم، در بدن انسان‌های امروزی تقریباً همه یک لایه از بدنی را دارند که توسط موجودات فضایی به وجود آمده است. چرا این را می‌گوییم؟ زیرا تمام علمی که آن‌ها در شما القا کردند در ذهن شما یک شیوه فکری منحرف شده بشری را ایجاد کرده‌اند. انسانی شبیه این هرگز در هیچ کدام از تمدن‌های قبلی بشری وجود نداشته است. وقتی ذهن شبیه آن است، بدن هم به همان شکل است. همان طور که می‌دانید هر سلول در بدن شما، شما است، و مغز شما به مغز هر کدام از سلول‌های شما مرتبط است. در این حالت، روند فکری درون سلول‌های بی‌شمار در بدن شما همگی، افکار منحرف شده انسان‌ها هستند، و تمامی بدن شبیه آن شده است. این مصادف با این می‌شود که چرا خدایان دیگر انسان را به عنوان انسان در نظر نمی‌گیرند. وقتی که انسان دیگر انسان نیست، فایده این که خدایان آن را نجات دهند چیست؟

شما می‌دانید که وقتی فرد می‌میرد، او واقعاً نمی‌میرد. پوستهٔ بزرگترین لایهٔ ذرات ملکولی جدا می‌شود، درحالی‌که بخشی از بدن که از ذرات میکروسکوپی پایین‌تر از ملکول تشکیل می‌شود نمرده است. آن جدا می‌شود، مثل اینکه فرد تکه‌ای از لباس را درمی‌آورد. واقعاً نمرده است. ولی فرد در این بُعد ناپدید شده است، زیرا جسم لازم است سوزانده شود یا به خاک سپرده شود و عاقبت متلاشی و منحل می‌شود. او از این بُعد خارج شده است، یعنی این لایهٔ ذرات ناپدید شده است. پس دربارهٔ فرهنگ موجودات فضایی که اکنون صحبت می‌کردم، آن دقیقاً تفکر خود انسان را برای خلق لایهٔ بدنی که احتیاج دارد، به کار می‌برد، و این را بدون این که انسان از آن آگاه باشد انجام می‌دهد. پس چگونه آن‌ها در نهایت جایگزین انسان می‌شوند؟ می‌دانید که آن‌ها هنوز مجبورند برای جایگزین شدن بیرونی‌ترین سطح انسان‌ها راهی پیدا کنند. این روش «هماندسازی» است که هم‌اکنون بشر می‌خواهد به کار گیرد. خدایان از مردم مواظبت می‌کنند، و وقتی از کسی مراقبت نکنند، عناصر حیات را در آن شخص القا نمی‌کنند.

این طور است که بگوییم، دلیلی که شما در این دنیا زنده هستید این نیست که شما این بدن جسمانی را دارید، و نه این که به دلیل این است که مادرتان به شما این جسم را داده است شما زنده هستید. شما چون روح اصلی‌تان (بیوان‌شین) و موجودیت تمام روح‌های دیگرتان (شین) را دارید است که می‌توانید زنده باشید و زندگی کنید. چرا بعد از این که شخص می‌میرد و در آن جا دراز کشیده است به زندگی کردن ادامه نمی‌دهد، چرا که هرچه باشد همان بدن است؟ زیرا تمام روح‌های اصلی‌اش رفته‌اند. یعنی اگر به شخص یک روح داده نشود و مجاز نباشد که در زمان تولد دوباره بازپیدایی نماید، او بعد از تولد بازهم مرده می‌باشد. پس چه اتفاقی خواهد افتاد؟ موجودات فضایی وارد می‌شوند. این آخرین وسیله‌ای است که موجودات فضایی برای جای انسان را گرفتن به کار خواهند برد- یعنی همانندسازی انسان‌ها. انسان توسط موجودات فضایی مورد استفاده قرار گرفته است تا خودش را نابود کند، اما هنوز به آن آگاه نیست و از علم پشتیبانی می‌کند، نژاد بشری را از بین می‌برد. اگر انسان‌ها در آینده به صورت گروه و تعداد افراد زیادی همانندسازی شوند، آن موجودات همگی موجودات فضایی خواهند بود که در بدن‌های انسان بازپیدایی یافته‌اند، و هیچ نژاد بشری وجود نخواهد داشت. البته، این که من این حقیقت را امروز ذکر می‌کنم در واقع این معنا را می‌دهد که تمام این مشکلات در حال برطرف شدن هستند. حتی بسیاری قبلاً برطرف شده‌اند. این را امروز بحث کردم که بعضی از واقعیت‌های مربوط به پیشرفت اخیر بشر را به شما بگویم.

شکل‌گیری زمین نیز برخلاف چیزی است که ما انسان‌ها تصور کرده‌ایم، که تئوری «انفجار بزرگ» این سیاره را به وجود می‌آورد. اصلاً به این شکل نیست. چگونه شکل گرفت؟ درک علم امروزی از بنیان ماده، بنیان حیات، و جهان کاملاً اشتباه است. خدایان این زمین را آفریدند. چگونه آفریده شد؟ همان طور که می‌دانید زمین به دفعات زیادی دوباره ساخته شده است. موضوع فجایع در هر مذهبی مطرح شده است. اگر این زمین خودش باید یک فاجعه داشته باشد- زمانی که انسان فاسد شده است آن نابود خواهد شد، و بر روی این زمین نابود خواهد شد- بلای عظیمی است. بلایای حتی بزرگتری وجود دارند که اتفاق می‌افتند، وقتی که تمام زمین دور انداخته شود. از آنجاکه فرد در روند بازپیدایی، کارما را با خود حمل می‌کند، هرچه فرد اعمال بد بیشتری انجام دهد او کارمای بیشتری دارد. وقتی که به صورت یک گیاه بازپیدا شود، گیاه با کارما پوشیده خواهد بود. چشمان انسان نمی‌تواند این را ببیند، چون کارما در بُعدی پایین‌تر از لایهٔ بزرگ‌ترین ملکول‌ها وجود دارد. انسان به گیاهان، اشیاء، حیوانات بازپیدایی می‌یابد، یا ممکن است در هنگام بازپیدایی حتی به صورت خاک یا سنگ‌ها بازپیدا شود، بنابراین کارما همه‌جا است. بنابراین زمین چیست؟ مثل یک کره از کارما به نظر می‌رسد. این معنای ایدهٔ «سیب پوسیده» است که ذکر کرده‌ام. آن به چیزی بسیار فاسد و پوسیده‌ای تبدیل شده است- «فابده‌اش چیست که آن را در جهان مقدس و پاک نگه‌داشت؟ از شرش خلاص شویم!» آن وقت به طور موجهی می‌تواند دور انداخته شود.

وقتی گفته می‌شود که بوداها نسبت به انسان‌ها نیک‌خواه هستند، اشاره به بوداهایی است که به زمین نزدیک هستند، چون آن‌ها به نیک‌خواهی باور دارند. خدایان در سطوح بسیار بالا می‌گویند: «نیک‌خواهی چیست؟» آن‌ها پی‌می‌برند که حتی نیک‌خواهی یک وابستگی است. آیا آن‌ها نیک‌خواه هستند؟ آن‌ها نیز نیک‌خواه هستند ولی قلمروها و مفاهیم نیک‌خواهی آن‌ها متفاوت است. درست شبیه چیزی است که گفتم: طرز تفکر متفاوت است. آن‌ها به موجودات ذی‌شعوری که به آن‌ها نزدیک‌ترین

هستند نیک‌خواه می‌باشند، و آن‌ها خدایان در سطوح بسیار پایین را مثل مردم عادی در نظر می‌گیرند. راجع به انسان‌ها، آن‌ها به چه حسابی می‌آیند؟ آن‌ها حتی از میکرو ارگانسیم‌ها و باکتری‌ها پست‌تر هستند. وقتی که فردی باکتری را در حین راه رفتن می‌کشد، چه کسی آن را کشتن به حساب می‌آورد، درست است؟ آن‌هایی که بد می‌شوند- مثل مدفوع یا بخشی از کود- باید از شرش خلاص شد. پس در این، مفهوم نیک‌خواه بودن یا نیک‌خواه نبودن کجاست؟ اصلاً وجود ندارد. بشر فکر می‌کند که فوق‌العاده است، درحالی‌که در چشم خدایان بالاتر، او هیچ نیست. در این جهان پهناور تفاوت‌های عظیمی در میان موجودات زنده در قلمروهای متفاوت از جنبه شکل‌های وجودی و قدرت درک‌شان وجود دارد. وقتی به شما درباره قلمروهایی که بسیار بزرگ و وسیع و بالا هستند می‌گوییم- و اگر شما به خاطر آورید که چنین سطح بزرگی از جهان فقط یک ذره غبار در بدن کیهانی پهناور است- زمین می‌تواند به چه حساب آید؟ بشر می‌تواند به چه حساب آید، درست؟ این فقط خود انسان‌ها هستند که فکر می‌کنند که فوق‌العاده و بزرگ هستند. این زمین بارها جایگزین شده است، وضعیت این است.

در تاریخ جهان پهناور، این زمین بارها جایگزین شده است. ولی چگونه جایگزین شده است؟ از آنجاکه لایه سطحی بیرونی زمین از مواد این سطح ساخته شده است- از ماده‌ای تشکیل شده که از ملکول‌های این بُعد ساخته شده است- زمین باید با ماده‌های از این بُعد آفریده شود. بدن‌های کیهانی مختلف این بُعد در این جهان، همگی تجدید و وضعیت دوباره نوسازی برای جایگزینی قدیم را تجربه می‌کنند. خدایان عظیم در جهان، گرد و غبار یا بقایا از بدن‌های کیهانی مشخصی را جمع و طبقه‌بندی کردند و سپس یک زمین جدید را ساختند. این دلیل آن است که چرا وقتی دانشمندان امروزی، تاریخ و زمین‌شناسی را مطالعه می‌کنند، و درباره این‌که از زمانی که ماده مشخصی روی زمین ساخته شد چه مدت گذشته است یا تاریخ زمین چقدر طولانی است اظهاراتی بیان می‌کنند، رویکردشان هرگز به حقیقت نزدیک نمی‌شود. دلیل این می‌باشد که بعضی از مواد، حتی قبل از شکل‌گیری زمین، صخره‌های عظیم یا اشیاء عظیم کیهانی بودند. آن‌ها به اینجا آورده شدند، و قبل از آن‌که زمین به وجود آید، وجود داشتند. بنابراین برای شما غیرممکن است که از طریق مطالعه، زمان تاریخ زمین را حساب کنید. وقتی به بسیاری چیزها اشاره می‌شود ممکن است افسانه به نظر آیند. من در حال سخنرانی درباره فا برای تزکیه‌کنندگان هستم، و شما می‌توانید آن را قبول کنید، زیرا فا به مردم عادی یا جامعه عادی آموزش داده نمی‌شود.

وقتی که درباره آب صحبت کردم از دریاها نام بردم. واقعاً دریاها چه هستند؟ آب دریا و آب، مطلقاً مثل هم نیستند. تنها آب شیرین واقعاً آب است، درحالی‌که آب دریا توسط انسان‌ها «آب» خوانده می‌شود، که به‌واقع نوع دیگری از ماده است. آب عنصری است که حیات را می‌آفریند. همان‌طور که می‌دانید، در جهان، وقتی که از سطحی بسیار کوچک نگریسته شود، زمین مثل یک ذره غبار است. یک خدا بسیار بزرگ است و حجم بدنش بسیار وسیع است. اگر او قرار بود اشک بریزد زمین غوطه‌ور می‌شد. در حقیقت، آب دریا قطره اشکی از یک خدا است. آن‌چه گفتم ممکن است مثل افسانه به نظر آید. می‌توانید بروید و آن را آزمایش کنید تا ببینید که ساختار آب دریا مثل اشک انسان است. آن‌ها دقیقاً یکی هستند. اگر اشک شما می‌توانست به همان اندازه حجم دریا بزرگ‌نما شود و شما نگاهی می‌انداختید چه نوع مخلوقاتی را می‌توانستید در آن ببینید؟ شاید در آن نیز یک وال وجود می‌داشت. به‌نظر می‌رسد که شوخی می‌کنم، درحالی‌که در واقع حقیقت دارد. می‌توانم سرچشمه تمام مواد بر روی زمین و همچنین اصل بشر را توضیح دهم. چون آن‌ها به تزکیه شما مربوط نیستند نمی‌خواهم درباره آن‌ها صحبت کنم. در حقیقت، هر چیزی بر روی زمین اصل و سرچشمه خود را دارد.

آیا می‌دانید خاک زردی که سطح زمین را پوشانده چیست؟ در واقع مدفوع موجوداتی در سطح بالاتر از بُعد بشری است. این دلیل آن است که چرا در گذشته خدایان گفتند که انسان‌ها در دنیای کثیفی هستند- این معنا را می‌دهد. زیرا مواد موجودات سطح بالا تمیز و پاک هستند، مدفوع آن‌ها به‌نظر انسان‌ها تمیز به‌نظر می‌رسد. فقط چیزهای پایین‌تر از انسان‌ها برای انسان‌ها کثیف احساس می‌شوند، بنابراین وقتی چیزی بالاتر از انسان است، مردم آن را تمیز می‌یابند. ولی هیچ ماده مغذی در چیزهای بالاتر از بُعد بشری وجود ندارد، زیرا اگر کثیف نباشد هیچ مواد مغذی وجود نخواهد داشت. بنابراین بسیار مشکل است چیزی در خاک زرد رشد کند. خاک سیاه از مخلوط گیاهان متلاشی شده با خاک زرد ساخته شد که در نتیجه رشد چیزها را ممکن ساخت.

گیاهان پوسیده رنگ خاک زرد را به سیاه برگرداندند، که آن وقت مواد مغذی و چیزهایی با ماهیت ارگانیک را دربردارد، و انسان آن را برای بارآوری محصولات استفاده می‌کند. چیزهای بالاتر از بشر مواد مغذی برای گیاهان را فراهم نمی‌کنند.

در واقع، بسیاری از انواع سنگ‌ها مثل خاک هستند. به‌طور کلی صحبت کنیم، اگر آن در دوره تشکیل زمین بسیار فشرده شده باشد، سنگ است، و خاک است اگر فشرده نشده نباشد. ولی کاملاً به این شکل نیست. خاک سرخ و سنگ سرخ در حقیقت خون موجودات بسیار عظیم‌الجثه و بزرگ هستند. بسیاری از افراد حاضر در این‌جا در حوزه فیزیک و شیمی کار می‌کنند. اگر مرا باور نمی‌کنید، می‌توانید آن را آزمایش و بررسی کنید. عناصری که آن را تشکیل می‌دهند تضمین می‌شود مثل عناصر تشکیل دهنده خون باشند، به‌جز آن که خونی است که برای مدتی طولانی منعقد شده است. خاک سرخ دارای مقدار زیادی از آهن است، و خون انسان هم همین‌طور است. بنابراین ما یلیم به شما بگویم که در جهان، خون سرخ معمولاً خون موجودات درست‌کار است. خون موجودات اهریمنی سفید است، بنابراین سنگ آهک معمولاً خون اهریمن‌ها است. البته آن ماده‌ای مرده و جامد است، هیچ تأثیری در این بُعد ندارد. بعد از آن که متلاشی و معدوم شود، به سنگ‌ها، شن، خاک و مثل آن تبدیل می‌شود، بنابراین آن‌ها سرشت اهریمنی را حفظ نمی‌کنند. این دلیل آن است که چرا مهم نیست اگر مردم آن را برای رنگ کردن دیوارها یا درست کردن رنگ استفاده کنند.

دانشمندان هم‌اکنون می‌دانند که زغال سنگ از مقدار بسیار عظیمی از گیاهان به‌وجود آمده است. این آن چیزی است که علم قادر است بداند. ولی چگونه می‌تواند آن همه گیاه موجود باشد که به یک چنین مقدار عظیمی از زغال سنگ تبدیل شود؟ این چیزی است که آن‌ها نمی‌دانند. اکنون دانشمندان می‌دانند که نفت خام از بقایای بدن‌های موجودات زنده شکل گرفته است - این را آن‌ها می‌دانند. اما چطور می‌تواند این همه بقایای موجودات وجود داشته باشد که به این همه نفت تبدیل شود؟ این را آن‌ها نمی‌دانند، و هرچه قدر هم سخت تلاش کنند نمی‌توانند به آن پی ببرند. بنابراین بعضی افراد هستند که می‌خواهند این تئوری را با زیر سؤال بردن این که چطور می‌توانسته این همه بقایای حیوانات وجود داشته باشد و چطور می‌توانسته این همه موجودات زنده وجود داشته باشد، رد کنند. هرچه باشد این همه نفت وجود دارد. در حقیقت در جهان عظیم و در طی تاریخ طولانی‌اش، حیات پی در پی در حال باز پیدایی است. و زمانی که این زمین ساخته شد، این‌گونه چیزها از جهان به‌عمد در زمین جدید ساخته شد - که بعداً به‌عنوان انرژی به‌کار برده شود. این دلیل آن است که چرا مقدار بسیار زیادی از آن می‌تواند وجود داشته باشد. آن به موجودات زنده فقط یک دوره تعلق ندارد. حتی موجودات روی زمین از دوره‌ای به دوره‌ای دیگر می‌روند و هم‌دوره نیستند. پژوهش‌های علمی معاصر نمی‌تواند از تاریخ شناخته شده در حال حاضر فراتر رود، و بسیاری از ادراکاتی که علم درباره تاریخ مدرن دارد اشتباه هستند. آن معتقد است که حتی اگر بشر از عصر حجر تا به امروز هر حیوانی را کشته بود نمی‌توانست این همه نفت وجود داشته باشد! از این بیشتر، مقدار بسیاری زغال سنگ وجود دارد و گیاهان بسیار زیادی وجود دارند. آن‌ها از یک دوره نیستند، آن‌ها از موجودات یک دوره نیستند. البته، چیزهای بسیار دیگری وجود دارند، بسیار زیادتر از آن که نام برده شوند.

چیزهایی مثل الماس، طلا، نقره و غیره هم وجود دارند. بعضی عناصر فلزی عواملی هستند که برای شکل‌گیری جهان در سطوح مختلف لازم هستند. آن‌ها از عناصری که برای شکل‌گیری زمین نام بردم متفاوت هستند، ولی طلا و نقره عناصر فلزی از این جهان نیستند. اما راجع به طلا، می‌دانید که بدن بودا از طلا ساخته شده است؛ بدن تمام خدایانی که به قلمروی تاتاگاتا رسیده‌اند طلا است. به بیانی دیگر طلا بقایای بدن‌های موجودات درست‌کار عظیم است. زمانی که جهانی وسیع و پهناور تجزیه می‌شود، همه چیز بلافاصله خرد می‌شود. درباره این که چطور طلای سطوح مختلف و طلای با اندازه اجزاء مختلف وجود دارد نیز صحبت کرده‌ام - قبلاً درباره این موضوع صحبت کرده‌ام. اما راجع به نقره، آن بقایای بدن موجوداتی است که از سطح تاتاگاتا پایین‌تر هستند، موجودات در سطح بودی‌سات‌وا.

بسیاری از افراد می‌دانند که الماس قدرت معینی دارد، و آن چیزهای شیطانی از الماس می‌ترسند. یعنی، موجودات منفی دارای انرژی کم، از الماس می‌ترسند زیرا انرژی آن‌ها را جذب می‌کند. این دلیل آن است که چرا بعضی افراد می‌گویند که الماس‌ها می‌توانند ارواح پلید را دور کنند. لزوماً این‌طور نیست که الماس‌ها ارواح پلید را دور می‌کنند، اما الماس از انرژی ازهم

پاشیده شده و منفجر شده است، چیزی شبیه گونگ. البته، مرده و بی حرکت است و هیچ تأثیری ندارد. ولی هر چه باشد چیزی با آن ماهیت است، و بنابراین قدرت دارد.

حالا درباره آن چه که هم اکنون گفتم وابستگی‌هایی را رشد ندهید و بعد از آن که به خانه برگشتید بروید الماس بخرید. آن چه که می‌گویم فا است. از این بُعد، هیچ چیزی نمی‌تواند به همراه برده شود، و همچنین آن‌ها به هیچ درد تزکیه‌کننده نمی‌خورند. چرا آن‌ها توسط انفجارات از بین برده شدند؟ همان‌طور که قبلاً گفتم، اگر چه طلا بود، دیگر طلای خالص نبود، بنابراین در انفجار از بین برده شد، چرا گونگ منفجر شد؟ آن دیگر پاک و خالص نبود. در ظاهر بسیار خالص به نظر می‌رسید. ولی اگر از جهان میکروسکوپی یا فوق‌العاده میکروسکوپی مشاهده می‌شد، دیگر خالص نمی‌بود. امروز بیشتر صحبت نخواهم کرد. بیایید به سخنان شاگردان گوش دهیم.

فردا می‌توانید برگه‌های سؤالات را بدهید و من به سؤالات شما پاسخ خواهم داد. ولی شاگردان جدید، بهتر است که شما آن‌ها را ارائه ندهید، زیرا وقت باارزش است و اگر هر کدام از شما سؤالی را ارائه دهد قادر به پاسخ‌گویی نخواهم بود. بسیاری در جمع شنوندگان افرادی هستند که قبلاً در تزکیه به سطوح معینی وارد شده‌اند، بنابراین سؤالاتی که آن‌ها مطرح می‌کنند برای پیشرفت در تزکیه‌شان اساسی است، و این هدف کنفرانس ما است. با نوع سؤالاتی که شاگردان جدید مطرح می‌کنند، شما لازم نیست که آن‌ها را از من بپرسید - می‌توانید جواب‌ها را از شاگردان قدیمی یا از شخص بغل‌دستی بگیرید. بنابراین بگذارید زمان گرفته نشود. این یک مورد. مورد دیگر این است که، سعی کنید سؤالاتی را که مربوط به تزکیه نیستند یا سؤالاتی که به دنبال کسب دانش و شبیه آن هستند را مطرح نکنید. آن چه را که به شما توضیح دادم به اشتباهی درک نکنید: آن گفته نشد [برای آن که] قصد غنی کردن دانش را برای شما داشته باشد، بلکه به خاطر این که به تزکیه شما مرتبط می‌شود گفته شد. بسیار خوب، همه آن چه که می‌خواستم بگویم این است. (تشویق) بیایید ساکت بنشینیم و به سخنان شاگردان گوش دهیم. من هم نمی‌روم و گوش خواهم کرد. ولی سعی نکنید مرا پیدا کنید - قادر نخواهید بود. (تشویق)

پرسش: استاد گفتند اگر یک تزکیه‌کننده هنوز در اعماق درون سخت به بنیادی‌ترین علائق خود چسبیده باشد، تزکیه‌اش واقعی نیست.

**معلم:** بگذارید به شما بگویم که تزکیه دقیقاً درباره تزکیه ذهن فرد است - آن تزکیه واقعی است. برای مثال، امروزه قوانین وجود دارند، و برخی الزامات و محدودیت‌ها به مردم تحمیل می‌شود، اما هیچ یک از آنان نمی‌تواند مردم را تغییر دهد. اجازه بدهید بگویم آنها می‌توانند در سطح و ظاهر شما را تغییر داده و منع کنند، و در ظاهر شما اشتباه نمی‌کنید و کارها را کمی بهتر انجام می‌دهید. اما حقیقت این است که، وقتی دیده نمی‌شوید یا وقتی علائق تان در خطر است، همان‌طور کارهای بد انجام می‌دهید، زیرا درون شما تغییری نکرده است. به بیانی دیگر، تزکیه باید به طوری واقعی یک فرد را از درون تغییر دهد. اگر می‌خواهید به قلمروهای بالا برسید، اگر می‌خواهید به قلمروی یک خدا برسید، باید به قلمروی ذهنی یک خدا برسید. اگر فقط ظاهر تان تغییر کند در حالی که سرشت تان همان‌طور باقی می‌ماند، آن واقعی نیست. در یک زمان مشخص یا در یک لحظه حیاتی، [آن وابستگی] هنوز آشکار می‌شود. پس اگر ذهن یک فرد تغییر نکند، آن صرفاً پوشاندن چیزها با ظاهری ساختگی است. تغییرات باید از سرشت شما شروع شود. فقط آن به عنوان تغییر واقعی خودتان محسوب می‌شود. به عبارت دیگر، باید در تزکیه در قبال خود مسئول باشید، و باید به طور واقعی خودتان را تغییر داده و آن چیزهای بد که در اعماق درون به آنها چسبیده‌اید را رها کنید - فقط این رها کردن واقعی است. اگر این‌طور به نظر برسد که هر چیزی را درست در ظاهر انجام می‌دهید اما در اعماق درون تان هنوز از آن چیزهایی که نمی‌خواهید رها کنید، محافظت کرده و آنها را نگه داشته‌اید، آن قطعاً قابل قبول نیست. همان‌طور که می‌دانید، یک بودا یا خدا می‌تواند برای موجودات زنده و برای مصلحت جهان از زندگی خود دست بکشد؛ آنها می‌توانند از هر چیزی دست بکشند، و حتی در مورد آن تکان نخورده باقی بمانند. پس اگر شما تا مقام آنها بالا برده می‌شدید، آیا می‌توانستید آن‌طور باشید؟ نمی‌توانستید. البته می‌گویم که بوداها و دائوها واقعاً با چیزهایی که به آن شکل مواجه نمی‌شوند، اما آن قلمروی ذهن آنهاست. یک شخص باید پیش از اینکه به آن قلمرو برسد حقیقتاً خود را تغییر دهد.

در گذشته بسیاری از مردم در مذاهب گفتند تا جایی که ایمان مذهبی داشته باشید می‌توانید به بهشت بروید، به یک پادشاهی آسمانی بروید، و تا زمانی که ایمان دارید، می‌توانید یک بودا شوید. می‌گویم که آن فریب دادن مردم است. یک بودا شدن چه معنایی دارد؟ رفتن به یک پادشاهی آسمانی چه معنایی دارد؟ الزامات مختلفی برای موجودات در سطوح مختلف وجود دارد. آن درست مانند مدرسه رفتن است: وقتی کلاس اول هستید، باید به سطح کلاس اول برسید؛ وقتی به دبیرستان می‌روید، باید به سطح دبیرستان برسید. اگر به استفاده از کتاب‌های درسی مدرسه ابتدایی ادامه دهید و درحالی که در سطح کلاس اول مانده‌اید به دانشگاه بروید، هنوز یک شاگرد مدرسه ابتدایی هستید، و بنابراین نمی‌توانید به دانشگاه بروید. ایده این است. این صحبت درباره آن از سطحی ظاهری است. آنچه آموزش می‌دهیم این است که شما پیش از اینکه بتوانید به یک پادشاهی آسمانی بروید و به کمال دست یابید باید به‌طور واقعی در اعماق درون خود به استاندارد برسید. برخی افراد به آنچه که در مذاهب آموزش می‌دهند اعتقاد دارند و وقتی عبادت می‌کنند بسیار پارسا هستند، می‌گویند: «من کار اشتباهی انجام دادم...» با این حال به محض اینکه پا از در بیرون می‌گذارند همان اشتباه را مرتکب می‌شوند، در این صورت عبادت‌های آنها بی‌فایده است، چرا که قلب آنها به‌واقع تغییر نکرده است. فکر می‌کنند: «تا جایی که باور دارم و عبادت می‌کنم، می‌توانم به بهشت بروم.» اگر همیشه عبادت کنید و در همان سطح بمانید، هرگز به بهشت نخواهید رفت. آنچه مسیح گفت: «اگر به من ایمان داشته باشید، می‌توانید به بهشت بروید.» این معنا را نمی‌دهد که اگر او را عبادت کنید و به او باور داشته باشید - فقط یک تشریفات را دنبال کنید - می‌توانید به آسمان صعود کنید. این طور مؤثر نیست. فقط بعد از هر بار عبادت، وقتی انجام آن اشتباهات را متوقف کردید، و بهتر و بهتر انجام دادید، و به الزامات بهشت مسیح نزدیکتر و نزدیکتر شدید، می‌توانید به استاندارد آن پادشاهی آسمانی برسید. آن ایمان واقعی است. اگر موضوع این نبود، چرا مسیح به خودش زحمت داد که آنقدر موعظه کند؟ آیا مقصود او این نبود که از شما بخواهد بر طبق آنچه گفت عمل کنید و خودتان را بهتر اداره کنید؟ منظورم این است. در مذاهب امروزه، از جمله بودیسم، مردم ذهن‌شان را تزکیه نمی‌کنند و تا حد تشریفات نزول کرده‌اند، آن جعلی است. این تمام چیزی است که در این مورد می‌گویم.

پرسش: بعد از آنکه روح اصلی فرد بدن را ترک می‌کند و برنمی‌گردد، قبل از اینکه این موضوع باعث شود بدن بشری بمیرد چه مدت طول می‌کشد؟

**معلم:** چه مدت قبل از اینکه روح اصلی فرد بدن را ترک می‌کند و برنمی‌گردد - چهارچوب زمانی تعیین شده‌ای وجود ندارد. بگذارید آن را به این طریق مطرح کنیم. ممکن است در ذهن‌تان فکر کنید: «واقعاً نمی‌خواهم برگردم،» و آنوقت به محض اینکه آن فکر سربرآورد، بدن جسمانی شما ممکن است بمیرد، زیرا نمی‌خواهید برگردید. ولی چیزهایی مثل این در دافا وجود ندارند، مگر آن کسانی که درحالی که دافا را تزکیه می‌کنند چیزهایی دیگر را تمرین می‌کنند و در ثابت قدم بودن شکست می‌خورند و نمی‌توانند بطور حقیقی به «تزکیه کردن فقط در یک راه» عمل کنند. در این حالت افراد گرفتار این نوع خطر می‌شوند. در مورد افرادی که خود را بطور حقیقی تزکیه نمی‌کنند و کسانی که همزمان در دو قایق می‌ایستند، در این مورد سخت است که گفته شود با چه مشکلاتی مواجه خواهند شد.

پرسش: اولین بار که درباره بودا شکامونی در «سخنرانی نیویورک» خواندم، نمی‌توانستم از ریختن اشک‌هایم جلوگیری کنم و بی‌صدا از استاد کمک خواستم. خودم هم نمی‌فهمم چرا آن اتفاق افتاد.

**معلم:** این بواسطه رابطه تقدیری است. مایلم درباره موضوعی صحبت کنم. به خاطر خواندن دافا، بسیاری افراد در سطحی عمیق درک کرده‌اند که هیچکدام از مذاهب دنیا نمی‌توانند اکنون مردم را نجات دهند. یک دلیل این است که استانداردها، دیگر خوب نیستند و دلیل دیگر این است که خدایان، دیگر از بشر مواظبت نمی‌کنند. دلایل مختلفی وجود دارد که چرا خدایان از انسان مراقبت نمی‌کنند. یک دلیل این است که طرز فکر امروزی بشر که طرز فکر انسانهای منحرف است، توسط موجودات فضایی فراهم شده و در تاریخ، این نوع از انسان هرگز وجود نداشته است - مثل انسان امروزه. تاریخ، خودش را تکرار می‌کند و



انسانهای دوره‌های زمانی مختلف بدفعات متعدد وجود داشته‌اند. ولی انسانها در هر دوره هرگز شبیه انسانهای امروزه نبوده‌اند. مسیح، بودا و خدایان گفتند که وقتی بشر با بدبختی و بلا روبرو می‌شود آنها می‌آیند و بشر را می‌پذیرند و اینکه آنها برای نجات مردم بازخواهند گشت. ولی وقتی مردم دیگر بشر نیستند، آن‌طور که آنها آن را می‌بینند، آنها دیگر برای نجات آنان نخواهند آمد. آنهایی را که می‌پذیرند کسانی هستند که هنوز به‌عنوان انسان شناخته می‌شوند. البته، این بحثی کلی درباره آن است؛ هنوز جنبه‌های بسیار زیادی وجود دارند که چرا از شکل افتادگی و انحراف بشر پدیدار شده است. به همین دلیل است که خدایان، مردم را انسان به حساب نمی‌آورند. این خطرناکترین است.

بگذارید درباره آن افراد مذهبی که سیاستمدار هستند یا برای [به دست آوردن] پول نقشه می‌کشند، نظری ندهیم. من درباره کسانی در مذهب که هنوز قلبی برای تزکیه دارند صحبت می‌کنم؛ بعضی افراد هستند که علاقهای بسیار درباره امور تزکیه دارند. آنها درباره دافای ما می‌دانند، یا تحت شرایط معینی خدایان دیگری دارند که به آنها هشدار می‌دهند و به آنها می‌گویند که فالون دافا می‌تواند آنها را نجات دهد و می‌گذارد آنها برگردند. بسیاری افراد این نوع پیام را دریافت کرده‌اند و موقعیت را فهمیده‌اند، و بنابراین همه آنها برای یادگیری دافا آمده‌اند. ولی لجوجانه به آن چیزهای مادرزادی که از ابتدا داشته‌اند چسبیده‌اند. هدفشان حفظ و نگهداری چیزی است که در ابتدا داشته‌اند و دافای ما را برای بازگشت بکار می‌برند. می‌گویم که این مطلقاً غیرممکن است، و آنها فقط خودشان را گول می‌زنند. اگر آنچه را که از ابتدا داشته‌اید رها نکنید به هیچ‌وجه نجات داده نخواهید شد، و شما می‌توانید فقط خودتان را گول بزنید.

شما می‌دانید که زمان در بعد بشری وقتی که از بعدها دیگر نگریسته شود بسیار آهسته است - یعنی، وقتی از میان زمان معینی دیده شود. روند فکر کردن در مغزتان درباره هر چیزی وقتی از بعدها دیگر نگریسته شود یک روند بسیار آهسته است. به هر آنچه که بخواهید فکر کنید حتی قبل از آنکه شروع به فکر کردن کنید آشکار شده است. هر آنچه را که بخواهید انجام دهید می‌تواند بسیار واضح دیده شود. مردم باور دارند دیگران نمی‌دانند که آنها در ذهنشان در حال فکر کردن به چیزی هستند. این شاید افراد عادی را گول بزند، ولی نه خدایان را. پس آن، این معنی را می‌دهد که اگر شما افکار پاک و خالص ندارید که در قبال خودتان مسئول باشید وقتی با موضوعی به این اندازه جدی روبرو شده‌اید [موضوع تزکیه و نجات]، شما نجات داده نخواهید شد و قادر به برگشت نخواهید بود. در دافای من بسیاری افراد هستند که مریدان شاکيامونی بودند، و کسانی وجود دارند که مریدان بوداها و مذاهب دیگر بودند. موضوع دیگر این است، آنهایی از شما که در جمع شنوندگان نشست‌اید، حتی اگرچه بنظر می‌رسد غربی، آسیایی یا از قومیت دیگری باشید، لزوماً متعلق به آن قومیت نیستید. به بیانی دیگر، اینکه از کدام بهشت آسمانی آمدید گفتنش سخت است. وقتی به‌عنوان یک نژاد مشخص بازپیدا می‌شوید، آن نژاد ممکن است به شکل تصویر اولیه‌تان نباشد؛ از ظاهر نمی‌تواند قضاوت شود. بیشتر اینکه، یک فرد ممکن است در طی دوره بازپیدایی‌هایش به تمامی نژادها حیات دوباره پیدا کرده باشد. با وجود این، من می‌توانم بگذارم شما با موفقیت به مکان اصلی برگردید به آنجایی که واقعاً متعلق هستید.

در حال نجات همه شما به بهشت فالون نیستم. دلیل این است که من قانون جهان را بر اساس فای بودا آموزش می‌دهم و چنین قانون وسیع و پهناوری را مطرح کرده‌ام. شکل تزکیه یا هر روش تزکیه یا تمرینی در جهان که بر زمین به جای مانده است توسط خدایان در سطوح مختلف آسمانها منتقل شده بود (من به روش‌های حقیقی تزکیه بجای گذاشته شده برای انسانها توسط خدایان اشاره می‌کنم). آن خدایانی که نجات در سطوح مختلف را تقدیم می‌کنند نیز موجودات سطوح مختلف در جهان هستند و آن‌طور که من می‌بینم، موجودات ذی‌شعور جهان در سطوح مختلف هستند. این دافای جهان برای موجودات ذی‌شعور در سطوح مختلف، محیط‌های زیستی و استانداردهای هستی را برای قلمروهای آنها آفریده است. این یک چنین فای عظیمی است - تمامی موجودات را شامل می‌شود. به همین دلیل است که من می‌توانم مشکلات شما را حل کنم و شما را نجات دهم آن‌طور که بتوانید با بکارگرفتن این دافا برگردید. فرق نمی‌کند [در اصل] به کدام مدرسه تعلق داشته‌اید آن می‌تواند انجام داده شود. هیچ مذهب، روش تزکیه یا شکل‌های تزکیه در تاریخ نمی‌توانستند این کار را انجام دهند. زیرا آنها فقط آنچه که در روش‌های مدرسه خود داشتند را تزکیه کردند، و نمی‌توانستند چیزهای روش‌های دیگر را وارد کنند، چون آن لایه‌ای از چیزهایی بود که

آنها از فای بزرگ کیهان تصدیق کرده و به روشن بینی رسیده بودند. ولی آنچه من امروز در حال اشاعه هشتم قانون بزرگ جهان است، که از روش های تزکیه قبلی که توسط انسان ها شناخته شده بود، متفاوت است. به هر حال، اگر به دافا بی اعتنا هستید و هنوز سفت و سخت به چیزی ادامه می دهید، آنوقت موضوعی جدی است.

پرسش: آیا سطوح جهان و سطوح تزکیه یکی هستند؟

**معلم:** همین حالا توضیح دادم که دافا محیط زندگی متفاوتی را برای موجودات در سطوح مختلف در جهان آفریده است. به بیانی دیگر، دافا الزامات و استانداردهای متفاوتی را برای آنها در محیط های زندگی متفاوت دارد. بنابراین در تزکیه، اگر می خواهید به سطوح متفاوتی برسید، باید ملزومات دافا در سطوح مختلف را برآورده سازید. در آن صورت، پیشرفت در تزکیه، صعود به قلمروها، و تعالی مداوم، موضوعاتی از نفوذ در سطوح هستند، که همچنین نفوذ در سطوح جهان هستند. شما امروز در تزکیه تان به استانداردهای اولین لایه آسمان ها می رسید، و چند روز بعد به استانداردهای دومین لایه از آسمانها می رسید- نفوذ به سطوح در آسمانها، نفوذ به سطوح در تزکیه به این معناست. وقتی که بیشتر به تزکیه تان ادامه می دهید، به قلمروهای سه گانه نفوذ می کنید و فراتر از قلمروهای سه گانه می روید، دیگر محکوم به بازپیدایی نخواهید بود. وقتی که در تزکیه بیشتر پیش می روید، از مرزهای بدن های کیهانی حتی بزرگتری عبور می کنید. هر چه به سوی بالاتر حرکت کنید، برای سطوح تزکیه استانداردها بالاتر هستند و شاید حالتها و وضعیت های بیشتری متجلی شوند.

پرسش: هر چیزی مربوط به گذشته، دیگر وجود ندارد. آیا این در خاطرات موجودات ذی شعور هنوز وجود خواهد داشت، یا هم/کنون عمیقاً درس مهمی را به جای گذاشته است؟

**معلم:** سؤالی که مطرح کرده اید بسیاری چیزها را دربرمی گیرد. بعضی چیزها شناخته خواهند شد، بعضی ها نه. چرا دافای جهان را اشاعه می دهم؟ زیرا تمام موجودات در سطوح مختلف جهان از دافا منحرف شده اند که اصلاح فا باید انجام داده شود. بنابراین جهان به بهترین حالت خود باز خواهد گشت. شما می دانید که بسیاری از پیامبران پیش بینی کردند که فجایع و بلایای عظیمی در سال معینی وجود خواهد داشت. مردم فقط می دانستند فجایع خواهد بود. چرا آنها اتفاق می افتند؟ زیرا انسان به این حد فاسد شده است. همان طور که می دانید، در جامعه باندهای جنایی، همجنس بازی، مصرف مواد مخدر، آزادی جنسی و بی بندوباری جنسی وجود دارد. همه چیز درهم و برهم است. کسانی که در این چیزها درگیر هستند آن طور رفتار نمی کنند که یک انسان باید رفتار کند، در حالیکه افرادی که درگیر نیستند نیز این چنین آلوده شده اند که بی تفاوت و بی عاطفه هستند، بطوری که آنها نیز مثل انسان رفتار نمی کنند. همه در این خُم رنگرزی غوطه وورند، و ناخودآگاه عقایدتان آن را همراهی می کند و تمام این چیزها را می پذیرید، بیشتر و بیشتر از آنچه که یک انسان است دور می شوید. واقعاً روبرو زوال رفتن انسان اتفاقی نیست. چرا خدایان درباره آن کاری نمی کنند؟ چرا اجازه دادند تا چیزها به این حد فاسد شوند؟ آن مربوط به این می شود که موجودات در سطوح مختلف همگی از فای اصلی جهان منحرف شده اند. اگر یک سطح منحرف شود، سطوح دیگر می توانند انحراف آن را ببینند؛ اگر یک موجود بد شود، می تواند به پایین انداخته شود یا سقوط کند. ولی اگر کل جهان طی دوره زمانی طولانی منحرف شده باشد، پس موجودات درون آن متوجه فاسد شدن آن نمی شوند. آن درست مانند این است که بشر از فساد انسانهای امروزی تا به این حد، بی خبر است. تنها افرادی که در دافا تزکیه می کنند با نگاه به عقب از سطوح معینی خواهند دانست که آن واقعاً بسیار وحشتناک است. بشر به این مرحله رسیده است.

برای جلوگیری از وقوع فاجعه در جهان، هر چیزی باید به اصل و بهترین حالت خودش برگردانده شود؛ به کلامی دیگر، برای جلوگیری از برخورد فاجعه بر انسان است. تغییرات هم اکنون در حال رخ دادن هستند. بسیاری از مردم در دنیای بشری خوب شده اند. صد میلیون نفر وجود دارند که دافا را تزکیه می کنند، و هر کدام به روشی خود را اداره می کند که از خودش می خواهد فرد خوبی باشد، فردی بهتر. پس همان طور که افراد بیشتر و بیشتری در دنیا این گونه رفتار می کنند- چون مردم نیکی را آرزو می کنند و اخلاقیات در حال پدیدار شدن است- پس آیا آن بلایا رخ خواهند داد؟ مسلماً نه! هیچ پدیده ای صرفاً «طبیعی» نیست،

زیرا هر چیزی نظم و ترتیب خود را دارد. آنچه «اتفاقی» نامیده می‌شود، وجود ندارد. فقط این‌طور است که انسانها به خدایان باور ندارند. آنها آنچه را که نمی‌دانند «پدیده‌های طبیعی» می‌نامند و هرچه را نمی‌توانند توضیح دهند به‌عنوان «طبیعی» بودن توجیه می‌کنند. به هر جهت اصلاً هیچ اتفاق طبیعی وجود ندارد- خدایان مسئول تک‌تک سطوح هستند. اما وقتی استاندارد برای موجودات زنده در هر سطح منحرف شده باشد، درست مثل شخصی است که در حال تیراندازی است: اگر یک ذره از هدف خارج شود اینکه گلوله کجا خورده است مشکل فهمیده می‌شود. یعنی وقتی که بالا کمی منحرف می‌شود، وقتی به سطوح پایین‌تر می‌رسد فابطور بسیار بدی منحرف خواهد شد. وقتی در سطح بشری ظاهر می‌شود، این درجه انحراف در انسان امروزی را پیدا می‌کند. بنابراین لازم می‌شود به حالت اولیه خود برگردانده شود.

وقتی این تعهد انجام داده می‌شود، بعضی از افراد ممکن است از سطوح مختلف بیایند، وقتی برمی‌گردند، می‌فهمند که محیط مکان زندگی اصلی‌شان آنطوری نیست که قبلاً بود. شما خواهید فهمید که تقریباً مثل شکل اولیه است و اینکه هنوز دنیای اولیه است، اما چنان عالی شده است که حتی از زمانی که متولد شدید عالی‌تر است. بسیاری از موجودات زمانی متولد شدند که موجودات ذی‌شعور در گذر طولانی زمان از فامنحرف شده بودند، بنابراین آنها نمی‌دانند که جهان در آغاز به چه شکل بود.

در مورد به‌جای گذاشتن «درس عبرت‌هایی عمیق»، برای موجودات روشن‌بین که به کمال رسیده‌اند درسهایی عبرتی وجود ندارد. زمانی که شما به قلمروهای بالاتر تزکیه کرده‌اید همه چیز عالی خواهد بود. و خواهید دانست که پیش از آن در جهان چه اتفاقی افتاده بود، فقط همین. در آینده چه اتفاقی برای انسان‌ها خواهد افتاد؟ بسیاری از افراد در حال تزکیه کردن هستند، و هدف از تزکیه رسیدن به کمال است. فرض کنید بسیاری از مریدان ما تزکیه خود را کامل کنند. آنهایی که باقی می‌مانند افراد بد هستند و کسانی هستند که فا را کسب نکرده بودند. پس وقتی آنها به بد و بدتر شدن ادامه می‌دهند چه کاری باید انجام داده شود؟ مسلماً به آنها اجازه داده نمی‌شود که همین‌طور بیشتر بد شوند! کاملاً ممنوع است که یک تکه تعفن در جایی از جهان وجود داشته باشد که موجودات ذی‌شعور و موجودات سطح بالا مجبور به استنشاق آن باشند، پس باید به آن رسیدگی شود. البته من، درباره‌ی بلایا صحبت نمی‌کنم. فجایی که مردم از آن صحبت کرده‌اند دیگر وجود ندارد. می‌توانم این را به شما بگویم: این نوع فجایع در چنین و چنان سال که مردم درباره‌ی آن گفته‌اند دیگر وجود ندارد. بسیاری از پیامبران می‌دانستند که اگر چیزی معین در سالی معین رخ دهد، دیگر پیشگویی‌های آنها معتبر نخواهد بود. دلیل آن این است که دافا امروز در حال منتشر شدن است و قلب بسیاری از افراد میل به خوبی دارد. اگر قرار بود آن مشکل رخ دهد، چه بر سر این افراد خوب می‌آمد؟ موضوع این است. ولی آن افرادی که باقی می‌مانند و به عصر بعدی وارد می‌شوند عمیقاً درس‌هایی ژرف را که در آخرین لحظه آموختند را به یاد خواهند آورد.

*پرسش: بسیاری از ما در حوزه‌های علمی هستیم. این موقعیت را چگونه باید بنگریم؟*

**معلم:** بسیاری از افراد که در حال یادگیری دافا هستند دانشمندانی برجسته هستند؛ به کلامی دیگر، بسیاری افراد با علم بزرگ شده بودند. این روزها، در اصل، همین که به مدرسه رفته باشید- که شامل همه است- شخصی هستید که در علم تربیت شده‌اید. این علم در همه لایه‌های جامعه بشری نفوذ کرده است، بنابراین هر آنچه شما استفاده می‌کنید، با هر چه که در تماس قرار می‌گیرید و هر آنچه که می‌بینید از این علم زاده شده است. از این‌رو نمی‌توانید از آن جدا شوید، و بنابراین موضوعی که الان مطرح کردید وجود ندارد. از آنجا که جامعه بشری به این شکل درآمده است، کافی است که پیش بروید و کارتان را خوب انجام دهید. درخصوص تزکیه، آن موضوع از کار متفاوت است. ولی قلمرویی که در تزکیه به آن می‌رسید و مقام تزکیه شما در کارتان منعکس خواهد شد؛ هر کجا که باشید بسیار خوب عمل خواهید کرد و همیشه فرد خوبی خواهید بود. بسیاری از اشخاص هستند که در زمینه‌های علمی کار می‌کنند. بعد از یاد گرفتن دافا، آنها دریافته‌اند که این تنها حقیقت واقعی است و بیشتر اینکه، علم درحال حاضر بشر به هیچ وجه با دافا نمی‌تواند مقایسه شود. مریدان دافای حاضر در سالن وضعیت و حقیقت جهان که شما می‌شناسید از دانش امروزی بشر بسیار فراتر رفته است؛ حتی پیشرفته‌ترین بخش آن هم از شما عقب افتاده است. افراد عادی برای همیشه از دانستن چیزهای بالاتر از انسان‌ها منع شده‌اند؛ آنها هرگز نمی‌توانند آن وضعیت جهان که برای شما آشکار کردم

را کشف کنند. فرق نمی‌کند که کدام تخصص را دارا هستید، همه شما می‌توانید در دافا تزکیه کنید. همان‌طور که درک شما از فابتدریج عمیقتر و عمیقتر می‌شود تفکر تان به‌طور طبیعی تغییر می‌کند، زیرا یک شخص وقتی حقیقت جلوی روی او است آن را باور می‌کند. اما یک چیز است که باید به‌طور واضح توضیح داده شود: هیچ‌کسی مجاز نیست در حالیکه به وابستگی‌ها و امیال مردم عادی چسبیده است به کمال برسد، و این وابستگی به علم را شامل می‌شود. برای شما مجاز است که با انواع وابستگی‌های بشری تزکیه را شروع کنید، ولی آنها در طول تزکیه باید از بین برده شوند.

**پرسش:** آیا شخصیت یک فرد عادی فقط یک تجلی از این زندگی است؟ چه مقدار از آن به قلمروی حیات او که توسط فابوجود آمده، مربوط می‌شود؟

**معلم:** اگر حیات فرد از یک سطح بالا آمد، آنوقت او صفتهای ویژه قوی خود را از آن سطح بالا با خود حمل می‌کند. تشخیص آن برای افراد عادی مشکل است. بیشتر آنچه انجام می‌دهید، چگونه رفتار می‌کنید، و چگونه عمل و حرکت می‌کنید، همگی کارهای افراد عادی و تجلیات این زندگی هستند - الگوی رفتاری شما، نگرش‌ها، و شیوه‌های تفکر تان از ادراک شما از زندگی، ماده و دنیای عینی در این زندگی، نشأت می‌گیرند. اما فقط وقتی در یک حالت ذهنی بسیار مهربان (شَن) باشید، آنچه از سرشت اصلی شما است می‌تواند اندکی پدیدار شود. زمانی که به شدت به چیزهای مردم عادی وابسته هستید، وقتی عصبانی می‌شوید و به چیزهای غلط فکر می‌کنید، آنگاه نمی‌تواند یک ذره هم پدیدار شود.

در مورد آن بخش که استاندارد تزکیه را برآورده می‌کند، قبل از آنکه به کمال دست یابید برای بیشتر آن بسیار مشکل است که در میان مردم عادی آشکار شود.

**پرسش:** بوداها نه تنها نیکخواهی بیکرانی دارند بلکه توانایی نجات مردم را هم دارند. آیا این توانایی در طی دوره تزکیه ظاهر می‌شود؟

**معلم:** وقتی فابا مطالعه می‌کنید، باید واقعاً این‌گونه وابستگی‌ها را رها کنید. یک خدا - تا زمانی که او حیاتی فراتر از دنیای بشری است، حتی اگر یک موجود سطح پایین در سه قلمرو باشد - قادر به کنترل کردن انسانهاست. تمام بوداها و بودیساتواهای فراتر از سه قلمرو قادر به نجات دادن مردم هستند. چون آنها خدا هستند، آنها چنین توانایی‌هایی را در اختیار دارند، درست مثل انسان‌ها که با رفتارهای معینی متولد شده‌اند. آنها خدایان هستند پس این توانایی را دارند. آن‌طور که شما فکر کرده‌اید نیست - که تجلیات معینی در دوره تزکیه وجود خواهد داشت. نمی‌توانید در ذهن تان در حال فکر کردن درباره این چیزها باشید، مثل «می‌خواهم بعد از کامل کردن تزکیه کسی را نجات دهم؛ می‌خواهم اعضای خانواده‌ام را نجات دهم، وابستگانم و دوستانم را نجات دهم و موجودات ذی‌شعور را نجات دهم.» می‌گویم این زیادی خیال‌پردازی کردن است. این یک وابستگی است و مانع بزرگی است و باعث شکست شما در تزکیه می‌شود. فقط زمانی که تمام عقاید و وابستگی‌ها را رها کنید در راه تزکیه تان قادر به پیشرفت خواهید شد.

بعضی از افراد مذهبی پیمان‌هایی بسته‌اند، می‌گویند «من بعد از موفق شدن در تزکیه برای نجات مردم برخوام گشت.» این در واقع وابستگی خودنمایی و رفتار بشری آنها است که از روان‌شناسی‌های پیچیده یافت‌شده در میان مردم عادی نتیجه می‌شود. آنها حالت وجودی یک بودا را به هیچ وجه نمی‌دانند. اگر این وابستگی را داشته باشید حتی در تزکیه موفق نمی‌شوید، چون به نجات مردم وابسته هستید. اینکه آیا یک بودا مردم را نجات دهد یا نه چیزی است که بطور طبیعی اتفاق می‌افتد. آیا می‌دانید چه تعداد بودا در طی قرن‌ها و هزار سال گذشته برای نجات مردم آمده‌اند؟ در غرب مسیح بود و در شرق شاکيامونی بود. چطور ممکن است که در چنین مدت طولانی فقط دو تا از آنها به اینجا پایین آمدند؟ علت این است که فرق نمی‌کند کدام خدا می‌خواهد برای نجات مردم به دنیای انسانی به پایین بیاید، قبل از آنکه بتواند بیاید باید اول از خدایان در آسمانها تأیید بگیرد. زیرا مشکلاتی که با آنها مواجه خواهد شد و برخورد خواهد کرد درجه معینی از جامعیت و عمومیت را دارد، و امور بوداها، خدایان و حتی دائوهای دیگر را درگیر خواهد کرد. بسیار پیچیده است و آن‌طور نیست که مردم آن را تصور می‌کنند. همین‌که شوق و

ذوق زیاد و وابستگی‌هایتان زبانه می‌کشد، خواهید گفت: «من هم می‌خواهم مردم را نجات دهم.» این وابستگی بشری شما است، یک وابستگی به خودنمایی، و وابستگی‌هایی که رها نکرده‌اید بر شما تأثیر می‌گذارد.

پرسش: احساس می‌کنم که اصول فا که از جوآن فالون به آن آگاهی یافته‌ام به آن اندازه‌ای که از سخنرانی‌ها آگاهی یافته‌ام نیستند.

**معلم:** جوآن فالون یک اثر نظام‌مند دافا است، اسرار آسمان که می‌تواند یک فرد را به کمال برساند. در ضمن، بجز در مورد سخنرانی‌ها در جینان، سخنرانی‌ها در دالیان، و ویدئوهای سخنرانی‌ها در گوانگ‌جو، که شبیه جوآن فالون هستند و به چاپ رسیده‌اند، سخنرانی‌ها در تمام مناطق دیگر فقط سخنرانی‌های ارائه شده مطابق با قلمروهای متفاوت و خاص، یا با در نظر گرفتن وضعیت‌های شاگردان در مناطق مختلف ارائه شده است. آنها جهانی نیستند. بعضی از افراد با حفظ وابستگی‌هایشان می‌خواهند به این چیز دست یابند یا به دنبال آن چیز هستند، مثل اینکه آن تنها راهی است که می‌توانند از اینکه چگونه تزکیه می‌کنند احساس خشنودی کنند. آنها وابستگی‌ها هستند. اگر شما خودتان را به طور استوار و محکم تزکیه نکنید، در واقع وقت‌تان را تلف می‌کنید. اگر به خاطر این انتشار دافا نبود که در تاریخ ترتیب داده شده، همگی درباره آن فکر کنید: آیا نظم و ترتیب دیگری برای توسعه انسان وجود می‌داشت؟ شما نباید اینقدر در برابر خودتان بی‌مسئولیت باشید، مثل اینکه بازی بچگانه بوده است. وقتی که فرصت از دست برود... اگر دافای من امروز نتواند شما را نجات دهد، هیچ فرد دیگری هرگز شما را دوباره نجات نمی‌دهد، و اینکه فرد دیگری هم قادر به این کار نخواهد بود.

شما هنوز متوجه نشده‌اید وقتی که در اوایل اشاعه دافا را شروع کردم بیشترین نگرانی من چه بود. بشر تئوری‌ها و تعالیم بسیاری دارد که مردم حتی به آنچه در مذاهب گفته شده باور ندارند. چه تعداد از افراد واقعاً به مسیح یا بودا ایمان دارند؟ آنچه بیشتر افراد مذهبی تأیید می‌کنند مذهب است، و آنها درباره تزکیه واقعی جدی نیستند. آیا آنها هنوز آن قلب وقف‌شده برای مسیح (یا بودا) را دارند؟ چه تعداد افراد می‌توانند خودشان را تزکیه کنند؟ شما باید کتاب را بخوانید! من از همان ابتدا این موضوع را پیشاپیش در نظر گرفته بودم. آنچه که با آن روبرو خواهم شد یک تعداد بسیار زیادی از افراد است، و در آینده برای من غیرممکن خواهد بود به تک تک شما رو در رو آموزش دهم، به شما بگویم چگونه تزکیه کنید و هر جنبه‌ای را پوشش دهم.

بنابراین، برای اینکه امکان تزکیه به شما بدهم، به کمال برسید و برای آنکه نسبت به شما مسئول باشم، برای همه جوآن فالون را به جای گذاشته‌ام. از طریق جوآن فالون می‌توانید به کمال برسید. من در این فا هرآنچه که قرار است شما به آن نائل شوید را گنجانده‌ام. به همین دلیل است که هنگام خواندن فا در بدن‌تان تغییراتی را حس خواهید کرد، اصول فا در سطوح مختلف را تجربه می‌کنید و به آن آگاه می‌شوید و در دافا بهبود می‌یابید. این دافا واقعاً بسیار گرانبها است. فرق نمی‌کند چه سخنرانی‌هایی باشد که شخصاً ارائه کردم یا توضیحاتی که شما آن را با جزئیات بیشتر در نظر می‌گیرید، چیزهایی که توضیح دادم همگی در جوآن فالون هستند. در ضمن، هر آنچه در جوآن فالون مطرح شده، در «لون‌یو»<sup>۱</sup> شامل شده است.

پرسش: آیا درست است که انجمن [دافا]، بعضی از مربیان را برای ترجمه کتاب‌های سخنرانی‌های معلم در خارج سازمان‌دهی کند؟

**معلم:** این عالی است. می‌توانید آن را انجام دهید. اما در مورد سازمان‌دهی تعدادی از شاگردان فقط می‌توان گفت که شما باید برای آن جدیت داشته باشید. هر کدام از شما که صلاحیت دارد می‌تواند آن را انجام دهد. اما باید آن را به افرادی که به صورت محلی با آنها در تماس هستید، به روشنی توضیح دهید و با آنها به خوبی گفتگو و مکاتبه کنید. این، تماس با شما و مراقبت و رسیدگی به کارتان را برای انجمن بدون زحمت می‌کند.

پرسش: کلمات استاد در مطالب چاپی معرفی دافا، نقل شده است ولی این مطالب چاپی ممکن است دور انداخته شوند. آیا این عمل درستی است؟

**معلم:** اگر چیزی مانند این در خارج از چین انجام شده است، فقط می‌توانم بگویم که در حال حاضر به شما اجازه داده می‌شود آن را انجام دهید و شما می‌توانید به این طریق عمل کنید. انجام آن در داخل چین اجازه داده نمی‌شود، چون تقریباً همه در آنجا درباره دافا می‌دانند و الان برای شما لازم نیست چنین کارهایی انجام دهید، و اینکه فردی بخواهد تزکیه کند یا نه به خودش مربوط است. ولی در مناطق زیادی خارج از چین، مردم هنوز کاملاً نمی‌دانند یا دافا را درک نمی‌کنند، پس به شما اجازه می‌دهم این کار را انجام دهید. درباره کلمات من که نقل شده‌اند، اگر هیچ عوامل و معانی باطنی پشت کلمات وجود نداشته باشد، آنها فقط جوهر سیاه روی کاغذ سفید هستند و هیچ تأثیری نمی‌گذارند. از این لحاظ خیال‌تان راحت باشد. ولی شما باید به ارزش دافا آگاه باشید، هر کلمه‌اش را ارزش بگذارید. باید بدانید وقتی به این امور می‌رسد باید جدی باشید.

پرسش: بعضی از شاگردان می‌خواهند ازدواج‌شان را به عنوان راهی برای اینکه مردم فا را یاد بگیرند، بکار ببرند. چگونه بدن‌های قانون استاد این را برنامه‌ریزی می‌کنند؟

**معلم:** درباره این موضوع، می‌خواهم این را به همه بگویم: زندگی شخصی خود را با تزکیه قاطی نکنید، و شغل‌تان را با تزکیه قاطی نکنید. تزکیه بسیار جدی است. دافا با بهت و جدی است. این طور نیست که ما مجبوریم از مردم خواهش کنیم فا را کسب کنند. اگر آنها نمی‌خواهند، پس باشد. قطعاً قصد این شاگرد خوب است، فکر می‌کند: «من ازدواجم را فدا می‌کنم تا اینکه تو بتوانی فا را کسب کنی.» می‌توانم ببینم که نیت عالی است. اما فکر می‌کنم لزوماً مجبور نیستید آن را این‌گونه اداره کنید. فا جدی است، و آنوقت فداکاری شما برای او این معنا را می‌دهد که او به خاطر در طلب چیزی بودن فا را کسب کرد؛ او دافا را یاد گرفت که فقط چیزی را بدست آورد، و آن برای او عمل نخواهد کرد، زیرا او از آغاز واجد شرایط نبود. این طور نیست که دافا باید توسط او کسب شود. بعضی افراد می‌گویند: «معلم، شما باید فای خود را این طور و آن طور آموزش دهید. چرا بوداها به این طریق و آن طریق مردم را نجات نمی‌دهند؟» آیا فکر می‌کنید بوداها کار بهتری ندارند که انجام دهند و متعهد شده‌اند شما را نجات دهند؟ بوداها به انسانها نیکخواه هستند، اما آنان خدایان عظیمی هستند! نیکخواهی آنها قطعاً از آن نوع نیکخواهی بشری که مردم تصور می‌کنند نیست، نیکخواهی که انسان از آن صحبت می‌کند و تصور می‌کند صرفاً محبت است. بوداها مطمئناً مهربان هستند. اما آن نیکخواهی تجلی‌ای از قدرت بزرگ فای بودا است. هر چقدر هم که یک فرد ممکن است بد باشد یا هر چقدر هم چیزی ممکن است شرور باشد، چیزهایی به محکمی آهن و فولاد در برابر قدرت عظیم و نیکخواهی فای بودا ذوب می‌شوند. به همین دلیل است که وقتی اهریمنان آن را می‌بینند، می‌ترسند - واقعاً می‌ترسند. آنها ذوب و ناپدید می‌شوند. این مسلماً از آنچه بشر تصور می‌کند متفاوت است.

پرسش: در ابتدا تجربه شکوه جن و شن آسان‌تر است. آیا در رن فقط درد و رنج وجود دارد؟

**معلم:** این درک، شیوه تفکر عادی بشری شما است. آن درست بصورت اصلی است که توضیح دادم: اگر به چیزی وابسته باشید و نتوانید به هدفی برسید، آنقدر عصبانی می‌شوید که نمی‌توانید آن را تحمل کنید ولی از ترس آبرو و نگرانی برای اعتبارتان، جرأت عصبانی شدن ندارید، آنگاه می‌گویم آن رن یک فرد عادی است و قطعاً رن یک تزکیه‌کننده نیست. شما آن را کاملاً به اشتباه درک کرده‌اید. رن ما به کلی وابستگی ندارد و به هیچ‌وجه خشمی تولید نمی‌کند. این نوع از رن است که شما باید بخواهید، و فقط این رن است که مطابق استاندارد است. قلب شما در برابر آن چیزها اصلاً تکان نمی‌خورد. به چشم دیگران شما در تحمل کردن خوب هستید، که درواقع این است که قلب شما تکان نخورده است. و این رن تزکیه‌کننده است.

در آغاز وقتی بعضی از افراد فا را کسب کردند و شروع به خواندن جوآن فالون کردند، گفتند: «اوه، من می‌توانم جن و شن را اجرا کنم.» درواقع حتی قادر نبودید جن یا شن را عملی کنید. شما صرفاً استانداردهای فاسد شده بشری را برای ارزیابی خودتان بکار

می‌برید. وقتی واقعاً وارد تزکیه شوید خواهید فهمید که از تطابق با استاندارد بسیار دور هستید. بیشتر اینکه، وقتی در طول تزکیه سطح خودتان را پیوسته بالا می‌برید، کشف خواهید کرد که درک قبلی شما از جن، شن، رن در سطوح مختلف بسیار بالا نبود. همان‌طور که سطح تزکیه‌تان بالا و بالاتر می‌رود، جن، شن، رن در سطوح مختلف تجلیات متفاوت، ملزومات متفاوت و حالت‌های متفاوتی خواهد داشت. و این دقیقاً منظور از قلمروی ذهنی و مقام دستیابی است. رن می‌تواند قلمروهای زیبایی را فراهم کند، و آن تنها شیوه نگرستن به آن است. وقتی نتوانید به هدف آنچه که در حال انجام دادن هستید دست یابید، به انتهای شاخ گاو می‌روید<sup>۲</sup> و نمی‌توانید غذا بخورید یا خوب بخوابید، اساساً می‌گذارید احساسات‌تان توسط دیگران کنترل شوند و زندگی‌تان توسط دیگران رانده شود. یک زندگی خسته‌کننده را پیش می‌برید بدون اینکه متوجه آن باشید، به‌خاطر دیگران زندگی کردن. اگر شما واقعاً بتوانید یک قدم به عقب بردارید و رها کنید، آنوقت مثل این است «با کوههای سرسبز، ترس از کمبود هیزم نیست» و هر چند گفته‌ای عامیانه است، اگر بتوانید یک قدم به عقب بردارید، وسعت افق دیدتان را بی‌پایان خواهید یافت و دیدگاه‌تان کاملاً عوض خواهد شد. اراده‌تان را برای رهاکردن آن پولادین کنید و قلمروتان فوراً عوض خواهد شد. در آن حالت خودتان را سبک و بانشاط خواهید یافت. این رن است. ولی من از شما می‌خواهم که فا را بیشتر مطالعه کنید و به قلمروهای بالاتر از این برسید.

*پرسش: بعضی اوقات نمی‌توانم مرز بین قلمروی تزکیه‌کننده و قلمروی یک فرد عادی را بگویم.*

**معلم:** لازم نیست زیاد درباره این به شما بگویم. مادامی که در تزکیه با کوشایی بیشتر، پیوسته رشد کنید، همه چیز را خواهید فهمید. شما تزکیه‌کننده هستید پس برای شما دور ریختن تمام وابستگی‌هایتان به یکباره غیرممکن است. درست همان‌طور است که قبلاً گفتم: قلمرویی که در تزکیه به آن می‌رسید خودش را در هر محیطی آشکار می‌کند. مردم خواهند گفت که شما فردی خوب هستید - در کار، در زندگی روزمره، در خانه، یا در جامعه. چرا؟ حالت تزکیه شما در هر جنبه از زندگی‌تان خودش را نشان می‌دهد. آن درباره عمدتاً انجام دادن کاری نیست، انگار با قصد در حال انجام دادن کاری باشید؛ آنوقت در حال انجام کارها با زور و فشار هستید. اما به عنوان تزکیه‌کنندگان، ما باید یک ذهن آرام و خوددار داشته باشیم. هر کاری را با قلبی مهربان انجام دهید، زیرا این آن چیزی است که ما باید انجام دهیم و این نمی‌تواند یک وابستگی خوانده شود. این روشی است که بکار می‌بریم تا سرشت اهریمنی را فرونشانییم، و به استاندارد شن برسیم و مطابق الزامات و استانداردهای قلمروهای ما باشیم که به‌طور پیشرونده‌ای بالاتر هستند. این وابستگی نیست.

*پرسش: درک عقلانی فا می‌تواند مستقیماً عقاید عادی فرد را از بین ببرد و بنابراین روند تزکیه را تسریع کند.*

**معلم:** حتی وقتی که برای درک کردن فا می‌آمدید، همه شما در شروع دوره‌ای از درک اولیه را داشتید. بعد از خواندن *جوآن فالون*، بسیاری از افراد گفتند این خوب است، واقعاً خوب. چگونه؟ اگر واقعاً از آنها بپرسید نمی‌توانند به روشنی آن را توضیح دهند. در آن مورد یک درک احساسی است، احساس اینکه آن خوب است. اگر کسی بپرسد: «درست چه چیز آن دقیقاً خوب است؟» فقط بعد از آنکه به تزکیه واقعی وارد شوید می‌توانید دریابید چه چیزی واقعاً درباره کتاب خوب است، چون شما درک خود را تا سطحی عقلانی رشد داده‌اید. اگر در زندگی روزمره تمام رفتار شما استاندارد یک تزکیه‌کننده را برآورده سازد و ذهنیت یا عقاید بشری را برای درک فا بکار نبرید، آنوقت با خردمندی و با شیوه ذهنی آرام و هوشیار و مسئول بودن در برابر خود در حال درک کردن فا هستید.

*پرسش: آیا می‌توانیم از چیزهای مربوط به تزکیه برای پرداخت کردن بدهی در میان مردم عادی استفاده کنیم؟*

**معلم:** نه، نمی‌توانید، و من به شما نگفتم که آن کار را نکنید. زیرا چیزهای مربوط به تزکیه بی‌قیمت هستند. استاد به‌خاطر تزکیه شما به آنها رسیدگی می‌کند، اما شما ارزش بسیار کمی برای آنها قائل شده‌اید. آنها فقط آن چیزهایی نیستند که شما

تزکیه کرده‌اید: بخشی از آن را استاد برای شما متحمل شده است و برای شما انجام داده است. حتی نباید چنین فکری داشته باشید. دلیلی برای آن وجود ندارد.

*پرسش: آیا مریدانی که نیمه روشن بین شده‌اند می‌توانند اصول فا را در بعدهای دیگر ببینند؟*

**معلم:** شما باید از کندوکاو در این دست بردارید. تعداد بسیار زیادی از شاگردان هستند که به این حالت وارد شده‌اند، بخصوص آنهایی که فا را سریع یا در مرحله اولیه بدست آورده‌اند. آنها همه چیز را می‌دانند، همه چیز را می‌بینند و می‌توانند همه چیز را درک کنند. ولی در سطوحی که هستند، نمی‌توانند آن را به کلام درآورند، بنابراین صحبت نمی‌کنند و هیچ چیز نمی‌گویند هرچند همه چیز را می‌دانند. تنها چیز این است که قدرت‌های الهی و توانایی‌های آنها نمی‌توانند بکار برده شوند. برای آنکه بسیاری از شما در حال تزکیه هستید، و اگر قدرت‌های الهی آنها بکار برده می‌شد زمین نمی‌توانست آن را تحمل کند. افراد زیادی مانند این وجود دارند.

*پرسش: بعضی افراد بطوری باور نکردنی اعتماد به نفس بالایی در تزکیه فای بودا دارند، تا حدی که حتی تمایلی ندارند برای حل بعضی از مشکلات روزمره، روش‌های مردم عادی را بکار ببرند.*

**معلم:** می‌توانم به شما بگویم که این نوع حالت در تزکیه ما وجود دارد: بعضی افراد می‌گویند: «بعد از کسب کردن فا، نمی‌خواهم این کار را بکنم، نمی‌خواهم آن کار را بکنم. نمی‌خواهم کارم را انجام دهم، دیگر نمی‌خواهم کار تجاری داشته باشم.» مایلم به شما بگویم که به نظر می‌رسد گویی فا را در جایگاه مهمی قرار داده‌اید و تزکیه را یگانه الویت خود ساختید. اما از زاویه دیگر بنگریم، شما واقعاً فا را درک نکرده‌اید. مایلم به همه بگویم که باید درحالی که تزکیه می‌کنید تا حداکثر امکان در تطابق با مردم عادی باشید. معمولاً افراد به آنچه که الان گفتم به اندازه کافی توجه نمی‌کنند. همگی درباره آن فکر کنید: ما صد میلیون نفر تزکیه‌کننده داریم، و اگر در آینده افراد بیشتری باشند آنوقت چه؟ اگر هیچ‌کسی کاری انجام نمی‌داد، بر سر جامعه چه می‌آمد؟ آنوقت جامعه، دافا را چگونه می‌نگریست؟ آیا آن لکه‌دار کردن دافا نمی‌بود؟ البته، هیچ لزومی ندارد درباره وضعیت‌هایی که بعد از رسیدن به قلمروهای بالا ظاهر می‌شود صحبت کنم - آنچه که اکنون می‌گویم درباره این است که در حال حاضر چه چیزی عادی است. برای آن تعداد از شما که به آن نوع وضعیت نرسیده‌اید، اگر بخواهید به چیزی فشار بیاورید غلط است. در مورد مسائلی که در زندگی روزمره مواجه می‌شوید و اینکه چطور آنها را حل کنید، اموری در تزکیه‌تان هستند و من مسائل خاص برای شما را، جواب نخواهم داد. اینکه چگونه آنها را حل و فصل می‌کنید و چگونه خودتان را ترقی می‌دهید به خود شما مربوط است.

*پرسش: استاد گفتند: «بعد از بدست آوردن یک فالون، مثل این است که نیمی از تزکیه فرد کامل شده باشد.» بعضی از شاگردان «نیمی از تزکیه فرد تمام شده است» را این‌طور درک می‌کنند، «فرد در نیمی از تزکیه موفق شده است.»*

**معلم:** وقتی چیزهایی مربوط به تزکیه مطرح می‌شوند، چرا امروزه مردم چین این نوع طرز فکر را دارند؟ زیرا از زمان باستان تاکنون طرز فکر شما به شیوه‌ای شکل گرفته است که می‌گذارد این نوع طرز فکر و نحوه تفکر را برای درک فا بکار ببرید. برای تزکیه‌تان من جوآن فالون را به شما داده‌ام، فالونی برای شما نصب کردم، استاد همه چیز را با بکار بردن فالون بزرگ برای شما پالایش داده است و نصف مشکلات در تزکیه‌تان درواقع حل شده است - این حقیقت مسلم است. ولی فقط به این محدود نمی‌شود. چون قدرت این دافا بسیار عظیم است، افراد قادر شده‌اند حتی سریعتر تزکیه کنند. اما در مورد این افکار «استاد فالون را در من جای داده است، پس من در نیمی از تزکیه‌ام موفق شده‌ام، و حتی اگر امروز تزکیه را متوقف کنم در نیمی از راه موفق شده‌ام،» چنان چیزی نیست.



پرسش: گفتید که در یک فرصتی شما به چهار یا پنج موجود روشن بین بزرگ و دائئوئیست بزرگ وصل شدید. از اینکه چرا از آن صحبت کردید درک درستی ندارم.

**معلم:** زیرا در فکر بشری شما سدی وجود دارد. فانی نمی‌تواند بر طبق میل شما آموزش داده شود! خوب درک نکردن آن نشان می‌دهد که مانعی که شما به آن وابسته‌اید اساسی است. با قصد کلمات را زیر و رو نکنید. اگر در معنای هر جمله و هر خط، با قصد موشکافی می‌کنید، آنوقت کاملاً در اشتباه هستید. همیشه به شما گفته‌ام که وقتی *جوآن فالون* را می‌خوانید باید تمامی آن را از اول تا به آخر بخوانید، ولی باید بدانید در حال خواندن چه هستید. وقتی که قرار است در سطحی معین به درکی آگاه شوید، بوداها، خدایان و دائوها به شما درباره آن اشاره‌ای می‌دهند و بلافاصله معنای جمله را درک می‌کنید. درباره آنچه که قرار نیست به آن آگاه شوید به شما اشاره‌ای نمی‌رسانند؛ هرچقدر هم کندوکاو کنید آن را دریافت نخواهید کرد. اگر بگویید «من درست باید اصول چنین سطوح بالایی را فقط بر پایه آن کلمات درک کنم»، آنوقت در حال فشار آوردن به آن هستید. تزکیه مربوط به فرد است، در حالی که گونگ مربوط به استاد است. فرق نمی‌کند چه روش‌هایی را به طور مستقل پیدا کنید، آنها شما را به بهشت نخواهند رساند - معنای آن این است. بعضی بخش‌های *جوآن فالون* هست که بعضی افراد دوست ندارند بخوانند. آنها می‌خواهند فقط بخش‌های مربوط به *شین‌سینگ* را بخوانند. بگذارید به شما بگویم که اگرچه بنظر می‌رسد بعضی از بخش‌ها مربوط به قدرت‌های فوق‌طبیعی یا چیزهای دیگر هستند، اما همه آنها اصول مختلفی را در خودشان دارند، و وضعیت‌های الزامات مختلف وجود دارند که در سرتاسر آن تنیده شده است و فرد مجبور است در تزکیه به آنها دست یابد. شما مجبورید همه آن را بطور پیوسته بخوانید. هر بار که می‌خوانید، نباید یک بخش یا یک کلمه را جا بگذارید. باید آن را به این طریق بخوانید. توالی کتاب نقشی فوق‌العاده دقیق را برای تزکیه شخص ایفا می‌کند.

وقتی که آن بخش از فا را آموزش دادم، صرفاً سرسری در حال صحبت نبودم یا فقط برای شما داستان تعریف نمی‌کردم. در ظاهر، به شما می‌گفتم بعد از آنکه فرد در آن قلمرو به سکون می‌رسد وضعیت چگونه است، و بعد از وصل شدن به آنها چه احساسی داشتم. من هنوز کارهایی در میان مردم عادی دارم که تمام کنم، هنوز یک بدن بشری عادی دارم، و هنوز می‌خواهم شما را نجات دهم. که در غیراین صورت، سکون آنها در قلمروی من ممکن است به‌عنوان سکون به حساب نیاید. اگر شما به عنوان یک فرد عادی به آنها وصل شده بودید، ذهن‌تان در یک چشم به هم زدن کاملاً پاک می‌شد. تمام افکار انسانی به کل از بین برده می‌شد. افکار آنها این قدر پر قدرت است. شاید شما بلافاصله با الزامات قلمروهای بسیار بالا تطابق پیدا می‌کردید، ولی آن چیزی نمی‌بود که شما تزکیه کردید. معنای بسیار عمیق درونی در آن وجود دارد. اندیشه بشری را برای قضاوت فا بکار نبرید.

پرسش: فرق بین دو ماده بسیار میکروسکوپی در جهان و سرشت جن، شن، رن چیست؟ چرا این‌طور است که هر چه سطح پایین‌تر باشد این دو ماده بیشتر با هم در ضدیت قرار دارند؟

**معلم:** درواقع وقتی با استفاده از تفکر بشری این سؤالات را می‌پرسید، واقعاً در حال بی‌احترامی کردن هستید. اگر می‌توانستید مانند یک خدا باشید، مطلقاً به پرسیدن سؤالاتی به این شکل مبادرت نمی‌کردید. این چیزی است که فای بزرگ جهان برای موجودات زنده آفریده است؛ آن دو ماده توسط فای بزرگ آفریده شده بودند. این تنها راهی است که می‌توانم آن را برای شما توضیح دهم. همان‌گونه که یک موجود در محیطی زندگی می‌کند، زندگی‌اش باید متنوع و رنگارنگ باشد. انسان‌ها را برای مثال در نظر بگیرید: اگر انسان‌ها هیچ خوشی و لذتی نداشتند، یک زندگی خسته‌کننده و کسل‌کننده را می‌گذرانند - کم و بیش این‌گونه حس می‌کردند. موجودات زنده لازم است اجازه یک زندگی لذت‌بخش را داشته باشند. فای بزرگ می‌تواند برای موجودات در سطوح مختلف، اجتماعی شکوفا بیافریند. این چیزی نیست که انسان‌ها بتوانند از عهده آن برآیند. فقط درباره وجود دو ماده که ایجاد متقابل و بازداراری متقابل را سبب می‌شوند بطور مختصر صحبت کردم، و همچنین بین و یانگ، و فقط در طی توضیح اصل بین و یانگ و ایجاد متقابل و بازداراری متقابل از این دو ماده نام برده‌ام. ولی عوامل پیچیده در جهان بسیار فراتر از اعداد هستند. من درباره چیزی که مستقیماً به تزکیه مداوم شما مربوط نمی‌شود صحبت نمی‌کنم. آن چیزهایی را برای بحث

انتخاب کرده‌ام که می‌تواند اجازه روشن شدن به اصول فا را به شما بدهد و اجازه رشد را به شما بدهد، و آن را بطور کلی انجام داده‌ام. اگر شما زیاد می‌دانستید، ذهن‌تان همیشه حول یک فکر مشخص دور می‌زد و تزکیه‌تان تحت تأثیر قرار می‌گرفت.

*پرسش: بسیاری از شاگردان برای تمرین در آخر هفته با هم به یک پارک می‌روند. آیا برای انتشار فا مفیدتر نخواهد بود اگر افراد به پارک‌های مختلف می‌رفتند؟*

**معلم:** این به جزئیات آنچه انجام می‌دهید مربوط می‌شود. احساس شما این است که وقتی با هم تمرین می‌کنید، با افراد بیشتر، میدان قوی‌تر است و تأثیر نسبتاً زیاد است. وقتی افراد دیگر آن را ببینند، خواهند گفت: «اوه، افراد بسیاری فالون گونگ را تمرین می‌کنند! انرژی بسیار قوی است! ما هم برویم تمرین کنیم.» ممکن است افرادی هم باشند که فکر کنند: «مردم این محل، دیگر به آن آشنایی دارند ولی مردم جای دیگر، آن را نمی‌شناسند. بیایید جدا شویم و به مکان‌های دیگر برویم و مردم در آن مکان‌ها را ترغیب کرده و به آنها کمک کنیم فا را کسب کنند.» اینها موضوعات ویژه خود شما است. پیش بروید و کارهایی را انجام دهید که احساس می‌کنید باید انجام دهید. در ارتباط با این امور نمی‌توانید از من بخواهید چیزی را برای شما تصریح کنم. مناطق مختلف، و شرایط متفاوت وجود دارد و پس از آن چگونگی درک شما از فا در سطوح مختلف وجود دارد. تمام اینها جزو تزکیه خودتان است. برای چگونگی انجام امور با هم صحبت کنید و هر آنچه احساس می‌کنید بهترین است را انجام دهید.

*پرسش: بعضی افراد فکر می‌کنند انتشار فا به معنای انجام دادن تمرین‌ها و در دسترس گذاشتن کتابهای دافا است، و برای تمرین‌های گروهی در مقیاس بزرگ یا نمایش ویدئوهای سخنرانی‌های فالونومی وجود ندارد.*

**معلم:** مثل انجام دادن تزکیه‌تان، این به شما مربوط است که جزئیات این امور را چگونه اداره کنید. می‌توانم به شما بگویم تماشای ویدئوها، مطالعه گروهی، تمرین گروهی و کنفرانس‌هایی مثل امروز که برپا ساخته‌ایم تنها شکل‌هایی از تزکیه دافا هستند که من برای شما به جای گذاشته‌ام. هر چیز دیگری آزادانه برنامه‌ریزی شده است، شامل اینکه شما به اینجا بیایید یا نه. هیچ‌کسی برای آمدن از شما نمی‌پرسد و حضور و غیاب نمی‌کند. همه داوطلبانه می‌آیند. تزکیه به قلب خود شما بستگی دارد. اگر نمی‌خواهید بیایید و نمی‌خواهید تزکیه کنید، آنطور که مایلید انجام دهید.

*پرسش: شاگردان سفیدپوست درباره خدمات اجتماعی مجذوب و مشتاق هستند و آن را حالت نیکخواهی و یک فرد خوب بودن در نظر می‌گیرند.*

**معلم:** این صرفاً نوعی از قلبی بامحبت است که افراد عادی دارند، ولی من مخالف آن نیستم، چون از مردم می‌خواهم که در هر محیطی افراد خوبی باشند. ولی اگر این چیزها بر مطالعه فا و تزکیه اولویت پیدا کنند، می‌گویم آن اشتباه است. چسبیدن به هر چیزی ممکن است یک وابستگی شود. اما از سوی دیگر، اگر نتوانید در هر محیطی خوب رفتار کنید، آنوقت مطابق استاندارد یک تزکیه‌کننده نبوده‌اید. به بیانی دیگر، همان‌طور که در فا پیوسته با کوشایی بیشتر، رشد کردید، این موضوعات حل خواهند شد و شما خواهید دانست چه کار کنید.

*پرسش: اگر کسی در زمستان انجام تمرین‌ها را در بیرون ادامه دهد، آیا به این طریق از بین بردن کارما می‌تواند جایگزین از بین بردن کارما در نشستن با حالت پاهای ضربدر شود؟*

**معلم:** یک چنین چیزی وجود ندارد. شما می‌خواهید برای فرار از سختی، راهی پیدا کنید، راه تزکیه‌ای را برمی‌گزینید که بدون رنج باشد یا اینکه راه آسان‌تری را برای تحمل سختی و رنج فراهم کند. این غیرقابل قبول است. ولی آن‌طور که من می‌بینم، تزکیه برای بهتر شدن است و شما همیشه در یک وضعیت باقی نخواهید ماند. آیا ترس از نشستن با پاهای ضربدری نیز یک وابستگی نیست؟

پرسش: اگر حتی خودآگاه کمکی (فو یی شی) به یک موجود روشن بین تزکیه کرده است، خودآگاه اصلی فرد (ژو یی شی) هنوز ممکن است به چرخه بازپیدایی وارد شود. به نظر می‌رسد که آنها دو وجود متفاوت هستند.

**معلم:** من این موضوع را بسیار روشن توضیح داده‌ام. در این دنیا، برای شما، هر دوی خودآگاه اصلی و خودآگاه کمکی تان شما هستند. شما باید هر کدام را بشناسید. آنها در نام شما شریک هستند، همان کارهایی را که شما انجام می‌دهید، انجام می‌دهند و مغز شما را کنترل می‌کنند - هر دوی آنها شما هستند. اما در مورد اینکه چه کسی بر شخص کنترل دارد - یعنی وقتی شما واقعاً بیشترین هوشیاری را داشته باشید - آن روح اصلی شما است که تمام خودآگاه‌های شما را در کنترل دارد. چرا این طور است؟ زیرا وقتی روح کمکی تان (فو یوان شن) از طریق تزکیه به کمال می‌رسد، شما درباره آن نمی‌دانید. او مثل شما است، همان ظاهر را دارد، و بعد از اتمام تزکیه می‌رود، ولی شما هنوز هم باید به دایره بازپیدایی وارد شوید. وقتی خودآگاه اصلی تان در تزکیه موفق می‌شود، شما خودتان آن را می‌فهمید - «اوه، من در تزکیه موفق شده‌ام و به کمال خواهم رسید.» اما خودآگاه کمکی تان هم بخشی از شما است، پس او هم در حالی که تزکیه می‌کنید با شما تزکیه می‌کند. وقتی به کمال می‌رسید او با شما به کمال می‌رسد. رابطه آنها این است.

پرسش: من داروفروش بودم و بعضی ترفندهای ماساژدرمانی را می‌دانم. آیا هنوز هم می‌توانم برای دیگران داوطلبانه ماساژ را انجام دهم.

**معلم:** در اینجا شما بر داوطلبانه ماساژ دادن و پولی در نیاوردن تأکید دارید، پس آیا این به عنوان انجام کاری خوب در نظر گرفته می‌شود؟ مایلیم این را به شما بگوییم: تزکیه موضوعی بسیار جدی است، من به طور پیوسته در حال پاک کردن بدن شما بوده‌ام و شما نباید آن را دوباره آلوده کنید - آن به این معنا است. علت این است، تماس بدنی با پوست فرد دیگر می‌تواند میدان دو شخص را به هم وصل کند. چرا وقتی تمرین‌ها را بصورت گروهی انجام می‌دهید انرژی محل تمرین بسیار قوی است؟ زیرا میدان هر کدام از شما، چنین میدان‌های خوبی، بهم وصل می‌شوند، بنابراین پیشرفت سریع است و همه احساس خوبی دارند. اما در مورد مردم عادی، آنها تزکیه نمی‌کنند و میدانی که بدن آنها حمل می‌کند، پر از کارما است. به محض آنکه این را می‌گوییم بسیاری از افراد فکر خواهند کرد: «اوه، آیا این معنا را می‌دهد که نباید با افراد خانواده‌ام باشم؟!» شما تزکیه‌کننده هستید و من این مشکل را برای شما حل کرده‌ام، بنابراین نیازی نیست که درباره آن فکر کنید و نباید آگاهانه از چیزی بترسید. یعنی اگر بخواهید کاری را با قصد انجام دهید، مثل این است که عمداً آن چیز را مشتاقانه می‌پذیرید. وقتی شما کسی را ماساژ می‌دهید، ممکن است این فکر را داشته باشید: «من باید او را خوب کنم.» چون شما وسایل مدرن پزشکی یا دارو را برای مداوای او بکار نمی‌برید - در عوض، بدن خودتان را برای مداوای او استفاده می‌کنید - بسیار محتمل است که آلوده شوید. آن به این معنا است. اما در مورد آن شاگردان مان که به عنوان درمانگر ماساژ کار می‌کنند که زندگی خود را اداره کنند، در مواقعی که واقعاً نتوانند شغل دیگری پیدا کنند من برای حل مشکل تأمین مالی زندگی، بدن آنها را مهر و موم می‌کنم. ولی اگر در این شغل نیستید بهتر است آن را انجام ندهید. آنچه می‌گوییم این است. درخصوص انجام دادن طب سوزنی یا یک پزشک بودن که برای دیگران نسخه دارویی و تزریقات تجویز می‌کند، مسئله‌ای نیست. آنها تکنیک هستند.

پرسش: آیا شخص می‌تواند تزکیه کند اگر کسی در خانواده او بیماری روانی داشته است ولی خود آن شخص آن را نداشته است؟

**معلم:** گفته‌ام که اگر کسی در خانواده تان بیمار روانی است لزوماً شما بیمار نخواهید شد. آیا به این صورت نباید نگریسته شود؟ می‌بایست از دو طرف دیده شود. به کلامی دیگر، برای یک فرد بسیار منطقی - فردی با خودآگاه بسیار قوی - تزکیه کردن خوب است. به هر جهت اگر شما سابقه بیماری روانی در خانواده دارید پس لازم است محتاط باشید. اگر شما بیمار روانی هستید نمی‌توانید تمرین کنید. زیرا خودآگاه اصلی فردی که بیمار روانی است معمولاً در گیجی به سر می‌برد، پس این طور نیست که من نمی‌خواهم شما را نجات دهم. فای من به خودآگاه اصلی داده می‌شود و به منظور نجات فرد است ولی اگر فرد ذهنش روشن نباشد ما در حال دادن فا به چه کسی هستیم؟ وقتی که مشکل روانی به شما حمله می‌کند، کارمای شما، افکار بد و موجودات

بیگانه مشغول به کار هستند. آیا می‌توانیم فا را به آنها بدهیم؟ نه، و این دلیل آن است. بنابراین افرادی با سابقه بیماری روانی در خانواده در هنگام تزکیه باید محتاط باشند! اگر احساس می‌کنید که نمی‌توانید خودتان را کنترل کنید، شرکت نکنید. آنهایی که در حال حاضر بیماری روحی دارند: نمی‌توانید به محل تمرین بیایید و نباید برای شنیدن فا در کنفرانس‌های فا حضور یابید.

پرسش: بچه من دوازده ساله است. هفته‌ای یکبار تمرین می‌کند و شب قبل از رفتن به رختخواب به فا گوش می‌کند. آیا تمرین و مطالعه فا توسط او طبیعی در نظر گرفته می‌شود؟

**معلم:** کودکان حالت‌های خود را دارند. اگر آنها در معرض فا قرار گرفته باشند و در حال مطالعه و تمرین باشند، آنها نیز در واقع در حال تزکیه هستند. ما بین کودکان و بزرگسالان تفاوت‌های دقیقی قائل هستیم، زیرا کودکان چیزهای شکل گرفته توسط آن عقاید و افکار پیچیده‌ای که بزرگسالان دارند را ندارند، آنها بسیار ساده هستند و بنابراین فا را سریع کسب می‌کنند.

پرسش: وقتی که در ذهنم به افکار بد فکر می‌کنم، مواد بدی در بعدهای دیگر تولید می‌شود. چه کار کنم؟

**معلم:** بیشترین تلاش خود را بکنید به چیزهای بد فکر نکنید، و به تدریج در تزکیه‌تان پیشرفت می‌کنید. حتی اگر به آنها فکر می‌کنید به آنها توجه نکنید و نترسید. وقتی شروع به ترسیدن کنید - «حالا چه کار کنم؟» - آن یک وابستگی است. به همین خاطر است که ما باید فا را مطالعه کنیم و هر چه بیشتر امکان دارد کتاب را بخوانیم، و بهتر است یک ذهن پاک و آرام را حفظ کنید. ولی برای شما غیرممکن است که اصلاً به چیزهای بد فکر نکنید. اگر به کمال نرسیده‌اید نمی‌توانید آن را انجام دهید. از نقطه نظر اینکه چه نوع چیزهایی تولید می‌شود، شما حالا یک تزکیه‌کننده هستید، بنابراین می‌توانم به شما بگویم که شما، یک تزکیه‌کننده، در آسمان‌ها به عنوان انسان تلقی نمی‌شوید. آنها شما را یک خدا می‌دانند. بعد از رسیدن به کمال شما خدایان آینده در سطوح مختلف خواهید بود. به همین خاطر است که وقتی از سطح مردم عادی فراتر می‌روید و در بدن‌تان چیزهایی را حمل می‌کنید که فراتر از مردم عادی می‌رود - و مخصوصاً وقتی که در دوره اصلاح فا در حال تزکیه هستید - نه تنها من از شما مراقبت می‌کنم، بلکه هشت نوع بودا از محافظان قانون آسمانی نیز در اطراف بدن‌تان وجود دارند که در حال پاسداری از فا هستند. فقط این گونه است که شما آن را نمی‌دانید. بعضی افراد بعد از شروع کردن به تمرین شجاع می‌شوند. چرا این طور است؟ آن صرفاً به عوامل در سمت خودتان، مربوط نمی‌شود. برای آن است که شما بخشی دارید که چیزها را می‌داند. به همین خاطر است که شجاعت شما افزایش می‌یابد.

پرسش: از زمان بچگی بسیار خجالتی بودم. آیا این یک وابستگی شدید است؟

**معلم:** به عنوان یک انسان، اگر شخص حسی از شرم نداشته باشد می‌گویم که او فرد بسیار بدی است. اگر به عنوان تزکیه‌کننده به این گونه چیزها وابسته باشید، پس شما فقط یک انسان هستید. ولی افرادی در گذشته وجود داشتند، بعد از آنکه تزکیه را شروع کردند، لابلای و شلخته، ژولیده و کثیف شدند. اگر یک مرید دافا به این شکل باشد، آنوقت می‌گویم شما در حال تیره کردن تصویر دافا هستید. همان طور که می‌دانید، وقتی که برای شما در هر موقعیتی در مورد فا سخنرانی می‌کنم، بطور نسبی بگویم، فکر می‌کنم ترجیحاً تمیز و مرتب لباس می‌پوشم. واقعیت این است که من این کار را می‌کنم که نمونه‌ای را به شما نشان دهم. حتی افرادی هستند که از طرز صحبت کردن من یا اینکه چگونه زندگی می‌کنم تقلید می‌کنند، بنابراین دقت خاصی به این چیزها می‌کنم. من نمی‌توانم نمونه بدی را برای شما به جای گذارم. چون شما در میان مردم عادی زندگی می‌کنید باید کمی به این امر توجه داشته باشید.

چیزی را متوجه شده‌ام: چینی‌ها به امور ظاهری توجهی ندارند و بیشتر ناآراسته هستند. مثل آن شوخی است که قبلاً برای‌تان گفتم: مردم چین توجه زیادی به جوهر می‌کنند، چیزهای فراوانی در مغزشان می‌گذرد، با فنون زیادی تلنبار شده‌اند، و غذاهایی که می‌پزند بسیار خوشمزه هستند، ولی ظاهر و نحوه ارائه آنها درهم و برهم و کثیف است. ولی غربی‌ها - فقط به عنوان شوخی

این را در نظر بگیرید- غذای‌شان به اندازه غذایی که چینی‌ها می‌پزند خوشمزه نیست، ولی چاقوها و چنگال‌هایشان بسیار قشنگ چیده می‌شوند و ظروف نقره‌ای مختلف برای غذاهای مختلف و لیوان‌های مختلف برای نوشیدنی‌های مختلف دارند. آنها جایگاه مهمی به ظاهر می‌دهند و بسیار مؤدب هستند. این تفاوت چینی‌ها با غربی‌ها است. اما فکر می‌کنم که اگر این ویژگی‌ها بتواند ادغام شود، که افراد چینی به آداب و معاشرت بیشتر توجه کنند و غربی‌ها کمی بیشتر جوهر داشته باشند، آن بهتر خواهد بود. (تشویق)

غربی‌ها توجه زیادی به رفتار متمدنانه می‌کنند. این فرهنگ آنها است. چرا غربی‌ها گاهی از شما عصبانی می‌شوند؟ بعضی افراد حتی احساس می‌کنند که آنها بدون دلیل از شما عصبانی هستند. اگر شما به فرهنگ آنها لطمه بزنید، حتی اگر چیز کوچکی باشد، آنها واقعاً عصبانی می‌شوند. بسیاری از افراد چینی به چیزهای کوچک دقت نمی‌کنند. برای مثال وقتی وارد فروشگاه می‌شوید و کسی پشت سر شما است، بعد از آنکه در را باز کردید توجه به چیز دیگری ندارید و در به شدت پشت سر شما بسته می‌شود. اگر ناظر یک غربی باشد واقعاً عصبانی می‌شود، زیرا شما در حال صدمه زدن به فرهنگ او هستید و او این را چیزی کوچک به حساب نمی‌آورد. او واقعاً از طرز صحبت و رفتار بی‌ادبانه شما عصبانی می‌شود. شما در جامعه آنها زندگی می‌کنید، پس باید به آن توجه داشته باشید.

پرسش: شاگردی از چین هستم. این دفعه که استاد را دیدم نمی‌توانستم از ریختن اشک‌هایم جلوگیری کنم و نمی‌توانم حال خود را با کلمات بیان کنم.

معلم: می‌بینید؟ در مدتی که در ایالات متحده هستم، بنظر می‌رسد که شما را دوباره و دوباره در طی این شش ماه ملاقات کرده‌ام و آن بسیار آسان است. ولی در سرزمین اصلی چین بسیاری از شاگردان هستند که نمی‌توانند مرا ببینند. آنها دل‌شان برای استادشان بسیار تنگ شده است، و من هم متقابلاً به آنها فکر می‌کنم. وضعیت این است.

پرسش: یک «من» در بعدهای گوناگون مجزا وجود دارد. آیا بعدهای گوناگون مجزا در سه قلمرو هستند؟

معلم: درست است آنها در سه قلمرو هستند. بعدها در سه قلمرو پیچیده‌ترین هستند. اگر فرصتی وجود داشته باشد در آینده ساختار ماده را برای تان بیشتر توضیح می‌دهم؛ وسعت پیچیدگی حیرت‌انگیز است. در عین حال هیچ زبانی برای توصیف آن وجود ندارد، و نقاشی نیز نمی‌تواند آن را شرح دهد. به همین دلیل است که بعضی اوقات که به شما فا را آموزش می‌دهم بسیار چالش‌برانگیز است که حتی وقتی تمام اصطلاحات و تعبيرات بکارگرفته شده‌اند آن هنوز هم مشکل است شکوه و عظمت جهان را به تصویر درآورد.

پرسش: شنیدم که وزارت علوم و تحقیقات در چین در حال کپی‌سازی پانداها هستند.

معلم: منظورتان شبیه‌سازی است، درست؟ بگذارید درباره آن چیزها زیاد صحبت نکنیم. بشر در حال از بین بردن خود است. روزی دیگر گفتم که بشر در حال شبیه‌سازی کردن این و شبیه‌سازی کردن آن چیز است، و به محض آنکه بشر شروع به شبیه‌سازی انسان بکند شروع پذیرش جایگزین شدن موجودات فضایی به جای انسانها است. دقیقاً به خاطر اینکه مردم نمی‌توانند موجودیت سمتی را که الهی است ببینند، افراد هنوز احساس می‌کنند که در طلب بودن بیرحمانه آنها، به اصطلاح کشفیات‌شان، چیزهایی گوش نواز هستند. در واقع آنها در حال نابود کردن انسان هستند. انسان‌ها در حال نابود کردن خودشان هستند.

پرسش: بعضی افراد در محافل بودیسم، به دافا به نام اینکه یک راه درست نیست، حمله می‌کنند.

**معلم:** فقط آنها را ندیده بگیرید. آنها به مرحله آخر دوره پایان دارما رسیده‌اند. اگر درخصوص این مسائل، روش‌های آنها را برای اداره امور برمی‌گزیدیم - که آنها به ما حمله می‌کنند و شما هم مطالبی منتشر کنید که حمله را جواب دهید - آیا دافا مثل آنها نمی‌شد؟ دافای ما فای بزرگ جهان است، و اگرچه به نظر می‌رسد که آنها در حال صدمه زدن هستند، اما درواقع آنها هیچ هستند. برگردیم به زمانی که شاکيامونی آمد، مذهب برهمن همین کار را کرد.

**پرسش:** آیا روند تغییر شکل از بخش میکروسکوپی به بخش ماکروسکوپی، روند تغییر شکل بنتی<sup>۳</sup> است؟

**معلم:** شما می‌توانید آن را به این طریق درک کنید. هرچه سریع‌تر فرد خود را تزکیه کند، تبدیل سریع‌تر است.

**پرسش:** چرا این‌طور است که در تعداد زیادی از بعدهاهای دیگر درون یک بخش معینی از جهان، همزمان یک «او» وجود دارد؟

**معلم:** ترکیب ساختار جهان این‌گونه پیچیده است. در زمانی که شما متولد شده‌اید، یک «شما»، در بسیاری از بعدها وجود دارد. شما تقریباً درست شبیه هم هستید، تقریباً کارهای یکسان انجام می‌دهید، یک اسم را دارا هستید، همزمان متولد شده‌اید و همزمان می‌میرید، ولی کیفیت زندگی متفاوت است. آنها چگونه به شما ربط پیدا می‌کنند؟ اکنون گفتم، آنها همزمان متولد می‌شوند و همزمان می‌میرند، و بجز این، ارتباط اساسی دیگری وجود ندارد. گفتم که شما همزمان متولد می‌شوید و آن این معنا را می‌دهد که اگر آنها متولد نشده بودند، شما نمی‌توانستید متولد شوید، حتی اگر می‌خواستید. و اگر نمی‌مردند، آنوقت مردن خیلی سخت می‌بود حتی اگر می‌خواستید. بنابراین دلیلی که آن «جانهای تنها و ارواح سرگردان» که مردم سابقاً می‌گفتند نمی‌توانند بازپیدایی یابند، این است که تمامی «اوهای» او نمرده‌اند. فقط یکی از «اوهای» او خودکشی کرد و اصرار به مردن داشت، بنابراین بعد از مرگ، هیچ مکانی برای رفتن ندارد. او مجبور است منتظر بماند تا تمامی آن زندگان دیگر سفر زندگی خود را کامل کرده باشند پیش از آنکه بتوانند با یکدیگر در پی سرنوشت‌شان بگردند. اما درخصوص روح اصلی، همان‌طور که گفتم، روح شما، شما است - روح اصلی‌تان شما است، خودتان است - و سرچشمه افکارتان شما هستید. اما درخصوص کودک فناپذیر (یوان بینگ)، آن بدن بودا است که در تزکیه از خردتان و فاش شدن یافته است. فای ما می‌تواند بدن انسان را به تغییرات بنیادی قادر سازد، و خود این بدن می‌تواند به بدن یک بودا تبدیل شود.

**پرسش:** استاد ذکر کردند «ممکن است وقتی شما به دائو نایل شوید، در آینده بسیاری از افراد نفع ببرند.»

**معلم:** درست است. درباره آن فکر کنید: اگر فردی بتواند تا سطح یک بودا تزکیه کند، والدین و خویشاوندان - یا بگذارید فقط بگویم والدینش، که چنین پسر یا دختر فوق‌العاده‌ای را به دنیا آوردند - آیا آنها هم سهمی از برکات را نخواهند داشت؟ حتماً سهم خواهند شد. در مورد اینکه این برکت چقدر بزرگ است و آنها در کجا جای داده خواهند شد، این قطعاً بر طبق این انجام داده می‌شود که چقدر سهم‌شان از این برکت تقدیری بزرگ است. اما با به کمال رسیدن و بودا شدن شخص، اینکه والدین او هم بودا شوند علیرغم اینکه عمل تزکیه را انجام نداده‌اند - آن کاملاً غیرممکن است، چون آنها تزکیه نکرده‌اند. آن بر طبق سهم برکت تقدیری‌شان و شین‌شینگ‌شان تعیین می‌شود. مقدار کارمای فرد نیز مهم است. در این صورت، این فقط به والدین و نزدیکان محدود نمی‌شود. آن شامل تعداد بسیار زیادی از افراد و موجوداتی نیز می‌شود که شخص در دنیای بشری با آنها سروکار داشته است، و روابط کارمایی زاده شده از کینه و سوءنیت. شما کشته‌اید اما بعد یک بودا می‌شوید، در مورد موجوداتی که کشته‌اید پس آنها چه می‌شوند؟ شما باید آنها را نجات دهید. البته، وقتی که در تزکیه موفق می‌شوید و به کمال می‌رسید استاد برای شما از این موارد مواظبت می‌کند، و اینها نیز به حساب آنچه که نجات داده‌اید شمرده می‌شوند. آنها باید به بهشت شما نجات داده شوند، بنابراین مشکل به این طریق برای شما حل می‌شود. افراد بسیار زیادی نیز وجود دارند که زمانی کارهایی انجام داده‌اند که برای شما مفید بود، و آنها را نمی‌توان نادیده گرفت. همه نوع عواملی وجود دارند. حتی تزکیه هم موضوع ساده‌ای نیست، و شما به تنهایی نمی‌توانید انواع روابط علت و معلولی تقدیری که در بسیاری از امور حضور دارند را حل کنید. آنها توسط استاد انجام داده می‌شوند.

پرسش: وقتی استاد با بعضی شاگردان از مناطق مختلف ملاقات کردند، هیچ‌کسی نمی‌خواست جا بماند. آیا این هم وابستگی است؟

**معلم:** آن ممکن است وضعیت امروز باشد. وقتی در چین در حال آموزش فابوادم، تمام شاگردان می‌دانستند- و شاید شما شنیده‌اید- که در روز اول کلاس همه به دنبال صندلی‌های ردیف جلو بودند، به امید آن‌که به استاد نزدیک‌تر شوند و انرژی بیشتری دریافت کنند. در پایان روز سوم کلاس، دیگر هیچ‌کسی به جلو نمی‌آمد. همگی جای بهتر را برای مسن‌ترها یا برای دیگران نگه می‌داشتند، هیچ‌کسی برای جا دعوا نمی‌کرد، و تمام سالن یک حالت آرامش‌بخش به خود گرفت. افراد همه یک روند تغییر کردن را دارند. البته، امروز در اینجا بسیاری از شما باعجله از خارج شهر آمدید یا مرا برای مدتی طولانی ندیده‌اید. می‌خواهید نزدیک‌تر شوید تا معلم را بهتر ببینید، و من این احساس را درک می‌کنم. اگر چه جنگیدن برای جا- غربی‌ها کاری مثل این را انجام نمی‌دهند. بیشتر به این دلیل که اینها ظاهر امور است.

پرسش: شین‌شینگ شاگردان قدیمی بالا است و قدرت‌گونگ آنها در حال رشد کردن بیشتر و بیشتر است. کلام و اعمال آنها تأثیر زیادی بر شاگردان جدید دارد. شاگردان قدیمی و جدید هر کدام باید چگونه خود را اداره کنند؟

**معلم:** اکثریت شاگردان قدیمی بسیار خوب تزکیه کرده‌اند، اما نمی‌توان گفت که هر شاگرد قدیمی آنقدر خوب است. در ضمن، نمی‌توانم بگویم که شما مطابق استاندارد نیستید و بنابراین نمی‌گذارم بیایید تمرین کنید- چگونه می‌توانم آن‌گونه باشم؟ نمی‌توانم. پس بسیاری از کلمات و اعمال شما می‌تواند بر دیگران تأثیر بگذارد. اما فا وجود دارد، پس نترسید. حتی شاگردان جدید بعد از آنکه فا را چندین بار مطالعه کرده‌اند برای ارزیابی هر چیزی فا را بکار خواهند برد. اگر چه شما یک شاگرد قدیمی هستید، او بازهم خواهد دانست که شما در کجا عمل اشتباهی انجام داده‌اید. افراد افکار خودشان را دارند، و فا وجود دارد، پس این مشکلات، مسئله‌ای نیستند. همگی شما همین را طی کرده‌اید. به‌عنوان دستیاران، به‌عنوان شاگردان قدیمی، ممکن است دلواپس این مشکل باشید. منظور از همه این نگرانی‌ها و ملاحظات خوب است. اگر آن را می‌بینید، راهی برای حل آن پیدا کنید و بیشترین تلاش خود را بکنید که افراد توجه لازم را به آن بکنند. بنابراین به‌عنوان شاگردان قدیمی، شما واقعاً در مقابل شاگردان جدید باید مراقب خودتان باشید. حتی اگر نگران شهرت و اعتبار خود نیستید، هنوز باید اعتبار دافا را در نظر بگیرید. اینجا یک سرزمین پاک است، بنابراین نمی‌خواهم وقتی با مشکلاتی مواجه می‌شوید به درون خودتان نظر نیندازید. اگر به چیزی شبیه واحدهای اجتماعی کار [ چینی ] توسعه یابد، غیرقابل قبول است.

پرسش: پیش از تزکیه‌ام، احساس سرمای زیادی کردم و تمام شب نتوانستم حرکت کنم.

**معلم:** می‌گویم بهتر است درباره وضعیت‌های شخصی هیچ سؤالی نکنید. با وجود دهها میلیون، دهها میلیارد حالت- خود شما به تنهایی بسیاری از آنها را دارید- من چگونه می‌توانم آن را برای شما جواب دهم؟ می‌توانم به شما بگویم که حالت‌ها همگی خوب هستند. دیروز چیزی را ذکر کردم: اعم از اینکه احساس خوب یا بد داشته باشید، به واقع شما نمی‌توانید تفاوتش را بگویید. فقط یک چیز را به شما می‌گویم: اگر همه آن را چیز خوبی تلقی کنید کافی است. (تشویق) بگذارید مثالی برای تان بزنم. همه، درباره آن فکر کنید: آلودگی در جامعه بشری مدفوع موجودات سطح بالا است. زندگی در محیطی به این کثیفی، مثل اینکه بشر به یک چاه کود پریده است- همه شما اکنون در یک چاه کود هستید، اما هنوز درباره مفهوم اینکه چیزی حس خوب یا بد دارد نگران هستید. درباره آن چیزها نگران بودن چه فایده‌ای دارد؟ شما باید در تزکیه کردن عجله کنید و فکر کنید که با هر چه مواجه شوید خوب است. و به راستی خوب است. اگر تزکیه نمی‌کردید هرگز آن احساس‌ها را نداشتید، و آن شامل چیزهای ناخوشایند می‌شود. هرچقدر هم که تغییری خوب باشد، وقتی که در بدن شما ظاهر می‌شود خوشایند نخواهد بود. زیرا حضور هر نوع از گونگ یا انرژی، الکتریسیته حمل می‌کند، و باعث آشکار شدن واکنش‌هایی در بدن شما خواهد شد. گونگ بسیار قوی است و شما هنوز یک بدن انسانی دارید. اگر فقط اندکی درون بدن حرکت کند، بدن بشری شما البته احساس ناراحتی خواهد کرد. وقتی که تزکیه را به اتمام رساندید آن حس‌ها را نخواهید داشت. وقتی بعضی از افراد در هوا پرواز می‌کنند حالت‌های معینی

در هوا دارند. همه را ندیده بگیرید، همه آنها چیزهای خوب هستند. هر چه بیشتر بترسید، بیشتر احتمال دارد که آن چیزها به دفعات برای تان رخ دهد، زیرا داشتن وابستگی به ترس برای شما اشتباه است.

**پرسش:** برای خودمان زندگی داشتن ولی همزمان فارغ از خود بودن و نوع دوستی - این را باید چگونه بفهمیم؟

**معلم:** درباره آن فکر کنید: یک شخص حیاتی است که در یک سطح مجزا هستی دارد، و اگر شما ایثارگری و نوع دوستی را تا نقطه‌ای در نظر بگیرید که حتی نخواهید خودتان را تزکیه کنید و دیگر در حال بازگشت به خود واقعی اصلی تان نباشید، خب، آن صرفاً زیادی «خود را در نظر نگرفتن» است. چگونه توانستید آن را این گونه بفهمید؟ آیا تزکیه شما برای خودتان نیست؟ هر چند، در مدت دوره تزکیه، شما خودتان را تزکیه می کنید که بیشتر و بیشتر مهربان شوید، تا حدی که هر زمان درباره چیزی فکر می کنید به دیگران فکر کنید، بدین سان تبدیل شدن به موجودی فارغ از خود، موفقیت آمیز بوده است. تزکیه درباره این است که خودتان را تزکیه کنید: شما به کمال می رسید و همزمان موفق می شوید تبدیل به موجودی عالی شوید که به دیگران فکر می کند و می تواند برای دیگران فداکاری هایی کند. حیات های فردی باید همیشه وجود داشته باشند. اگر همه شما خودتان را تا مرحله ای تزکیه کنید که دیگر موجودیت های فردی خود را نداشته باشید، آیا آن می توانست مجاز باشد؟ پس مایلیم به شما بگوییم: می خواهید برگردید - خواست رسیدن به کمال را دارید - و بنابراین، فداکاری های تان برای شما شادی عظیمی را به ارمغان خواهد آورد. این آن چیزی است که توسط فداکاری ها بدست می آورید. بازگشتن به قلمرویی که بالاتر و باشکوه تر است - یعنی اشتیاق برای مهربانی و خواهان صعود کردن. بعضی افراد وووی<sup>۴</sup> را به معنای خود را نداشتن درک می کنند، خودی وجود نداشتن. حقیقت این است که اصلاً این طور نیست. جهان سطوحی دارد و، صراحتاً بگوییم، موجودات زنده سلسله مراتب دارند؛ آنها از مقام دستیابی و تقوای عظیمی ساخته می شوند که شما به واسطه تزکیه تصدیق کرده و کسب کرده اید.

**پرسش:** آیا خشکی در پاها به علت مقدار زیاد کارما است؟

**معلم:** قبلاً درباره این صحبت کرده ام. درد پای بعضی از افراد به علت کارما است، درحالی که برای بعضی ها، آنها احساس خشکی می کنند زیرا پاهای شان قبلاً هرگز به آن صورت خم نشده بودند. اینها وضعیت های فیزیکی بدن در سطح است. اما اعم از اینکه آن مربوط به مقدار زیاد کارما یا عوامل فیزیکی باشد، همه می توانند با پاهای ضربدر بنشینند. اما درمورد نداشتن هیچ احساس دردی نمونه های بسیار کمی مثل آن وجود دارد.

**پرسش:** هم اکنون صدمیلیون نفر در سراسر دنیا هستند که فا را بدست آورده اند. آیا انتشار فا هنوز به همان مهمی است که در گذشته بود؟

**معلم:** آیا شما واقعاً نسبت به اینکه کارهایی را برای انتشار دافا انجام دهید آنقدر بی میل هستید؟ همان طور که می دانید، شما در تزکیه نیکخواهی را پرورش می دهید، و وقتی مردم را در میان رنج و عذاب می بینید، می خواهید به آنها کمک کنید فا را کسب کنند. آن چیزی است که در تزکیه به تدریج باید داشته باشید. مهم نیست چه چیزی به دیگران بدهید، به خوبی این نیست که فا را به آنها بدهید. صرف نظر از اینکه چقدر چیزی که به دیگری می دهید خوب است، یا چقدر پول به او می دهید، فقط برای یک دوره زندگی یا یک لحظه خوشحال است. اما اگر به او فا را بدهید، زندگی او برای همیشه خوش خواهد بود. چه چیزی بهتر از فا می تواند باشد؟ (تشویق) بنابراین فکر می کنم که معرفی دافا به دیگران خودش انتشار دافا و عملی خوب است. ولی شما نباید آن را تحمیل کنید. اگر شخصی نمی خواهد یاد بگیرد و برای یاد گرفتن او را مجبور کنید، آنوقت آن خوب نیست. شما کاری را که می خواستید، انجام داده اید و به او امکان دادید که درباره فا بداند، و آن کافی است. اینکه او تزکیه را برگزیند یا نه مربوط به خود او است. بسیاری از افراد برای انتشار دافا بسیار کار کرده اند و زمان بسیار زیادی را گذاشته اند، و آن هرگز نمی توانست پوچ و بی معنی نامیده شود. زمانی که ازدست دادید در طی تزکیه برای شما به طور کامل جبران خواهد شد چون، بالاخره، شما در حال انجام دادن امور برای دافا و انجام عملی خوب هستید. البته، چیزی هست که از حالا به بعد باید به آن توجه کنید: سعی نکنید به



افراد فشار آورید. همین کافی است اگر به طریقی طبیعی بگذارید آنها دربارهٔ دافا بدانند. اگر دربارهٔ آن بدانند ولی نخواهند آن را یاد بگیرند، پس بگذارید باشد.

*پرسش: مقاله «معتدل و معقول باشید» می‌گوید که شخص باید کارمای فکری را از افکار نادرست عادی تشخیص دهد.*

**معلم:** درست است. برای افراد عادی تشخیص مزاحمت‌ها و مداخلاتی که از کارمای فکری ناشی می‌شوند آسان نیست. اگر یک تزکیه‌کننده کوشا نباشد و در پس افکار خود در جستجوی انگیزه‌های اساسی نباشد، تشخیص اینکه کدام به کدام است برایش مشکل خواهد بود. چرا بعضی افراد بدون آنکه قادر باشند کارمای فکری را از بین ببرند، برای مدتی طولانی ادامه می‌دهند؟ زیرا سعی نمی‌کنند که تشخیص دهند کدام یک افکار خودشان است. چرا از شما می‌خواهیم خودتان را تزکیه کنید؟ شما اول از همه باید افکار بد را از طریق تزکیه از بین ببرید. دلیل اینکه می‌توانید از آن چیزهای بد خلاص شوید این است که شما آنها را به مثابه خودتان تلقی نمی‌کنید. این فوق‌العاده مهم است. بخاطر اینکه آنها را به مثابه خودتان تلقی نمی‌کنید، می‌توانید آنها از بین ببرید. حقیقت این است که، آنها واقعاً شما نیستند. آنها عقاید گوناگون، یا حتی کارمای توسعه‌یافته از کارهایی هستند که پس از تولد انجام داده‌اید - آن چیزها هستند. اما مردم معمولاً آنها را به‌عنوان بخشی از خودشان می‌بینند: «من ذهن باهوشی دارم، و هیچ‌کسی نمی‌تواند از من سوءاستفاده کند. از هر جنبه‌ای بهتر از دیگران هستم.» آنها، آن چیزهای شکل‌گرفته بعد از تولد را به‌عنوان بخشی از خودشان می‌بینند یا حتی باور دارند آنها بهترین هستند. با خود شخص است که چه می‌خواهد، و فقط وقتی آن چیزها را نمی‌خواهید، می‌تواند برای شما از بین برده شود.

چرا نجات شخصی که بیمار روانی است سخت است؟ دقیقاً به این دلیل که او اصلاً نمی‌تواند چیزها را تشخیص دهد. برای شاگردان جدید تشخیص کارمای فکری و تشخیص دادن اینکه کدام افکار، خود او نیستند بسیار سخت است. اگر بتواند از عهدۀ آن برآید، او واقعاً برجسته است. می‌توانید دافا را برای قضاوت کردن بکار ببرید. در واقع، هیچ‌کدام از افکار بد، شما نیستند. اگر موفق به انجام آن شوید، آنها را تشخیص می‌دهید و می‌بینید: «اوه، این یک فکر خوب نیست و باید از بین برده شود. باید از شر آن خلاص شوم. این‌طور نباید فکر کنم.» این به خودی خود از بین بردن آن توسط شما است. آیا فکر می‌کنید آنهایی که کارهای بد انجام می‌دهند، مانند ارتکاب جنایات شنیع، یا حتی آنهایی که گرفتار اعمال همجنس‌بازی هستند، می‌خواهند به آن شکل امور را انجام دهند و برای انجام آن متولد شده‌اند؟ این به‌واسطهٔ رشد قوی و قوی‌تر عقاید اکتسابی غلط آنها است و عقایدشان واژگون شده‌اند و آنها را در کنترل گرفته‌اند. این‌گونه است که آنها به این شکل در می‌آیند.

*پرسش: موجودات روشن‌بینی که مردم را نجات می‌دهند معمولاً تاتاگاتاها هستند، ولی آنها با شروع از اصل سرچشمه ماده چگونه گونگ را برای تزکیه‌کنندگان تغییر شکل می‌دهند؟*

**معلم:** من هرگز چنین حرفی را نزده‌ام. من نگفتم که شاکيامونی آن را به این طریق انجام داد، گفتیم؟ فای یک تاتاگاتا نمی‌تواند با فای بزرگ (دافای) گیتی برابر گردد. در آینده، یک خدای معمولی قادر به انجام این نخواهد بود، و در گذشته نیز، هیچ خدایی به انجام آن قادر نبود. فایی که در گذشته برای نجات مردم بکار برده شد کوچک بود. نجات مردم با کمک تاتاگاتاهای دیگر یا حتی خدایان بالاتر انجام داده شد. آنها نیز لازم بود آسمانها را عبادت کنند و به خدایان بالاتر احترام بگذارند. شبیه آنچه مردم تصور می‌کنند نیست، که یک بودا تاتاگاتا در آسمان نفر اول است - این‌طور نیست. اگر فایی کوچک باشد، برای نجات فرد یک دورهٔ زندگی کافی نیست، و قبل از آنکه او بتواند واقعاً رها شود می‌بایست برای چندین دورهٔ زندگی نجات داده شود. اما دافا قادر به انجام آن [در یک دورهٔ زندگی] است. (تشویق) بدلیل آنکه این فای بزرگ گیتی است، که مافوق همه فاهای دیگر است. همهٔ فاهای دیگر چیزهایی از فای بزرگ گیتی هستند که موجودات روشن‌بین در تزکیه تصدیق می‌کنند و به آن روشن‌بین می‌شوند. نمی‌دانم که آیا شما این رابطه را به روشنی درک کرده‌اید. خواه هر موجود روشن‌بینی که مردم را نجات می‌دهد باشد یا هر تاتاگاتا، بودا، یا خدا در آسمانها باشد، صفات ویژهٔ بهشت‌های خودشان یا مقام‌های دستیابی که کسب کرده‌اند، همگی چیزهایی هستند که آنها از فای بزرگ گیتی تصدیق کردند و به آن روشن‌بین شدند. (تشویق) آنها چیزهایی نیستند که مستقیماً از فای

بزرگ گیتی کپی کرده‌اند، چون آنها قبلاً یک‌دوره هم مجاز نبودند درباره‌ی فای بزرگ گیتی بدانند. آنها فقط استاندارد در قلمروهای مختلف را که موجودات زنده در سطوح مختلف می‌بایست به آن پایبند باشند را دانستند و فقط آن را دانستند. این علت آن است که چرا آنها توانستند با ادراکات خودشان آنها را قبول کنند و روشن بین شوند و چگونه به آن استاندارد برسند. آنها چیزهایی هستند که آنان تصدیق کرده و به آن روشن بین شده‌اند. آنچه شاکيامونی قبول کرد و به آن روشن بین شد «احکام، تمرکز و خرد» نامیده می‌شود. آیا آن را واضح توضیح داده‌ام؟ (تسویق) آنها به فای بزرگ جهان و کمک خدایان بالاتر اعتماد کردند. آنها خودشان نمی‌توانند آن را انجام دهند.

بیشتر اینکه، بعضی تاتاگاتاها متفاوت هستند. برای مثال، بودا شاکيامونی آن‌طور که شما تصور می‌کنید - یک تاتاگاتای معمولی - نیست. در این قلمرو او یک تاتاگاتا است، در حالی که در حقیقت، او مقام‌هایی هم دارد که میکروسکوپی تر هستند و آن بوداهای دیگر درباره‌ی آن نمی‌دانند. سطح قلمرویی که او از آن آمد بسیار بالا است. او چهار عظیم را تصدیق کرد و به آنها روشن بین شد: «زمین، آب، آتش و باد.» بعضی از شما ممکن است این اصطلاح را در متون دیده باشید. آن سطح بسیار بالا است، بسیار فراتر از بدن‌های کیهانی که موجودات متوسط زندگی می‌کنند. این معنی را می‌دهد که او سطوح بسیار بالا را تصدیق کرد و به آنها روشن بین شد، نشان می‌دهد که جایی که او از آن آمد بسیار بالا است. ولی به هنگام آمدن به اینجا، فقط قدرت فای قلمروی تاتاگاتا را برای نجات مردم با خود به همراه آورد.

*پرسش: آیا یکی از دلایلی که جامعه بشری فاسد شده این است که سلولهای ملکولی بیشتر افراد عادی توسط موجودات فضایی تغییر کرده است؟*

**معلم:** حیات و مواد بدن انسان که مردم به آن اشاره می‌کنند - یعنی، ترکیب این بدن - همراه با انحراف ذهن می‌تواند رفتار و شیوه زندگی شخص را عوض کند، درحالی که شیوه زندگی نیز می‌تواند ترکیب ذرات در بدن انسان را تغییر دهد. اگر این نوع از انحراف منفعل باشد، انحرافی که توسط برخی انواع مخلوقات کنترل می‌شود، آنوقت برای انسانها کاملاً ترسناک است. آن شبیه این مسئله است که چرا انسان‌ها می‌توانند عقاید بعد از تولد را توسعه دهند و چرا آن عقاید می‌توانند به ترتیب انسان را کنترل کنند. اگر آنها را از بین نبرید، در این دوره زندگی بخشی از شما می‌شوند، و حتی ممکن است بخشی شوند که بر شما حکم برانند. به کلامی دیگر، این چارچوب فرهنگی که موجودات فضایی بر مردم روی زمین تحمیل کرده‌اند روش‌هایی را برای زندگی و درک کردن دنیای مادی شکل داده است؛ در حال حاضر این‌گونه شده است. بنابراین وقتی چنین چیزی را آماده دارند، آن نوع بدنی را که اشاره می‌کردم می‌تواند توسعه یابد. چگونه یک ماشین را می‌رانید؟ شما مجبورید روش‌های آنها را بکار ببرید. چگونه دستگاهی را می‌سازید؟ چیزهایی را که آنها بوجود آوردند را چگونه اداره می‌کنید؟ این مجموعه از چیزها در تمامی شیوه‌های زندگی بشر نفوذ کرده است. این نوع از بدن را توسعه داده است، این نوع از شیوه تفکر را شکل داده است، و این نوع از چیزها را توسعه داده است. دفعه قبل گفتم هر کسی از کامپیوتر استفاده می‌کند توسط موجودات فضایی با شماره‌ای فهرست شده است. این کاملاً حقیقت دارد. ولی شاگردان ما این مشکل را ندارند. من آن را برای آنها پاک کرده‌ام، به‌علاوه، موجودات فضایی در آخرین مراحل از بین برده شدن هستند. اما هنوز تعدادی وجود دارند که پنهان شده‌اند، ولی اکنون بندرت دیده شده‌اند، آنها سابقاً برای کنترل انسان‌ها در آن بعدها می‌شدند. من درباره‌ی ورای ماده پنهان می‌شدند. من درباره‌ی ورای ماده صحبت کرده‌ام، و آن جایی است که آنها پنهان می‌شوند، بنابراین یافتن آنها بسیار سخت بود. انسانها فکر می‌کنند که فقط مولکول‌های موجود ماده‌ای‌ترین هستند، درحالی که درواقع چیزهای بسیار ماده‌ای‌تر از مولکول‌ها وجود دارند. آنها برای کنترل کردن انسان‌ها در آن مکان‌ها پنهان می‌شوند. ما هم‌اکنون آن بعدها را تمام کرده‌ایم - چیزها در آن بعدها پاکسازی شده‌اند.

*پرسش: وقتی کسی فراتر از فای دنیای سه‌گانه می‌رود، آیا او هم‌اکنون به مقام دستیابی آرهاات نرسیده است؟ چرا فرد هنوز یک موجود ذی‌شعور است؟*

**معلم:** شما فا را به دقت نخوانده‌اید یا سعی نکردید آن را کامل درک کنید. بعضی افراد تزکیه می‌کنند ولی در آن موفق نمی‌شوند، و بنابراین صرفاً در هر سطحی در سه قلمرو که به آن رسیده‌اند می‌توانند زندگی کنند. مردم در آسمانها، مردم آسمانی، نیز در چشم انسان‌ها خدایان هستند. اگر فردی فراتر از سه قلمرو برود، اولین مقامی که دست می‌یابد آرہات است. وضعیت خاص دیگری وجود دارد، به این صورت که فرد تزکیه را ادامه نداده ولی به استاندارد بسیار خوبی رسیده است. ولی مقام دستیابی ندارد. احتمالاً او با یک بودا رابطهٔ تقدیری دارد یا با یکی از شما که در سالن نشستہ‌اید و در آینده در بودا شدن موفق خواهید شد رابطهٔ تقدیری دارد. این احتمال هست که یکی از موجودات ذی‌شعور در بهشت شما شود، یعنی یک شهروند در بهشت شما. در بهشت یک بودا فقط بوداها و بودی‌سات‌واها وجود ندارند. بلکه یک بهشت غنی است. بوداها لردهای فا هستند و مهربان هستند. وضعیت این است. اگر می‌خواهید طرز فکر بشری را بکار ببرید که سعی کنید چیزهایی در آسمان را درک کنید هرگز سر در نخواهید آورد. با سری پر از آن چیزها شما قادر به تزکیه نخواهید شد. بدن کیهانی به آن وسعت و پهناوری که درباره آن برای تان صحبت کردم فقط یک ذرۂ غبار است. پیچیدگی کیهان نمی‌تواند توصیف شود، خارج از کلام است. در زمین افرادی با رنگ پوست سفید، زرد و سیاه می‌بینید و تفاوت‌های مشخصی بین نژادها وجود دارد. گوناگونی نژادها در بدن‌های کیهانی بی‌شمار است - همه نوع از آنها وجود دارد - حتی کسانی با ترکیب چند رنگ وجود دارند. این معنی را می‌دهد که این جهان بی‌نهایت پیچیده است.

*پرسش: کارمای بشر بیشتر و بیشتر انباشته شده است، اما چرا عمر متوسط در حال افزایش یافتن است؟*

**معلم:** شاید متوجه شده‌اید که متوسط طول عمر برای افراد امروزی نسبت به مردم زمان‌های قدیم طولانی‌تر است. در حالی که دافا بطور گسترده‌ای در حال انتشار است، این اقبال بزرگی برای فرد است که در این دورۂ زمانی که دافا در حال انتشار است حیات می‌یابد. (تشویق) آنهایی که می‌خواهم نجات دهم، قطعاً به هر کدام فرصتی می‌دهم. در دورہ‌ای که دافا بطور گسترده‌ای در حال انتشار است، بازپیدایی یا مواجه شدن با این دافا آسان نیست. به مردم فرصتی داده شده است. ولی اینکه یک شخص تزکیه را برگزیند یا نه تصمیم خود او است. بسیاری از مناطق هستند که دافا در آنها منتشر نشده است، پس مردم مجبورند ایستادگی کنند و به زندگی ادامه دهند برای اینکه در مرحله‌ای فا را بشنوند، در آن زمان ذهن آنها امتحان خواهد شد که دیده شود چگونه عکس‌العمل نشان می‌دهند. به همین خاطر اینکه بگذارید مردم دربارهٔ فا بدانند اولویت اصلی است و حیاتی است. منظورم این است که وقتی فا را انتشار می‌دهید، باید بگذارید مردم دربارهٔ فا بدانند، ولی اینکه کسی بخواهد تزکیه کند یا نه امری مربوط به خود او است. بگذارید بگوییم در حالی که اینجا در این زندگی بازپیدا شدید، با فای بودا روبرو شدید و آن را شنیدید، ولی اهمیتی ندادید، در آن تزکیه نکردید و آن را مطالعه نکردید. آنوقت افسوس آن را خواهید خورد! سؤالی که درست هم‌اکنون پرسیدید این بود که چرا کارما بسیار زیاد است ولی زندگی کوتاه نشده و در عوض طولانی‌تر شده است. علت آن این است.

*پرسش: آیا برای شاگردان قدیمی درست است که مجسمه‌های گوان‌یین و سایرین را اگر با عکس استاد تبرک شده‌اند، هنوز در خانه‌های خود نگه دارند؟*

**معلم:** نگه‌داشتن آنها مسئله‌ای نیست، چون آنها خدایان بزرگی هستند. اگر آنها روند تبرک را طی کرده‌اند نگه‌داری آنها اشکالی ندارد، و اگر آنها را آنجا بگذارید، اشکالی ندارد. ولی شما در قلب‌تان باید بدانید در چه روشی تزکیه می‌کنید. در قلب‌تان باید بدانید به چه کسی باید احترام بگذارید.

*پرسش: آیا صحیح است که فکر کنیم ما همگی در بدن استاد در حال زندگی کردن هستیم؟*

**معلم:** می‌توانید آن را به این طریق درک کنید. (تشویق) در واقع، می‌توانم به شما بگویم که در طول تزکیه شخص، بدن او پیوسته از لحاظ حجم افزایش می‌یابد. بعد از آنکه شخص به این بعد می‌افتد، برای آن که برگردد، با تزکیه برگردد، لازم است

بدنش تغییر کند. برای اینکه از ریزکیهانی‌ترین سطح شروع به تغییر کند، باید استاندارد سطح ریزکیهانی جهان را برآورده سازد و به منتها درجه ریزکیهان برگردد. در آن صورت، حجم بدن او مجبور است مطابق با وضع اصلی در آن بعد باشد. بنابراین بزرگ خواهد شد. هر چه ریزکیهانی‌تر باشد، حجم بزرگتر است. هر تزکیه‌کننده‌ای از میان این نوع تغییر خواهد گذشت. هر چند افراد عادی، قادر به دیدن شما نخواهند بود. آنها مجاز نیستند آن را ببینند. بسیاری از شاگردان دیده‌اند که بدن‌های پشت بدن استاد بی‌شمار هستند، لایه‌ای بر روی لایه دیگر، و اینکه هر لایه از لایه قبلی بزرگ‌تر است. بعضی آنقدر بزرگ هستند که انتهای آنها نمی‌تواند دیده شود و همه چیز دربرگرفته شده است. اگر زمین دربرگرفته شده باشد... آیا شما در این مکانی که زمین است نیستید؟ منظور این است. (تشویق)

پرسش: از آنجا که ما روح اصلی را تزکیه می‌کنیم، چرا بعضی وقت‌ها هرچیزی در اطراف ما بسیار غریب و غیرآشنا به نظر می‌آید؟

معلم: درباره این احساس، بله، وضعیت‌های شبیه آن وجود دارند. اگر بخش معینی از ذهن شما از میان پاکسازی گذشته باشد یا شیوه‌های تفکرتان تغییر کرده باشد، شبیه چیزی که توصیف کردید را می‌تواند ایجاد کند. مهم نیست چه باشد، اگر بدانید که شما هنوز اینجا هستید و این شخص شما هستید، آنوقت مسئله‌ای نیست.

پرسش: احساس می‌کنم که جوآن فالون چیزها را از قبل به‌طور واضح توضیح داده است. احتیاجی نیست که با دیگران وارد بحث شد و تبادل تجربه کرد.

استاد: آنوقت، این حالت خود شما در تزکیه است. چیزی مثل آن نمی‌تواند به زور بر دیگران تحمیل شود. به هر حال، نمی‌توانم بگویم در اشتباه هستید، چون هر شخص حالت‌های مختلف دارد. همچنین، این واقعیت وجود دارد که در تمام مدت شاگردان جدید وارد می‌شوند، پس شما باید قطعه‌ای زمین پاک داشته باشید.

پرسش: آیا می‌توان گفت که هر چه کسی عمیق‌تر به میان مردم عادی سقوط کند، اگر بتواند برگردد، وقتی در تزکیه موفق شود قدرت تقوای بزرگتری دارد؟

معلم: نه، آن‌طور نیست. شخص هر چه عمیق‌تر سقوط کند، امید کمتری برای او وجود دارد. اگر بخاطر گسترش وسیع دافا نبود همه چیز تمام می‌شد.

پرسش: چرا در تزکیه مذهبی، موضوع از بین بردن کارما برای شاگردان توسط استاد، هرگز به روشنی تصریح نشده است؟

معلم: «چرایی» وجود ندارد. چرا چیزهایی که عیسی آموزش داد با آنچه شاکيامونی آموزش داد متفاوت است؟ چرا همه باید مثل هم باشند؟ شاکيامونی درباره موضوع از بین بردن کارما صحبت کرد؛ این‌طور نیست که او درباره آن صحبت نکرد. از بین بردن کارما در بودیسم معاصر نیز بحث شده است. شاکيامونی در مدت چهل و نه سال آموزش فای خود درباره بسیاری از چیزها صحبت کرد. آن چیزهایی که مردم درک نکردند، منتقل نشد. نسل‌های بعد بخش‌هایی را انتخاب کردند که با قالب‌های ذهنی‌شان جور در می‌آمد. درست مثل شاگردانی که فا را به‌طور گزینشی می‌خوانند - «احساس می‌کنم این سخنرانی خوب است، پس فقط این بخش را می‌خوانم.» آنها فقط آن بخش را فهمیدند، پس وارث آن شدند و آن را منتقل کردند. آنچه را که نمی‌توانستند درک کنند یا آنچه موافق با عقاید آنها نبود انتقال داده نشد. وقتی که در آن زمان شاکيامونی در حال اشاعه فای خود بود، هیچ چیزی نوشته نشده بود. فقط پانصد سال بعد بود که جمع‌آوری کلمات شاکيامونی شروع شد. به‌طور کلی چه مقدار اشتباهات در طی آن پانصد سال انتقال رخ داد؟! بودیسم درباره از بین بردن کارما صحبت کرد، فقط اینکه شما درباره آن نمی‌دانید. عیسی بر صلیب به میخ کشیده شد. آیا مسیحیان نمی‌گویند که عیسی گناهان مردم را به دوش کشید؟

پرسش: اصطلاح «هم‌تزکیه‌کننده» اغلب توسط بعضی از شاگردان وقتی شاگردان دیگر خطاب می‌کنند بکار برده می‌شود. از آنجا که معلم هرگز این کلمه را ذکر نکرده‌اند، احساس می‌کنم آن مناسب نیست. چنین رسم‌هایی در بودیسم وجود دارند.

**معلم:** این کلمه‌ای است که توسط مردم این دنیا اختراع شد و چیزی منحصر به بودیسم نیست؛ این اصطلاحی خاص نیست. در واقع اصطلاح خاص دقیقاً «هم‌تزکیه‌کننده» نیست. اما اصطلاح دیگری هست که افراد بعداً، طی این چند سال درست کرده‌اند. راجع به اینکه ما چه اصطلاحی را باید بکار ببریم، زیاد مهم نیست. دافا تا آنجایی که شکل ظاهری مطرح است توجه خاصی ندارد. شما باید در حالی که تزکیه می‌کنید با مردم عادی تا بیشترین حد موافق و سازگار باشید. افرادی بودند که سابقاً از من دربارهٔ اینکه چگونه یکدیگر را خطاب کنند سؤال می‌کردند. به آنها می‌گفتم اشکالی ندارد اگر شما همدیگر را فلان و بهمان خطاب کنید. اگر ما بعضی اصطلاحات خاص را تصریح می‌کردیم، سایرین واقعاً فکر می‌کردند که ما مؤسسه‌ای مذهبی هستیم. وقتی با مردم عادی سر و کار داریم بهتر است بتوانیم در این مورد کمی انعطاف‌پذیرتر باشیم.

پرسش: ما چگونه باید به مسئله «بشر خودش را مهر و موم می‌کند» نگاه کنیم؟

**معلم:** این موضوعی وسیع و کلی است، موضوعی که به هر طریقی شامل حال انسان می‌شود. بگذارید برای شما ساده‌ترین مثال را ارائه کنم. بطور مثال، دربارهٔ قوانین امروزه صحبت کنیم. می‌دانید که در زمان‌های باستان قوانینی وجود نداشت. چون قلب مردم همگی نسبتاً مهربان بود، لزومی نداشت که با قوانین زیاد، مردم را سر و سامان داد. خودشان می‌دانستند چگونه خود را اداره کنند و خوب رفتار کنند. امروزه قلب مردم خوب نیست و فاسد شده است، و به همین خاطر است که قوانین بسیاری برای اداره مردم وضع شده‌اند. انسان‌ها به همان شیوه‌ای که حیوانات کنترل می‌شوند، اداره می‌شوند. یک قفس غیرملموس است. اما مردم همچنان بازهم بیشتر فاسد شده‌اند، و قوانین بازهم به‌طور مداوم ایجاد می‌شوند. این وضع کردن قانون عاقبت تا چه حد پیش خواهد رفت؟ قوانین آنقدر زیاد شده‌اند که مردم حتی نمی‌دانند که چه موقع مرتکب جنایت و خلاف شده‌اند زیرا آنقدر زیاد هستند که در خاطر نمی‌مانند. عاقبت حتی چنین می‌شود که شما هرگاه ماهیچه‌ای را به حرکت درآورید یا به محض آنکه از خانه‌تان خارج شوید قانون را نقض کرده‌اید. آیا تا به آن حد توسعه نیافته است؟ بشر بدون هیچ پایانی در حال مهر و موم کردن خود است. آنها خودشان را نه تنها از لحاظ قوانین مهر و موم کرده‌اند بلکه همچنین از هر جنبه‌ای در هر چیزی. عاقبت انسان‌ها آنقدر مهر و موم می‌شوند که هیچ راهی برای خارج شدن ندارند، و قوانینی که مردم وضع کرده‌اند برمی‌گردد و شروع به مجازات مردم می‌کند. افرادی که قوانین را وضع می‌کنند همگی قصد کیفر دیگران را دارند زیرا، با قلب یک فرد عادی، آنها آن طور که دیگران هستند را دوست ندارند و می‌خواهند از روی حسادت دیگران را تنبیه کنند. به این واقعیت فکر نکردند که آنها نیز بخشی از مردم هستند و قانون شامل آنها هم می‌شود. عاقبت مردم آنقدر مهر و موم می‌شوند که هیچ جایی برای نفس کشیدن ندارند، که در آن زمان دیگر هیچ چاره‌ای ندارند. وقتی که به آن مرحله برسد، مردم چگونه می‌توانند هنوز زندگی کنند؟ پس، آنچه مشکلات اساسی انسان‌ها را حل می‌کند قوانین نیستند بلکه قلب مردم است. (تشیوئی)

هر کشوری بوسیله آن آشوب و بی‌ثباتی که جوامع‌شان با آنها روبرو هستند، عاجز شده‌اند، مثل امنیت عمومی و امثال آن، و هیچ راه‌حل خوبی وجود ندارد. آنها می‌خواهند آن چیزها را با وضع کردن قوانینی که پدیده‌های بد را هدف قرار می‌دهد تحت کنترل بگیرند. چنین قوانینی بیشتر و بیشتر وضع می‌شوند. ولی آنهایی که اعمال بد انجام می‌دهند وقتی توسط قوانین زیرنظر نیستند بازهم آنها را انجام می‌دهند. در واقع، هیچ‌کسی علت اساسی را پیدا نکرده است، که این قلب مردم است که باید اهلی گردد و قلب مردم لازم است مشتاق مهربانی باشد. وقتی که قلب مردم خوب شود، دیگر به قوانین بسیار زیاد احتیاج نخواهد بود. اگر چه پلیسی نباشد، مردم کاری خلاف قانون انجام نمی‌دهند. اگر هر فردی خودش را از انجام عمل بد بازدارد، به پلیس احتیاجی نیست. تصور کنید آن چه نوع جامعه‌ای خواهد شد. آیا این‌طور نیست؟ در ضمن، اگر پلیس‌های خیلی زیادی باشد که در آینده هر فرد توسط یک نفر زیرنظر گرفته شود، اگر قلب مردم خوب نباشد باز هم کار بد انجام می‌دهند. پلیس نیز انسان است، و پلیس‌هایی هستند که اعمال بد انجام می‌دهند. آنوقت چکار می‌کنید؟ قضات نیز مردم عادی هستند، پس وقتی قضاتی هم وجود دارند که اعمال بد انجام می‌دهند چه کسی هست که مانع شود؟

منظورم این است که راه حل مشکلات اساسی مردم در وضع کردن تعدادی قوانین و مقررات مشخص نهفته نیست، یا اینکه چگونه مردم را محدود، مهار یا کنترل کرد. آن دربارهٔ این است که چگونه مهربانی را در قلب مردم بیدار کرد و جامعه بشری را به راستی اصیل و باشکوه کرد. هیچ مهار بیرونی که بر مردم تحمیل شود نمی‌تواند جلوی قلب آنان را بگیرد. به کلامی دیگر، آن اقدامات نمی‌توانند علت ریشه‌ای و اساسی را حل کنند.

من همه چیز را دربارهٔ بشر می‌دانم. البته گرچه از این چیزها پرده برداشتم، اما نمی‌خواهم در حال حاضر دربارهٔ بشر کاری انجام دهم و کاری با آنها نخواهم داشت. در امور سیاسی هم مداخله نمی‌کنم. در مورد آنچه مردم به عنوان «سیاست» اشاره می‌کنند، من به کلی آن را دوست ندارم، و نمی‌خواهم دربارهٔ آن بشنوم یا دربارهٔ آن جويا شوم. ولی می‌توانم به وضوح همه چیز را دربارهٔ بشر توضیح دهم، و در حال حاضر فقط در مورد شاگردان تزکیه‌کننده‌ام مسئول هستم. به هر حال بعد از آن که افراد بیشتری در تزکیه بخوبی عمل کنند، این قدرت راستین نیرومند جامعه را به طرقي تغییر خواهد داد. قطعاً مردم مشتاق به مهربانی خواهند شد و جامعه ثبات خواهد یافت. ولی این چیزی نیست که من قصد انجام آن را دارم. این نتیجه انتشار دافا است.

**پرسش:** معلم، گفتید که شما تنها شخصی هستید که فالون گونگ را در این دنیا انتقال می‌دهید و هیچ فرد دیگری جرأت ندارد برای آموزش به اینجا پایین بیاید.

**معلم:** درست است. من واقعاً... بهشت فالون هستم. بهشت فالون توسط من آفریده شد. (تشویق) من تنها شخصی هستم که دافا را انتقال می‌دهد، و درواقع هیچ فرد دیگری وجود ندارد [که بتواند آن را انجام دهد]. مفهومی که شما تصور کرده‌اید وجود ندارد.

**پرسش:** ما اغلب احساس می‌کنیم که می‌توانیم متوجه شویم فکری اشتباه است به محض آنکه بوجود می‌آید.

**معلم:** این خوب است. اگرچه خودآگاه اصلی‌تان به قوت یک موجود روشن‌بین نیست، اما هر زمان یک فکر اشتباه سر بزند می‌توانید آن را بگیرید و می‌دانید که اشتباه است. آن به این خاطر است که بخشی از ذهن‌تان که تزکیه را کامل کرده در حال حاضر بسیار قوی است، پس نقش خود را ایفا می‌کند. به محض آن که افکار بد سربرمی‌آورند، آگاه هستید، و بنابراین آنها به چنگ آورده می‌شوند.

**پرسش:** لوتوس (نیلوفر آبی) مظهر چیست؟ آیا دلالت بر بیرون آمدن تزکیه‌کننده از کثیفی می‌کند بدون آنکه آلوده شده باشد؟

**معلم:** گل لوتوس<sup>۵</sup> در بُعد بشری آفریده نشده است. مردم فکر می‌کنند که گل نیلوفر آبی شبیه گل لوتوس است، ولی آن لوتوس نیست. گل لوتوس در دنیای بوداها آفریده شده است. در دنیای بوداها گل لوتوس یک گل در نظر گرفته نمی‌شود، بلکه بیشتر، مقام دستیابی و تقوای عظیم یک بودا است. گل لوتوس به مفهوم گلی که انسان‌ها درک می‌کنند نیست، هر چند که می‌تواند به گل تشبیه شود. این روزها گل نیلوفر آبی در بودیسم به‌عنوان مظهر تقدس و خلوص به کار برده می‌شود - از لجن پدیدار می‌شود بدون آنکه آلوده شود. در لجن رشد می‌کند ولی لکه دار نمی‌شود، و بسیار پاکیزه، مقدس و خالص باقی می‌ماند. به‌عنوان استعاره به کار برده می‌شود، اما قطعاً گل لوتوس بوداها نیست.

**پرسش:** در مدت دورهٔ تزکیه، چگونه می‌توانیم پیشرفت و نفوذ در سطوح را تجربه کنیم؟ من اغلب برگشت حالت‌های اولیه را تجربه می‌کنم.

**معلم:** همهٔ آن طبیعی است. پس آیا فکر می‌کنید می‌بایست هر سطحی که در تزکیه به آن رسیده‌اید را بتوانید حس کنید؟ این غیرممکن است. چطور بگوییم... افراد زیادی وجود دارند. و به‌علاوه، اینکه به تک تک افراد جزئیات وضعیت‌شان را بگوییم، اولاً

غیرممکن است و ثانیاً شما به خاطر این، به آن چیزهای ملموس وابسته می‌شوید، و نباید توجه خود را بر آن متمرکز کنید. به‌عنوان مریدان دافا خودتان را بر طبق دافا ترکیه کنید و تنها این طریق، سریع‌ترین است.

پرسش: آیا شخصیت فرد به کیفیت مادرزادی او مربوط می‌شود؟

**معلم:** اگر آن خصیصه فردی شما باشد که بعد از تولد شکل گرفته، آن شخصیت شما نیست بلکه وابستگی‌های شما است، و آنها بعد از تولد شکل می‌گیرند. اگر، فرض کنید بعضی افراد واقعاً ویژگی‌های خودشان را داشته باشند- این فرد سریع عمل می‌کند درحالی‌که دیگری صرفاً بسیار کند است- یا اگر تفاوت‌هایی بین آنها از لحاظ ویژگی‌های ذاتی‌شان باشد، آنوقت این چیزی است که به منشاء آنها تعلق دارد. آنچه بعد از تولد شکل می‌گیرد چیزهایی مانند، برای مثال، افکاری که رواج دارند «من آن را صرفاً این‌گونه دوست دارم»، «من صرفاً این‌گونه هستم»، «من دوست دارم آن را به این شیوه انجام دهم» یا «من آن را درست این‌طور انجام می‌دهم» که وقتی امور معینی را انجام می‌دهید آشکار می‌شوند. اشتباه است که این وابستگی‌ها، این خصیصه‌های فردی را ویژگی‌های یا شخصیت خودتان تلقی کنید. تمام این چیزها باید از بین برده شوند.

پرسش: چگونه باید مفاهیم «جهان»، «بدن کیهانی» و «مکان‌زمان» را درک کنیم؟

**معلم:** بحث مفاهیم جهان، بدن کیهانی و مکان‌زمان لازم است از این سه کلمه شروع شود. به این خاطر که، زبان بشری بسیار محدود است. مردم معمولاً اعتقاد دارند که آنچه چشم‌ها می‌توانند ببینند و آنچه مردم می‌توانند تصور کنند جهان است. من دربارهٔ بسیاری از سطوح جهان و مفهوم بسیاری از سطوح جهان صحبت کرده‌ام، و حتی بیشتر ادامه دهیم، باز هم سطوحی فراتر از مفهوم جهان وجود دارد. من آنها را بدن‌های کیهانی می‌نامم. این اصطلاح و درک مفهومی است که برای شما توضیح داده‌ام، و آنچه که انسان‌ها از «بدن کیهانی» در نظر دارند با آنچه که بحث کردم متفاوت است. بنابراین بعدها متفاوتی در جهان‌های مختلف درون بدن کیهانی وجود دارند، و بعدها متفاوت قطعاً زمان‌های خودشان را دارند. آنها زمان‌مکان‌شان هستند. بعدها که در زمان‌های متفاوت وجود دارند زمان‌مکان متفاوت نامیده می‌شوند. از لحاظ ظاهری این مفهوم این‌طور درک می‌شود.

پرسش: انتشار وسیع دافا در جامعه تجلی دوباره قوانین جهان در دنیای بشری است. آیا درست است آن را این‌گونه فهمید؟

**معلم:** بله، ولی کاملاً درست نیست. به این خاطر که یک چنین فای وسیعی در حال متجلی شدن دوباره در دنیای بشری نیست: از زمانی که آسمان‌ها و زمین وجود داشته است، هرگز، این رخ نداده است- این برای اولین بار در کل خلقت است. (تشویق)

پرسش: آمریکایی‌ها درست از زمانی که یاد گرفتن تمرین را شروع کرده‌اند، آرزو دارند که تعالیم در نوار موسیقی [تمرین] ترجمه انگلیسی همزمان می‌داشت.

**معلم:** کار ترجمه در راه است. ولی، فکر می‌کنم اضافه کردن ترجمه آموزش‌ها در نوار [موسیقی] تمرین زیاد خوب نیست. درست مثل کلمه «بودا»: غربی‌ها از اینکه آن کلمه به چه معنا است هیچ تصویری نداشتند، ولی حالا همه می‌دانند. یعنی چیزهای معینی نمی‌توانند به ترجمه درآیند، اگرچه توضیحات در نوار تمرین‌ها می‌تواند ترجمه شود. اصطلاحاتی مثل جیه‌یین و هه‌شی وقتی که آنها را ترجمه می‌کنید کاملاً همان نخواهد بود. آنها مفاهیم اصلی خود را از دست خواهند داد. پس آن اصطلاحات نمی‌توانند ترجمه شوند.

پرسش: ما چگونه می‌توانیم به کسانی که مداخلات شیطانی ناشی از افکار خودشان را دارند، کمک کنیم که مسیر ترکیه را ادامه دهند؟

**معلم:** قبل از هر چیز، نمی‌توانم بگویم که آنها شاگردان خوبی هستند، زیرا شاگردی که در تزکیه به خوبی عمل کرده است هرگز این مشکل را نخواهد داشت. ذهن او آنقدر در دافا مستحکم است، محکم مثل صخره، که اهریمنان به محض دیدن او از ترس به لرزه خواهند افتاد، چه برسد به اینکه مزاحم او شوند. (تشویق) اینکه بخواهند به او دست بزنند مثل پرتاب کردن تخم‌مرغ بر روی یک صخره است و آنها به‌هیچ‌وجه جرأت ندارند به او دست بزنند. از این‌رو آن به‌خاطر این است که این افراد هنوز در ذهن خود مسئله دارند، و مخصوصاً وقتی اینطور است که موجوداتی خارجی هستند که از وابستگی‌های آنها سوءاستفاده می‌کنند تا از طریق فریب با آنها مداخله کنند. صد در صد به واسطه اینکه آنها هنوز چیزهایی از گذشته دارند که رها نکرده‌اند - اگر به دلیل پشت آن نگاه می‌کردید [این آن چیزی است که پیدا می‌کردید]. اگر آنها به دنبال آن چیز نبودند، قطعاً جرأت نمی‌کرد بیاید. بدون توجه به اینکه موجودات زنده در جهان قبلی باشند یا تمام موجودات زنده‌ای که هم‌اکنون اصلاح شده‌اند، همگی آنها در حال تماشا کردن هستند. فقط به دلیل اینکه ذهن تان پارسا نیست آن چیزهای اهریمنی را به خود جذب می‌کنید. اگر ذهن شما درست باشد، هیچکس جرأت نخواهد کرد که بیاید. و حتی اگر واقعاً می‌توانستند بیایند، خدایان اجازه نمی‌دادند. درباره‌ی اینکه چگونه آن فرد را اصلاح کرد، کمک کنید آن را درک کند؛ برای او تنها راه این است که وابستگی‌هایش را رها کرده و فا را بیشتر مطالعه کند. همین که مداخله شیطانی ناشی از ذهن خود شخص توسعه یابد، برای شخص بسیار مشکل است خودش مستقلاً به امور آگاه شود. هر چه بیشتر دیگران با او درباره‌ی آن صحبت کنند، بیشتر ذهن او مشغول می‌شود؛ فقط نمی‌خواهد درک کند. وقتی مورد این باشد هیچ چاره‌ای وجود ندارد، پس او را رها کنید. بنابراین هیچ‌کسی نباید دیگر دلواپس او باشد. شنونده حرف‌های او نباشید، طوری عمل کنید که انگار وجود ندارد. شاید پس از اینکه به تدریج دریابد آن بی‌معنی است آرام بگیرد. ولی آنهايي که به فا صدمه زیادی زده‌اند هرگز فرصت دیگری که فا را کسب کنند نخواهند داشت، و بیشتر اینکه، در آینده مجبورند برای گناهانشان جبران کنند. تقصیر خودشان است - به خاطر کمبود نیکخواهی ما به آنها نیست. من مرتباً این جنبه از فا را مورد بحث قرار داده‌ام.

*پرسش: به خوبی متوجه هستم که پیوسته در حال چیره شدن بر امتحانات سخت هستم، اما هیچ‌وقت تغییرات خاصی را در بدن احساس نکرده‌ام.*

**معلم:** بسیاری از شاگردان ما سختی‌های زیادی را تحمل کرده‌اند؛ فداکاری‌ها و سختی‌هایی که آنها تحمل کرده‌اند واقعاً بیشتر از سختی‌های دیگران است. دو دلیل پشت آن است. یکی این است که کارمایی که آنها در گذشته ایجاد کرده‌اند واقعاً عظیم است، یا اعمال بدی که انجام داده‌اند بدتر از معمول بوده است. ممکن است بگویید که الان، در این زندگی، شما درباره‌ی آن چیزی نمی‌دانید و اینکه آن را بازپرداخت نخواهید کرد، اما این چگونه می‌تواند مجاز باشد؟ شما در دافا تزکیه کرده‌اید، پس من از شما مواظبت خواهم کرد. من همچنین مجبورم که شما را وادارم در تزکیه پیشرفت کنید و بگذارم به کمال دست یابید. ولی در عین حال، نمی‌توانم به شما بگویم که زمانی آن نوع از اعمال را انجام دادید. اما شما هنوز درباره‌ی اینکه چرا اینطور و آنطور است از من می‌پرسید. (البته به آن شاگردی که این پرسش را مطرح کرد اشاره نمی‌کنم. فقط در حال ارائه مثالی برای توضیح این مسائل هستم.) پس فکر می‌کنید چه کاری می‌تواند انجام شود؟ وقتی می‌بینم که شما در حال تحمل سختی‌ها هستید و رنج می‌برید، واقعاً درباره‌ی شما نگران می‌شوم. ولی بطور نسبی بگوییم، آنچه از بین برده شده است هم‌اکنون بسیار قابل توجه است. آنچه استاد برای شما از بین برده و برای شما تحمل کرده است هم‌اکنون بسیار عظیم است؛ برداشتن اندکی بیشتر از آن فایده‌ای نخواهد داشت یا مجاز نیست. پس چه باید کرد؟ شما برای آنچه که باقی مانده است مجبورید یک مقدار رنج بیشتری را تحمل کنید.

حالت دیگر این است که بعضی از افراد فقط به مسائل خود چسبیده‌اند و رها نمی‌کنند. شما صرفاً آن را رها نمی‌کنید، و آن به‌قدری عمیقاً پنهان شده است که حتی وقتی متوجه آن شده‌اید هنوز نمی‌خواهید آن را رها کنید. به محض اینکه موفق به پیدا کردن چیزی می‌شوید بلافاصله از آن طفره می‌روید و نمی‌خواهید کمی بیشتر فکر کنید. زیرا نمی‌خواهید آن را رها کنید - شما نمی‌خواهید آن را رها کنید ولی هنوز می‌خواهید تزکیه کنید، و من می‌بینم که شما خصوصیات خوبی دارید و قادر به تزکیه



هستید- پس باید کاری کنم که بفهمید. وقتی که همیشه در آن حالت وجودی گرفتار می‌مانید، امتحانات سختی که می‌گذرانید سنگین‌تر می‌شوند. پس چه کار [دیگری] می‌توان انجام داد؟ هیچ راه دیگری نیست. پس این یک حالت است، که امتحانات سخت توسط خود شخص تحمیل شده‌اند.

همچنین درحالی که تزکیه می‌کنید تغییرات در بدن را هر کسی به همان چشمگیری سایرین تجربه نمی‌کند. بعضی افراد وجود دارند که صرفاً هیچ چیز قابل ملاحظه‌ای را احساس نمی‌کنند. هر چه باشد آنها، صرفاً هیچ چیز را احساس نمی‌کنند. مواردی شبیه این بوده است. بگذارید این‌گونه بگوییم: صرف‌نظر از اینکه چه تغییر عظیمی در ریزکیهانی‌ترین بخش داشته‌اید- حتی تغییری که زمین و آسمان را زیر و رو می‌کند- بدن شما در سطح توسط زندگی بعد از تولدتان بی‌حس و کرخت شده و هیچ چیزی را حس نمی‌کند. مواردی مثل آن نیز وجود دارند. اما بدون توجه به اینکه چطور بدن شما در سطح فاسد شده است و چیزی را حس نمی‌کند، تزکیه شما تحت تأثیر قرار نخواهد گرفت، و پیشرفت شما آهسته‌تر از دیگران نخواهد بود. وقتی که سرانجام به کمال دست یابید، موانع در سطح چیزی نخواهد بود. به محض اینکه گونگ شما اثر می‌گذارد همه چیز در یک لحظه به انجام می‌رسد. ولی آن [تغییرات بعد از تولد در بدن شما] درواقع ممکن است شما را غیرحساس سازد.

پرسش: معلم دربارهٔ جامعهٔ انحراف یافته و انسان‌های منحرف شده صحبت کردند. ممکن است لطفاً دربارهٔ آن برای مریدان بیشتر توضیح دهید؟

**استاد:** می‌دانید چه مردم از شرق باشند چه از غرب، در زمان‌های قدیم طرز فکر مردم، رفتار و شکل جامعه‌شان کاملاً متفاوت از امروز بود. تمام خدایان آن را به‌عنوان روش زندگی انسان در نظر می‌گرفتند. ولی آن نیز روندی از پیشرفت را داشت. می‌دانید که چین سلسله‌های بسیاری را از سرگذرانده است. حتی با اینکه سبک‌های لباس تغییر کرد و در هر سلسله متفاوت بود، عقاید مردم، افکارشان دربارهٔ اینکه چگونه مثل انسان زندگی کرد، و هرآنچه در جامعه انجام دادند واقعاً نحوه زندگی یک انسان بود. در مورد امروز چه؟ این جامعه به‌نظر بسیار پیشرفته می‌آید، ولی آن تماماً حاصل علم امروز بوده است.

پس چرا خدایان اجازه داده‌اند جامعهٔ بشری منحرف شود؟ به محض اینکه این سؤال مطرح می‌شود یک سلسله از موضوعات را شامل می‌شود، بنابراین ترجیح می‌دهم درباره آن بحث نکنم. ولی می‌توانم مروری کلی و مختصر در چند جمله به شما ارائه بدهم. یعنی، نیروهای کهن در این جهان هستند. این نیروهای قدیمی، اهریمنان نیستند: آنها موجوداتی هستند که بعد از اینکه چیزها در طی دوره‌ای طولانی از فا منحرف شدند، ایجاد شدند. آنها هیچ تصویری از آنکه جهان فاسد شده نداشتند. علت اینکه اصلاح فا کند می‌شود دقیقاً این نوع از موجود است که، به‌خاطر اینکه هر آنچه از نوع خودش را محافظت کند، مانع موجودات زنده می‌شود تا فا را کسب کنند، و نیرویی فوق‌العاده اهریمنی را شکل داده است. ولی آنها اهریمن نیستند، هر چند آنها اموری را انجام می‌دهند که شیاطین حتی به‌طور جزئی هم نمی‌توانستند هوس انجام آن را داشته باشند. آنها ریاکارانه وانمود کردند که مراقب رفاه و خیر مردم بودند، ولی آسیب‌شان واقعی است. ظاهری که دارند ظاهر خدایان است، درحالی‌که درواقع موجودات نیکخواهی نیستند. این نیروها در طول دورهٔ اشاعهٔ این دافا امروزه توسط من به‌طور جدی تأثیری ممانعت‌کننده داشتند. به محض آنکه گونگ من به آنها می‌رسد، درواقع هیچ می‌شوند. به محض آن که آنها این را می‌فهمند، درمی‌یابند که خودشان در میان نابودی کامل هستند، و هیچ کدام از آنها از تقدیر نابودی کامل توسط اصلاح فا نمی‌توانند بگریزند. در طی این تعهد، روند این است. به‌هرحال، همین که این موضوع مطرح می‌شود چیز عظیمی را دربر می‌گیرد، موضوعات صرفاً عظیم هستند. این را طور دیگری مطرح کنیم، این نیروهای کهن برای زمانی طولانی وجود داشته‌اند، و بدین ترتیب آنها باور ندارند که موجودات زنده از فا منحرف شده‌اند، و اینکه باور ندارند که هیچ تغییری در جهان رخ داده است.

بنابراین در مورد این تعهد من، موجودات از بالا تا پایین همگی دربارهٔ آن می‌دانند. خدایانی که بالاترین هستند می‌خواهند با آن همکاری کنند، پس یک سری نظم و ترتیبات را فراهم ساخته‌اند. آنها باور دارند که انجام آن به آن شیوه برای من بهترین است. چنین نظم و ترتیبی در سطوح مختلف ایجاد شده است، به هم پیوسته از بالا تا به پایین. ولی آنها متوجه نشده‌اند که معیار آنها و نظم و ترتیبات آنها، برعکس، موانعی برای تعهد من شده‌اند. آنها حتی جامعهٔ بشری را از زمان‌های باستان تا به امروز برنامه‌ریزی

کرده‌اند برای تعیین اینکه انسان امروزی چطور فا را کسب کند. آن‌ها می‌خواهند از بدن و ذهن انسان استفاده کنند تا خرد موجودات فضایی را حفظ کنند. این هم مشکلی است، یک سختی ایجادشده برای من در پایین‌ترین سطح اصلاح فای من و نجات مردم است. بنابراین درحالی که هر کاری که آنها انجام داده‌اند به منظور کمک به این تعهد است، تمام آن درواقع به‌عنوان یک مانع عمل می‌کند. اما بزرگترین زبانی که برای بشر فراهم می‌کند مانعی است که برای کسب فا توسط مردم ایجاد می‌کند. این به‌خصوص در عدم باور به موجودات الهی که در علوم مدرن دیده می‌شود، و همچنین نفی روش‌های سنتی تفکر و رفتار انسان‌های واقعی آشکار است. تمام این‌ها موانعی بر سر راه به‌دست آوردن فا توسط مردم است. موجودات فضایی خدایان نیستند، و نمی‌دانند که آن خدایان این چیزها را به این طریق ترتیب داده‌اند. صرفاً این‌گونه است که خدایان آنها را کنترل کرده‌اند، و در باز کردند و گذاشتند آنها وارد شوند. به این وسیله، موجودات فضایی فرصتی به‌دست آوردند، زیرا بدن انسان چیزی است که آنها مدت‌های طولانی آرزومند آن بوده‌اند. پس هر کاری هم بکنند هیچ کسی دیگر نمی‌تواند جلوی آنها را بگیرد، پس آنها هر کاری که بتوانند می‌کنند تا بدن انسان را به دست آورند و مکان‌هایی که متعلق به بشر است را اشغال کنند. پس وقتی درباره آن صحبت می‌کنیم چیزی واقعاً پیچیده است. آنچه که الان گفتم موضوعات عظیمی را در بر می‌گیرد. این است علت اینکه چرا جامعه منحرف شده و وضعیت بشر امروزی ایجاد شده است.

بعضی از شاگردان گفته‌اند، «صرف‌نظر از اینکه هم‌اکنون چه تعداد زیادی از مریدان وجود دارند، معلم می‌تواند فقط تعداد کمی از مریدان را در آینده به کمال برساند.» شنیده‌ام که مردم در مناطق مختلف این را می‌گویند. این به‌طور جدی به دافا زیان می‌رساند. اگر به همان صورت بود که شما گفتید، سخنرانی امروز من درباره فا چه فایده‌ای دارد؟ برای من کافی می‌بود که آن تعداد کم را جمع کنم و فقط به آنها آموزش دهم. چرا من نجات را به تمام موجودات ذی‌شعور عرضه می‌کنم؟ هنوز هم بعضی از تمرین‌کنندگان ما درواقع آن کلمات را باور می‌کنند. می‌پرسم چگونه فا را مطالعه کرده‌اید؟ یکی از مشکلات این است. افرادی نیز وجود دارند که می‌گویند: «معلم به بدن شاگردان معینی برای صحبت وصل می‌شود، برای اشاره کردن به دیگران، یا چیزهای معینی را به دیگران بگوید.» این چیزی است که قطعاً رخ نمی‌دهد. من گاهی اوقات ممکن است از دهان افراد دیگر استفاده کنم، دهان اعضای خانواده‌تان، یا دهان هر کسی دیگر - ممکن است برای گفتن چند کلمه به شما و اشارات به شما، از زبان آنها استفاده کنم - این ممکن است، ولی چسبیدن به بدن بعضی افراد... چه کسی بسیار خاص است؟ به‌هیچ‌وجه چنین چیزی وجود ندارد؟ هر کسی که آن حرف را می‌زند مشکل دارد. قطعاً او کسی است که مشکل دارد، و آن در نتیجه چیزی است که ارواح تسخیرکننده انجام داده‌اند.

*پرسش: وقتی به افراد عادی فا را اشاعه می‌دهم، از آنها می‌خواهم که اول سه بار جوآن فالون را بخوانند. اگر آن وقت بخوانند یاد بگیرند، حرکات را به آنها یاد می‌دهم.*

**معلم:** آن را قطعی نکنید. مبتدیان این یا آن نوع از ملاحظات را دارند، پس می‌توانید حرکات را هم به آنها آموزش دهید، و به تدریج درک کردن چیزها هم خوب است. یا ممکن است کتاب را به آنها بدهید، و اگر بعد از خواندن نیز بخوانند یاد بگیرند خوب است. هیچ چیز قطعی وجود ندارد. آن را یکنواخت نکنید. بعضی افراد بعد از آنکه یک‌بار کتاب را می‌خوانند پی می‌برند که خوب است و مشتاق یادگیری حرکات هستند. ولی شما به آنها می‌گویید: «نه شما اول باید به خواندن ادامه آن دهید.» انجام آن به این شکل خوب نیست.

*پرسش: بعضی شاگردان می‌گویند: «تازه‌واردان نباید اول کتاب را بخوانند، آنها باید اول اندیشه کنند، به امور روشن‌بین شوند، و در مورد چیزها تأمل کنند.»*

**معلم:** می‌خواهد روشن‌بین شدن باشد، اندیشیدن باشد، یا تأمل کردن باشد، در موقعیتی که آنها فا را کسب نکرده‌اند، فرقی نمی‌کند که می‌خواهید درباره چه چیزی فکر کنند یا به آن روشن‌بین شوند، آنها روشن‌بین نمی‌شوند، درست؟ همه باید کتاب را بخوانند و آن را بیشتر بخوانند، آن وقت قادر خواهید شد با بعضی از وضعیت‌هایی که در طی دوره تزکیه‌تان ظاهر می‌شود به

درستی روبه‌رو شوید. این روشن‌بینی درست است. «روشن‌بینی» به چه معنا است؟ چیزی است که شخص به آن روشن‌بین شده است. این روشن‌بینی درست است. پس اگر بروید، اندیشه و تأمل کنید، شما درباره‌ی چه چیزی فکر می‌کنید؟ شما واقعاً باید تمام افکاری که ظاهر می‌شوند را از صافی رد کنید، و ببینید کدام یک از آنها شما است و کدام‌شان افکار بد است. اگر فکر بدی است، نمی‌توانید بگذارید به‌عنوان یک فکر ادامه یابد. اما راجع به اندیشه کردن، مجبور نیستید سعی کنید به چیزی فکر کنید. وقتی شروع به درک فا کردید، همه‌ی شما روندی شبیه این را داشتید: درست بعد از این که کتاب را برداشتید و خواندید پی بردید که آن خوب است. چرا پی بردید که خوب است؟ شما منطقی هستید، افکار خودتان را دارید، تجربیات واقعی زندگی در جامعه‌ی عادی را دارید، پس می‌دانید فا خوب است. لحظه‌ای که کتاب را می‌خوانید آن را می‌دانید. اگرچه آن فقط در سطح درکی احساس بود. با پیوسته خواندن کتاب به ارزش آن بیشتر و بیشتر واقف می‌شوید، و این درک شما را به سطحی که عقلانی است بالا می‌برد. پس چه چیز دیگری برای اندیشه کردن وجود دارد؟ اگر فکر کنید: «آیا آن بخشی از فا که امروز خواندم درست است؟ آیا این بخش معنی می‌دهد؟» آن وقت درک شما به گمراهی می‌رود. انجام آن به این شکل قطعاً اشتباه است.

*پرسش: به خاطر کوتاهی‌هایی در اشاعه فا، تا به امروز هنوز تعداد بسیاری از افراد درجه بالا در حوزه علمی و جامعه تکنولوژی وجود ندارند که تزکیه‌کنندگان واقعی باشند. چه باید بکنیم؟*

**معلم:** درباره‌ی این، مهم نیست چه رشته‌ای باشد یا چه طبقه‌ی اجتماع باشد، انتشار دافا قلب مردم را هدف قرار می‌دهد، اشاره به افراد دارد، نه به هیچ گروه اجتماعی. برای مثال فردی مقام و اعتباری دارد و به افراد فرمان می‌دهد: «همه باید برای یاد گرفتن بیایند. یاد نگرفتن اختیاری نیست.» آن وقت چه کسی صمیمانه می‌آید؟ آنها به خاطر اینکه مجبورشان کردید، به آنها فرمان دادید یا با در نظر گرفتن رابطه‌ی دوستانه می‌آیند؛ آنها برای کسب دافا نمی‌آیند. تنها وقتی کار می‌کند که فرد واقعاً بخواهد با اراده و تصمیم خودش یاد بگیرد. بنابراین بدون توجه به اینکه مقام افراد چقدر بالا است یا چقدر قدرت دارند، ما فقط به قلب آنها نگاه می‌کنیم. هیچ کسی نمی‌تواند دیگری را نمایندگی کند. بعضی از ما می‌گوییم بعد از اینکه افرادی از ارگان‌های معینی فا را کسب کردند، آنها ممکن است برای ما از لحاظ انتشار دافا و تأیید این که دافا علمی است مفید باشند. من مخالفتی ندارم که شما چنین افکاری داشته باشید. واقعاً عالی است که می‌خواهید از دافا مواظبت کنید و برای دافا کار انجام دهید. ولی امور معمولاً آنطور نیستند که شما آنها را تصور کرده‌اید. به این بستگی دارد که شخص می‌خواهد آن را کسب کند یا نه. فقط وقتی به کار می‌آید که او بخواهد آن را کسب کند. اگر نخواهد، فایده ندارد. دافا به خاطر این که کسی آن را رها می‌کند زیان نخواهد برد. بعضی از شاگردان نگران می‌شوند و می‌گویند: «ما می‌ترسیم به شاگردان در محل تمرین بگوییم چگونه تمرین کنند. وقتی به آنها بگوییم چگونه کارها را انجام دهند، دیگر تمرین را انجام نمی‌دهند و می‌روند.» می‌گوییم وقتی که شاگرد درک عمیقی از دافا ندارد این ممکن است قابل قبول باشد. ولی اگر شاگرد بعد از یک دوره از مطالعه هنوز همان‌طور است، پس بگذارید اگر می‌خواهد برود. آنچه ما می‌خواهیم تزکیه‌کنندگان هستند، نه افرادی که با جمعیت مخلوط می‌شوند تا سعی کنند چیزی بدست آورند، یا افرادی که اینجا هستند تا مقداری سهمیه پر کنند. اگر نود و نه درصد از صد در صد خالص و بی‌ریا نیستند و می‌روند، فقط با یک شخص خالص باقی‌مانده، آن هنوز هم دستاورد شما است. حتی اگر فقط یک نفر نجات پیدا می‌کرد، برجسته می‌بود. ولی به آن شکل نخواهد بود. بالاخره، هم‌اکنون بسیاری از افراد در حال تزکیه در دافا هستند.

*پرسش: وقتی بر یک امتحان سخت غلبه می‌کنم، بعضی مواقع احساس می‌کنم که بر آن روشن‌بین شده‌ام و بلافاصله راحت می‌شوم. ولی بعداً درمی‌یابم که همان امتحان برمی‌گردد.*

**معلم:** درست همین الان شاگردی از من پرسید چرا حالت وصل شدن مدار آسمانی که قبلاً تجربه شده بود، حالا دوباره تکرار می‌شود. می‌توانم به شما گویم که برای حداکثر سازگاری با موقعیت جامعه‌ی مردم عادی در تزکیه‌تان، بخشی که شما تزکیه کرده‌اید در بخش ریزکیهانی برای شما جدا می‌شود. بخشی که هنوز تزکیه را تمام نکرده ممکن است همان مشکل را داشته باشد و باید به تزکیه ادامه دهد؛ وقتی تزکیه را تمام می‌کند جدا خواهد شد. بگذارید با مثالی آن را توضیح دهم. در هر سطح از

بدن شما مکانیزم‌هایی وجود دارد. ممکن است در بسیاری از سطوح بدن شما افکار بد وجود داشته باشد. به کلامی دیگر، یک فکر بد احتمالاً از چیزهای بسیار کم‌مایه واقع در دورترین سطح بیرونی تشکیل شده باشد؛ همچنین ممکن است از ماده‌ای تشکیل شده باشد که تا اندازه‌ای ریزکیهانی تر است. بنابراین بعضی افکار بد ممکن است از بخش ریزکیهانی تا سطح ظاهری نشان داده شوند. بنابراین اگرچه این سمت شما استاندارد را برآورده کرده است و یک لایه پاکسازی شده و جدا شده است، اما باز هم مقداری در لایه بعدی وجود دارد. پاکسازی چیزهایی که شما در تزکیه لازم است رها کنید باید تکرار شوند.

بعضی افراد می‌گویند: «احساس می‌کنم بسیار خوب تزکیه کرده‌ام و مدتی است به خوبی عمل کرده‌ام. ولی چرا هم‌اکنون افکار بد دوباره سر برمی‌آورند؟» این طور است بخشی که بسیار خوب تزکیه کرده‌اید جدا شده است، درحالی که بخشی که هنوز تزکیه نکرده‌اید باید به تزکیه ادامه دهد؛ به هر حال در حال ضعیف‌تر شدن و ضعیف‌تر شدن است. می‌دانم بعضی اوقات افکاری که پدید می‌آیند بسیار بد هستند. نباید نگران باشید؛ هرچه ماده ریزکیهانی تر باشد، انرژی آن بیشتر است، یعنی اینکه هر چه قدرت بیشتری داشته باشد، تأثیر بد آن بزرگ‌تر است، و می‌تواند مردم را کنترل کند. در دورترین و بیرونی‌ترین سطح، هر چه ماده به سطح نزدیک‌تر می‌شود، انرژی آن کمتر است، و هر چه انرژی کمتر باشد، توانایی اش کمتر است؛ ولی هرچه آن کمتر و هرچه به سطح نزدیک‌تر باشد بدتر می‌شود. بنابراین آن هرچه بدتر و پایین‌تر باشد، انرژی کمتری دارد. ارتباط آن این است. به این علت است که اگر چه شما بسیاری از چیزهای بد را پاکسازی کرده‌اید چیزهای بد بسیار زیادی را کاهش داده‌اید و آن ضعیف‌تر شده است، اما احتمال دارد حتی بدتر ظاهر شود. نیاز نیست درباره این چیزها نگران باشید، زیرا شما در حال حاضر به این مرحله تزکیه کرده‌اید، و این معنا را می‌دهد که به محض آنکه یک فکر بد سر برمی‌آورد از آن آگاه می‌شوید. این چیزی است که انجامش در مرحله اولیه سخت است. افکار بد به تدریج لایه به لایه پاک خواهند شد. ولی شما باید به روشنی درک کنید چه گفتم. ممکن است فکر کنید: «اوه، موضوع این است. اهمیتی نمی‌دهم وقتی دوباره افکار بد سر برآورند.» اگر شما جلوی خودتان را نگیرید و در برابر آنها ایستادگی نکنید، در حال تزکیه کردن نیستید. دقیقاً چنین رابطه‌ای است. شما آنها را تشخیص می‌دهید، آنها را فرومی‌نشانید، می‌دانید خودتان را تزکیه می‌کنید و از افکار بد جلوگیری می‌کنید. وقتی آن را انجام می‌دهید، در حال تزکیه کردن هستید و پیوسته آنها را دوباره و دوباره از بین می‌برید، و بخش‌هایی که استاندارد را برآورده می‌کنند بیشتر و بیشتر می‌شوند. وقتی که همه آنها مطابق استاندارد باشند، کمال است. روند این است.

*پرسش: مریدان در آمریکای شمالی فرصت‌های زیادی را برای انتشار فا به آمریکایی‌ها به کار برده‌اند، ولی هنوز تعداد بسیار کمی از آمریکایی‌ها در حال حاضر فا را کسب کرده‌اند.*

**معلم:** نیروهای کهن در کیهان نظم و ترتیب‌هایی انجام داده‌اند و نظم و ترتیب‌های آنها به طور جدی مانع اموری شده‌اند که امروز می‌خواهم انجام دهم.

هیچ کدام از آنها نمی‌دانند من از کجا می‌آیم. قبلاً اصلی را به شما گفته‌ام. بگذارید خدایان را مثال بزنم. بدون توجه به اینکه یک خدا در چه سطحی است، نمی‌داند که آیا هنوز خدایانی بالاتر از او وجود دارند. و علاوه بر این، وجود خدایان از وجود انسان‌ها متفاوت است. وقتی که امروز به شما می‌گویم که آسمان‌هایی ورای آسمان‌ها وجود دارند، همه شما در اصل آن را باور می‌کنید، ولی طرز فکر شما از طرز فکر خدایان متفاوت است. همه شما آن را از فا درک می‌کنید، درحالی که یک خدا فکر می‌کند که او همه آنها را می‌بیند و همه را می‌داند. اگر شما بگویید که ورای او بیشتر وجود دارد، شما را باور نمی‌کند- او واقعاً شما را باور نمی‌کند. این توسط مقام دستیابی و سطح او تعیین شده است، و همچنین آن چیزی است که خرد او تصدیق کرده و به آن روشن بین شده است. در زیر سطح او یا در هم‌سطح خودش، او با یک نظر اجمالی همه چیز را می‌بیند و هرکاری را که بخواهد می‌تواند انجام دهد. برای همه موجودات زنده زیر سطح او، او قطعاً محترم است. درباره من، همه آنها می‌توانند شکل‌های متجلی شده و شیوه‌های تجلی در سطوح‌شان را ببینند، ولی هیچ کدام از آنها نمی‌توانند شکل‌های موجود مرا که در بالاتر از آنها است ببینند. به همین علت است که آنها جرأت آنچه انجام می‌دهند، را ندارند.

آنها فکر می‌کنند که من نیز به آنجایی که آنها هستند تعلق دارم - «به این گونه آن را ترتیب دادم و برای تو مفید است.» در واقع آنها نمی‌دانند که من در حال انجام کارهای بالاتری هستم. آن‌ها آن را به این شیوه انجام می‌دهند، سطحی پس از سطح دیگر، با این سطح که به این شیوه فکر می‌کند، و آن سطح که به این شیوه فکر می‌کند - همگی آن‌ها به این شیوه فکر می‌کنند - بنابراین آن‌ها در هر سطح مانعی را ترتیب داده‌اند، یکی پس از دیگری. اما درخصوص انتشار فای من اساساً می‌خواستم طی روند اصلاح فا دویست میلیون از مردم فا را کسب کنند. چون بیشتر از هفت میلیارد نفر در جهان وجود دارند، دویست میلیون هنوز رقم کوچکی است. مگر نه؟ ولی آن‌ها آن را به صد میلیون محدود کرده‌اند، لجوجانه به چیزهای فاسد خودشان چسبیده‌اند و رها نمی‌کنند. هر زمان یک سطح را رد می‌کنم، آن‌ها باز هم در سطح بالاتر بعدی نظم و ترتیباتی دارند. مجبورم بر همه آنها غلبه کنم، سطحی بعد از سطح دیگر... فقط آنوقت توسط این نظم و ترتیبات آنها محدود نخواهم شد. بنابراین نظم و ترتیبات آنها مانع عظیمی برای اصلاح فای من شکل داده است.

پرسش: بسیاری از افراد در جستجوی انگیزه‌ای برای تزکیه کردن هستند، مثل بنا نهادن مفهوم «رفتن به خانه». فکر می‌کنم تزکیه بدون هیچ قصدی بهتر است.

**معلم:** بنا نهادن نوعی اعتماد به نفس، انگیزه یا اشتیاق برای رفتن به جایی به‌عنوان عامل حرکت برای تزکیه در اصل غلط نیست. ولی فکر می‌کنم که هنوز غفلتی وجود دارد، زیرا شما باز هم برای چیزی تزکیه می‌کنید. البته اگر می‌خواهید تزکیه کنید برای اینکه برگردید، یا به جایگاه معینی برسید، فکر می‌کنم تا آنجایی که هدفی را پایه‌گذاری کنید یا یک فکر درست را تصدیق کنید، نباید بیشتر درباره آن فکر کنید. بعد از اینکه آن آرزو را شکل دادید باید فقط بر تزکیه خود تمرکز کنید، چون نیازی نیست که درباره هیچ چیز دیگری نگران باشید. اگر شما همیشه به آن شکل فکر کنید، آن را به‌عنوان نوعی عامل محرک برای انگیزه دادن به خودتان به کار ببرید، آن وقت بعد از رسیدن به سطح معینی الزامات برای شما بالاتر خواهد شد، و در آن زمان فکر می‌کنم ممکن است لزوماً یک نیروی محرک نباشد بلکه در عوض شبیه یک وابستگی است. ولی در مرحله اولیه هیچ مسئله‌ای نیست. گفتم که یک تاتاگاتا نیکخواهی را تعلیم می‌دهد. ولی وقتی یک خدای سطح بالا نظری می‌اندازد، فکر می‌کند: «چه نیکخواهی؟ منظورت از نیکخواهی چیست؟» او آن را درک نمی‌کند. این‌طور نیست که او نمی‌فهمد - او همه چیز را درک می‌کند - اما او فکر می‌کند نیکخواهی شما یک وابستگی است. اصول همین‌طور بالاتر می‌رود، و فا هم بالاتر و بالاتر می‌رود. در سطوح مختلف، همیشه الزاماتی برای موجودات زنده بنابر قلمروهای خاص آنها در آن سطوح وجود دارد.

پرسش: هر زمان که در یک کنفرانس فا شرکت می‌کنم، احساس می‌کنم بسیار مشتاق شدم و تعالی یافتم. ولی بعد از این که به خانه برگشته‌ام بعد از مدتی، خودم را دوباره کوشا نمی‌بینم.

**معلم:** دیروز درباره این موضوع با شاگردان صحبت می‌کردم. همه شما این تجربه را داشته‌اید. همگی می‌دانید که بعد از شنیدن صحبت معلم در محیط دافا می‌بایستی سخت کوش باشید. ولی بالاخره شما در محیط جامعه مردم عادی تزکیه می‌کنید، و بنابراین هرآنچه که با آن در تماس قرار می‌گیرید درباره نفع شخصی مردم عادی است، و هر چیزی بر نفع شخصی‌تان تأثیر می‌گذارد. حتی فضایی که توسط جامعه به‌طور کلی تراوش می‌کند درباره زیستن برای این است. در این محیط، بدون آن که درباره آن آگاه باشید، ممکن است احساس کنید که هر چیزی درست قرار است که به این طریق باشد، و این باعث می‌شود که کوشا نباشید. این علت اصلی است که در کوشا بودن شکست می‌خورید. ولی از طرف دیگر، به خاطر این که این محیط می‌تواند فرد را به تدریج سست کند و می‌تواند باعث شود که فرد بد شود، و به این دلیل که این محیط، پیچیده است و تزکیه کردن در آن مشکل است، دقیقاً به همین دلیل است که اگر بتوانید از آن بیرون بیایید بزرگ هستید، می‌توانید بسیار بالا بروید، می‌توانید برگردید، و دیگران به شما خواهند گفت که فوق‌العاده هستید. آیا این‌طور نیست؟ پس در هر محیطی، و در این محیط امروزه، برای این که بطور پیوسته کوشا باشیم، فکر می‌کنم ما باید کتاب را زیاد بخوانیم، و کتاب را بیشتر بخوانیم.

پرسش: هرچه ریزکیهانی‌تر، سطح بالاتر. دیروز معلم اشاره کردند که سطوح مختلف آسمان‌ها به پایین به سمت ریزکیهانی پیش می‌روند.

**معلم:** هیچ «بالا» و «پایین» آن‌طور که شما اشاره کرده‌اید وجود ندارد. زمین گرد است - «پایین» نیز «بالا» است. زمین اولاً گرد است، و انسان‌ها در یک لحظه واژگون هستند و دوباره لحظه‌ای دیگر پشت و رو می‌شوند. مفهوم «بالا» یا «پایین» بشری وجود ندارد. چهار سمت و هشت جهت احاطه‌کننده همگی «بالاها» هستند. وقتی می‌گوییم «حرکت کردن به سمت بالا»، در واقع می‌تواند به عنوان رفتن به جهت ریزکیهانی درک شود. دقیق بگوییم، حرکت به سمت آسمان‌ها رفتن به سمت ریزکیهانی است.

پرسش: معلم «سال نوری» را در جوآن فالون برای توضیح زمان بکار برده‌اند، ولی آیا «سال نوری» در فیزیک به فاصله اشاره نمی‌کند؟

**معلم:** وقتی که درباره بدن کیهانی صحبت می‌کردم، از فاصله مربوط به یک مفهوم زمان مکان استفاده کردم تا آن زمان لازم را مورد بحث قرار دهم. در گستره سطح مشابهی، فاصله می‌تواند مطرح شود. از جهان ماکروسکوپی تا جهان میکروسکوپی، همراه با تفاوت در مکان و زمان، مفهوم فاصله دستخوش تغییر می‌شود. بشر مفهوم یا اصطلاحی برای فاصله‌های یک مکان‌زمان پایدار یا زمان یک‌پارچه شده ندارد. من برای انجام این تعهد در حال جدا شدن از تمام زمان‌ها هستم - این رویکرد من است. ولی هر موجود زنده‌ای، مادامی که در گستره یک محیط مشخص باشد، توسط زمان در آن محیط محدود می‌شود. به همین علت وقتی درباره ساختار بدن‌های کیهانی صحبت می‌شود، مفهوم فاصله نمی‌تواند از زمان و سرعت جدا شود. در گستره قلمرویی مشخص، دنیاها متفاوت یا اجزاء مختلف همان سطح وجود دارند. آن‌ها توسط فاصله می‌توانند اندازه‌گیری شوند چرا که به همان سطح متعلق هستند و یک شکل زمانی و فاصله را سهیم می‌شوند. اما در روند حرکت از جهان میکروسکوپی به جهان ماکروسکوپی، زمان‌های هم‌شکل شده یا فاصله‌های یک‌پارچه وجود ندارند. هر چیزی در جهان توسط دافا برای موجودات ذی‌شعور آفریده شده است، شامل فرهنگ‌های موجودات ذی‌شعور در سطوح مختلف. اصلاح فانه تنها هر چیزی را که درست نیست اصلاح می‌کند، بلکه در حال آفریدن فرهنگ بشری تازه‌ای نیز هست. فرهنگ‌های گذشته ناکافی‌اند. فکر می‌کنم این را به روشنی توضیح داده‌ام. (تشویق)

پرسش: هر زمان که درگیری‌های احساسات (چینگ) را تجربه می‌کنم، هرچه قدر هم که تلاش می‌کنم همیشه این احساس را دارم که قادر به رها کردن نیستم. آیا من جزو آن دسته از افراد هستم که نسبت به تغییر سرشت باطنی خود بی‌میل هستند؟

**معلم:** این اشتباه است اگر احساسات را به عنوان منطق یا چیزی در نظر بگیرید که بخشی از زندگی شما است. ولی اگر از عمد به خودتان فشار بیاورید تا چیزی را رها کنید که هنوز به استاندارد آن نرسیده‌اید، آنوقت شما در حال به زور انجام دادن آن هستید. در طول روند مستمر تزکیه، خواندن کتاب‌ها و انجام تمرین‌ها، فرد می‌تواند به تدریج فا را از درون فا درک کند. شما یک الزام بالاتر برای خودتان دارید و بیشترین سعی‌تان را می‌کنید تا از آن افکار بد و چیزهایی که به آن‌ها وابسته‌اید جلوگیری کنید؛ بیشترین تلاش خود را می‌کنید که آن‌ها را سبک گرفته و در برابرشان ایستادگی کنید. آن بخشی از شما که قادر است مطابق استاندارد باشد، حتی اگر برای یک لحظه باشد، آنوقت آنجا ثابت می‌ماند. آن پیوسته و مداوم به این طریق در سطح نفوذ می‌کند. وقتی که بالاخره کاملاً موانع را برطرف کرده است، وقتی از آخرین لایه عبور کرده است، شما کشف می‌کنید که طرز فکر و افکارتان کاملاً با گذشته فرق می‌کند. حتی شیوه تفکران با گذشته فرق می‌کند. این خود واقعی شما است، سرشت واقعی شما، چرا که همه چیز و هر چیزی که درباره‌اش فکر می‌کنید و نمی‌توانید رها کنید عقاید کسب شده بعد از تولد است که در حال گیرانداختن شما است.

همراه با این عقاید، انسان همچنین محیط خاصی در این بعد دارد، یعنی، احساسات. در سه قلمرو همه چیز در احساسات غوطه‌ور است. نمی‌توانید حتی از این احساسات جدا شوید - شما درون آن هستید. در حقیقت، آنچه باید انجام دهید یافتن راهی است که

از احساسات جدا شوید. هر چند چیزی که گفتم بسیار روشن است، اما آنهایی که برای زمانی کوتاه تزکیه کرده‌اند نمی‌توانند آن را انجام دهند. همچنین برای شاگردان قدیمی نیز انجام آن قبل از رسیدن به کمال دشوار است. در تزکیه با خودتان سخت‌گیر باشید و آن چیزهای بد را پاک کنید. در تزکیه دافا هر چیزی می‌تواند تغییر کند. اگر بطور مستمر کتاب را بخوانید و بهترین سعی‌تان را بکنید که در زندگی روزمره مانند یک تزکیه‌کننده با خود رفتار کنید، آن شما را قادر خواهد کرد که از میان یک تغییر کامل بگذرید، زیرا دافا شما را متعادل می‌کند.

*پرسش: منطقه‌ای وجود دارد که هر ماه قصد برگزاری کنفرانس‌های تبادل تجربه در مقیاس وسیع را دارد. تا حالا سه کنفرانس را برقرار کرده‌اند، فکر می‌کنم که زیاد است.*

**معلم:** بسیار زیاد است. خیلی پشت سرهم آن‌ها را برگزار نکنید. فکر می‌کنم اگر کنفرانس‌های به مقیاس بزرگ مثل این، یک الی دو بار در سال برگزار شود، کافی است. اگر به دفعات زیاد برگزار شود احتمال دارد بر تزکیه‌تان اثر بگذارد. این را می‌گویم به خاطر این که تزکیه اولین تقدم را دارد؛ انتشار فایده به هدف کمک به مردم برای کسب فایده است. ما اموری را جهت انتشار فایده انجام می‌دهیم زیرا این برای شما است که به طور واقعی بهتر شوید و اعتماد به نفس‌تان را در تزکیه افزایش دهد، ولی نباید صرفاً گرفتار تشریفات شویم.

*پرسش: استاد دیروز گفتند: «طرح اصلی من دویست میلیون نفر بود.» آیا این معنا را می‌دهد که دورنمای ما برای انتشار فایده دویست میلیون نفر است؟*

**معلم:** هر آنچه که مانع اصلاح فایده می‌شود در آخرین مرحله از نابود شدن است. ولی بسیاری از زمانی که برای تزکیه مردم فراهم شده بود از دست رفته و برگشت‌ناپذیر است. اگر صد میلیون نفر دیگر بیابند، تضمین می‌شود که آنها مثل شما نخواهند شد، و نمی‌توانند همگام شوند و به شما برسند. ولی آیا این معنا را می‌دهد که ما کارهای انتشار فایده را متوقف می‌کنیم؟ خیر، ما باز هم باید آنها را انجام دهیم. برای اینکه هنوز چیزها و اموری برای مرحله بعدی بشر وجود دارد که لازم است انجام داده شوند، و هنوز بسیاری از افراد هستند که تزکیه نکرده یا مطالعه نکرده‌اند. شما باید بگذارید افرادی که درباره فایده نمی‌دانند درباره آن بدانند.

*پرسش: وقتی به نقاط دورافتاده برای انتشار فایده می‌رویم، نگران می‌شوم که مبادا با انجام این کار در برنامه‌ای که معلم برای مریدان نظم و ترتیب داده‌اند مداخله ایجاد شود.*

**معلم:** مداخله ایجاد نخواهد شد. اگر در نقاط دورافتاده هیچ‌کسی درباره فایده نمی‌داند، اشتباه نیست که برای انتشار آن به آنجا بروید، و تزکیه‌تان به خاطر این به تأخیر نمی‌افتد. در حالیکه کارهایی برای انتشار فایده انجام می‌دهید به خواندن کتاب و انجام تمرین‌ها ادامه دهید، و آن بخودی خود تزکیه است.

*پرسش: «خودخواهی» تا به چه سطح بالایی می‌تواند نفوذ کند؟ چگونه می‌توانیم بر آن سطح غلبه کنیم؟*

**معلم:** دلیلی که موجودات می‌توانند از فایده جدا شوند و موجودات می‌توانند از سطوح بالا به پائین سقوط کنند این است که آنها خودخواهی را رشد می‌دهند. دلیلی که بشر خودخواهی را توسعه می‌دهد این است که بسیاری عقاید بد شکل گرفته بعد از تولد در ذهن افراد رشد می‌یابند. در واقع، آن آلودگی ذهن است. خدایان در سطوح بالاتر پاک‌تر و مقدس‌تر هستند. اگر آنها چیزهایی که نباید توسعه دهند را توسعه دهند، آنوقت ناپاک هستند. آن مفهوم یا تجلی سطحی که شما درک کرده‌اید وجود ندارد.

*پرسش: معلم گفتند که ما نه فقط ممکن است به مکان‌هایی برسیم که حیات‌مان در آن بوجود آمد، بلکه حتی بالاتر برویم.*

**معلم:** ممکن است چنین مواردی باشد، ولی انجام آن بسیار سخت است. به‌هرحال نکته‌ای را روشن می‌کنم: مادامی که تزکیه می‌کنید، و این شامل آنهایی که فا را کسب کرده‌اند می‌شود، نمی‌خواهم حتی یک نفر را جا بگذارم. (تشویق) قطعاً راه‌هایی پیدا خواهیم کرد برای اینکه به مکانی برگردید که در آن آفریده شدید. (تشویق) اما در مورد رفتن به مکان‌های بالاتر، این به خود شما بستگی دارد. موارد خاصی وجود دارد، موارد بی‌نهایت خاص. درواقع، شما طرز فکر بشری را برای تأمل درباره این بکار می‌برید. آنچه در زندگی شما با اهمیت‌ترین است برگشتن به مکان اصلی‌تان است - این بزرگترین و لذت بخش‌ترین آرزو است. معنای زندگی در اینکه یک موجود در چه سطح بالایی است نهفته نیست. در عوض، درباره این است که وجود او قادر به دست یافتن به آن چیزی باشد که قرار است کسب کند، و آنوقت او خشنود خواهد بود. این خوشبختی است. ولی وقتی با کلمات بشری توضیح داده می‌شود به‌نظر خشن می‌آید. تمام موجودات بشری یک آرزوی بی‌وقفه دارند که آنها را به کاوش در هر چیزی پیش می‌راند، و این ذهنیت خوب نیست. خدایان آن ذهنیت را ندارند. از نظر موجودات ذی‌شعور، جهان بی‌پایان است و پایانش نمی‌تواند دیده شود. بنابراین هر آرزوی دانستن درباره چیزهای بالاتر به نوعی چیزی سیری‌ناپذیر و وحشتناک است، و فایده‌ای ندارد.

در میان کسانی که در گذشته تزکیه کردند، درواقع افرادی بودند که بسیار بالا تزکیه کرده بودند، ولی سختی‌ها و محنت‌هایی که آنها تحمل کردند واقعاً بسیار عظیم بود! بگذارید مثالی برایتان بزنم. وقتی در حال انجام این تعهد هستیم، من یکسره بیرون می‌روم بطور پیوسته به سمت ریزکیهان نفوذ می‌کنم و اصلاح فا را انجام می‌دهم؛ شیوه‌ای که آن را انجام می‌دهم از پایین به بالاست. فکر می‌کنید به هنگام انجام آن به کجا رسیده‌ام؟ به مکانی رسیده‌ام که بسیار فراتر از داشتن بدن‌های انسانی است. در آن مکان هیچ چیزی به جز ماده وجود ندارد، و موجوداتی در شکل ماده آن‌را پر می‌کنند.

در طی دوره تاریخی خاصی از تغییرات بزرگ در کیهان، تعداد کمی از خدایان وجود داشتند که به یک سطح معینی جاروب شدند و نمی‌توانستند پایین بیایند، پس در آنجا ماندند. احساس کردند که بسیار ملال‌آور بود، و با تمام قلب‌شان می‌خواستند پائین بیایند و به مکان‌های اصلی خود بازگردند. با آنچه که شما تصور کرده‌اید فرق دارد؛ این حقیقت ندارد که هر چه بالاتر بهتر. بعداً، هنگامی که من در طی تعهدم به آن سطح رسیدم، آنها را برگرداندم و همگی خوشحال بودند. (تشویق) بعضی از چیزهایی که در حال گفتن آن هستم ممکن است باورش سخت باشد. در حالی که اینجا نشسته‌ام، من فقط لی هنگجی هستم، با تمام ظواهر یک موجود بشری. آنچه به شما گفته‌ام اصول فاستند؛ آنچه به شما گفته‌ام همگی اتفاقات واقعی هستند. اما هیچ کدام از توانایی‌ها در بعد مردم عادی متجلی نمی‌شود. زیرا لازم نیست آن نوع از توانایی را برای جذب شما و بالا بردن شما بکار ببرم. با استفاده از اصول دافا شما می‌توانید همه چیز را به کمال برسانید.

پرسش: شنیدم که هر بار ما خواندن جوآن فالون را تمام می‌کنیم، می‌توانیم از یک لایه پوسته رهایی یابیم؟ (خنده در میان شاگردان)

**معلم:** نخندید. فکر می‌کنم واقعاً این قدرت را دارد. آنچه که از جوآن فالون در دوره اول خواندن یاد گرفتید، وقتی که دفعه دوم کتاب را می‌خوانید دوباره تکرار نمی‌شود. برای همین است که من به شما می‌گویم بیشتر بخوانید و زیاد بخوانید. دلیلی که شما می‌توانید از اصول بالاتر آگاه شوید این است که به قلمروی دیگری پیشرفت کرده‌اید. اگر به آن قلمرو نرسیده باشید، به شما اجازه داده نخواهد شد اصول در آن سطح را بدانید.

پرسش: آیا هیچ رابطه‌ای بین خواندن فا با تعداد دفعات معین و سطح به کمال رسیدن وجود دارد؟

**معلم:** تعداد دفعاتی که فا خوانده می‌شود می‌تواند روند به سمت کمال را سرعت بخشد. ولی اینکه آیا شما بتوانید به کمال دست یابید یا نه به تزکیه خود شما و به چیزهای دیگر هم وابسته است. درواقع، اگر شما قادر باشید که کتاب را این‌گونه (خوب) بخوانید، می‌دانم که همه چیز را بخوبی انجام خواهید داد.



پرسش: اگر مقام اجتماعی دو نفر که کیفیت مادرزادی مثل هم دارند متفاوت باشد، آیا آنها در کمال به یک سطح دست می‌یابند؟

**معلم:** تزکیه مقام اجتماعی در جامعه بشری را در نظر نمی‌گیرد. فرقی بین ثروتمند و فقیر وجود ندارد، یا طبقه بالا و پایین، شیوه‌ای که مردم چیزها را طبقه‌بندی می‌کنند- با همه یکسان رفتار می‌شود. اگر دو نفر از یک سطح باشند، آنوقت اصلاً هیچ تفاوتی وجود ندارد، و سطح‌شان قطعاً یکی است. و اگر آنها از طرق مختلف تزکیه باشند، آن هم نباید مشکلی باشد. اگر بعضی افراد سهم و همکاری خاصی داشته باشند، این به آنها کمک می‌کند که از لحاظ پیشرفت در تزکیه خود، قدم بسیار بلندی به جلو بگذارند. (تشویق) ولی، فکر می‌کنم که نباید پیشاپیش بر آن تمرکز کنید، و به دنبال میانبر باشید و سعی کنید وقتی به خانه برمی‌گردید اعمال خوب بیشتری انجام دهید. احتمال دارد که امور برعکس شوند. این طور نیست که هر چه را می‌خواهید انجام دهید بتوانید کامل کنید.

پرسش: برخی از دستیاران به‌طور انفرادی الزامات دافا را برآورده نمی‌کنند، و بعضی از شاگردان خواستار جایگزین کردن آنها شده‌اند. با این موضوع چگونه باید روبرو شویم؟

**معلم:** اگر این فرد به دافا زبان می‌رساند باید جایگزین شود. حتی اگر جایگزین نشود، فکر نمی‌کنم هیچ کدام از شاگردان با او بمانند، بنابراین بطور طبیعی او دیگر دستیار نیست. اگر به دلیل صدمه زدن به دافا نیست ولی فقط مشکلاتی در روش انجام کارها دارد، آنوقت می‌توانید با مهربانی به او بگویید کجا اشتباه کرده است. او ممکن است متوجه شود، یا ممکن است متوجه نشود. ولی او هم یک تزکیه‌کننده است و عاقبت مجبور است متوجه شود؛ شاید نیاز به روندی است. در آن مورد، آیا ما واقعاً در این روند به این مشکل او نچسبیده‌ایم و آیا نمی‌توانیم رهاش کنیم؟ اگر اینطور است، آنوقت شما به آن وابسته‌اید، و معلوم می‌شود نگاه‌تان به بیرون است. چرا نمی‌توانید فکر کنید که چرا شما اشتباه او را دیدید؟ آن اشتباه او است، ولی چرا شما درباره آن اینقدر ناراحت هستید؟ آیا به این خاطر نیست که شما چیزی را بدرستی انجام نداده‌اید؟ چرا آن را یک مسئله بزرگ و مهم در نظر می‌گیرید؟ مهم نیست موقعیت چیست، وقتی با مشکلی روبرو می‌شوید همیشه باید خودتان را تزکیه کنید و خودتان را بررسی کنید.

اگر این دستیار واقعاً بخوبی تزکیه کرده است، وقتی که مسئله‌ای دارد و شما آن را به او نشان می‌دهید قطعاً خودش را بررسی می‌کند. اگر دیگران مشکلات را به یک دستیار گوشرد می‌کنند و او به خودش نظر نمی‌اندازد، آنوقت می‌گوییم این دستیار فا را به‌طور ضعیفی مطالعه کرده و لازم است پیشرفت زیادی کند. (تشویق) این درباره آسان گیر بودن با کسی نیست. چون شما همگی در روند تزکیه خودتان هستید و همگی وابستگی‌ها و چیزهایی دارید که نمی‌توانید رها کنید. ممکن است حق با شما باشد، ممکن است نباشد. و در اشتباه بودن شما می‌تواند سبب شود فرد دیگری را که درست است در اشتباه ببینید، یا حق با شما بودن ممکن است سبب شود در اشتباه بودن فرد دیگر را به‌عنوان درست بودن ببینید.

همه شما در حال تزکیه هستید. همگی شما لحظه‌ای پیش وقتی این کلمات را گفتیم کف زدید- گفتیم که من تمام سعی خود را می‌کنم حتی یک مرید که فا را کسب کرده است را نیز جا نگذارم. اگر من می‌توانم حتی آن کار را انجام دهم، آیا شما حداقل نمی‌توانید با همه به مهربانی رفتار کنید؟ (تشویق) اگر شما هر زمان که با مشکلاتی روبرو می‌شوید عمیقاً درون خودتان را جستجو کنید- بپرسید «آیا آن به این دلیل است که من مشکلی دارم؟»- می‌گوییم که رسیدگی به هر چیزی آسان خواهد شد، و سرعت تزکیه‌تان بسیار، بسیار سریع خواهد شد. ولی من فقط می‌توانم در مورد این موضوع به این صورت با شما صحبت کنم. همان طور که از میان تزکیه خود می‌گذرید، ممکن است بخوبی بدانید که در اشتباه هستید ولی هنوز زمانه سختی را برای اداره کردن آن دارید، پس فقط می‌توانم به شما بگویم که بیشترین تلاش‌تان را بکنید تا بهتر انجام دهید و کوشا بمانید. تضادها گریزناپذیرند. بدون تضادها هیچ پیشرفتی رخ نمی‌داد. اگر دستیاران بخوبی عمل می‌کردند، شاگردان بخوبی عمل می‌کردند، و هیچ کسی در این جایگاه تضادهایی نمی‌داشت، چه کسی خوشحال می‌بود؟ اهریمنان خوشحال می‌بودند، و من خوشحال نمی‌بودم. به این علت که، شما محیط تزکیه‌تان را از دست می‌دادید، قادر به پیشرفت نمی‌شدید، و قادر به نائل شدن به هدف بازگشتن نمی‌بودید. پس نباید کشمکش‌ها را به‌عنوان چیزی بد ببینید.

اغلب می‌گویم تحمل کردن کمی سختی هیچ ضرری ندارد. آیا متوجه نشده‌اید که تضادها نیز نوعی از سختی هستند؟ (تسویق)  
برای همین است که اخیراً این نوع از چیزها نسبتاً پی‌درپی در میان مریدان دافا در آمریکا بود البته، هر چه باشد شما نسبت به شاگردان در چین فا را دیرتر کسب کردید. درک‌تان به سرعت پیشرفت کرد، بنابراین آن روند هم‌اکنون تمام است. فکر می‌کنم از حالا به بعد... مخصوصاً در این دوره زمانی اخیر، امور بسیار خوب بوده‌اند، و درک شاگردان قدیمی از فا بسیار بالا است، و آنها امور را مثل گذشته به‌طور افراطی انجام نخواهند داد. این بسیار خوب است. فکر می‌کنم که از حالا به بعد امور بهتر و بهتر می‌شوند، زیرا شما در حال بالغ شدن هستید و درک‌تان از فا حتی در حال بالاتر رفتن است.

بعضی افراد گفته‌اند: «معلم، واقعاً نگرانم که وقتی با پاهای ضربدری می‌نشینم پاهایم هیچ احساس دردی ندارد. آیا این درست است که بدون سختی‌ها تزکیه من خیلی سریع پیش نمی‌رود؟» اگر افراد دیگر می‌توانند این قدر بفهمند، چرا شما وقتی تضادها سربرمی‌آورند نمی‌توانید احساس خوشحالی کنید؟ [چرا فکر نمی‌کنید؟] «اوه، اینجا برای من فرصتی پیش آمد که پیشرفت کنم.» وقتی که افراد با تضادها روبرو می‌شوند، همگی آن را به عقب می‌رانند، سعی می‌کنند آن را بر دوش دیگری بگذارند. برای همین است که شما بی‌خیال می‌شوید و وقتی هیچ تضادی ندارید فکر می‌کنید بسیار خوب است، و آنوقت وقتی مشکلات ظاهر می‌شوند خوش‌تان نمی‌آید. کشمکش به خودی خود بخشی از تزکیه در میان سختی است. بعضی افراد می‌گویند که زیاد با جامعه در تعامل نیستند زیرا در حال پیر شدن هستند. اگرچه ممکن است سن شما بالا باشد، اما برای اینکه پیشرفت کنید و به کمال برسید، وادار خواهید شد درباره چیزهایی که در گذشته شما را تحت فشار قرار می‌دادند مثل «هشت سال فراوانی و ده سال قحطی» فکر کنید، حتی اگر کاری جز نشستن در تختخواب‌تان انجام ندهید. وقتی که آنجا می‌نشینید وادار می‌شوید عصبانی شوید، آنقدر عصبانی که نتوانید تحملش کنید، که بعد از آن متوجه می‌شوید: «هی، من تزکیه‌کننده هستم. نباید این‌طوری عصبانی شوم.» آن برای از بین بردن وابستگی شما است. در هر موردی، اگر می‌خواهید صرفاً همه چیز خوشایند باشد هیچ راهی برای پیشرفت نخواهید داشت، بنابراین نمی‌توانم بگذارم این اتفاق بیفتد. (تسویق)

فقط در میان کشمکش‌ها، وابستگی‌های بشری می‌توانند از بین برده شوند، و فقط در میان تضادها فرد می‌تواند بفهمد که کجا به اشتباه رفته است. هر زمان با دیگران تضادی دارید، تضمین می‌کنم بخاطر این است که وابستگی شما به سطح آمده و بسیار آشکار است. اگر در آن لحظه این فرصت را درک نکنید و لجباز باشید و درباره نظرات خودتان جر و بحث کنید، روند جر و بحث سرسختانه شما چیزی بیش از این نیست که وابستگی، خود را نمایش می‌دهد. اگر برای دیدن اینکه چه چیز در پشت آن پنهان است بیشتر کندوکاو کنید، ریشه وابستگی پیدا خواهد شد. (تسویق) پس، در تزکیه شما باید آگاهانه خود را تزکیه کنید، و نمی‌توانید همیشه درباره این فکر کنید که از بدن‌های قانون من بخواهید به شما اشاره‌هایی بدهند. بدن‌های قانون هیچ‌وقت به‌طور مستقیم به شما نمی‌گویند چه بکنید.

همان‌طور که می‌دانید، به شما گفتم که در طی اصلاح فا به‌طور پیوسته به سمت جهان میکروسکوپی نفوذ می‌کنم. چه چیزی آن را امکان‌پذیر می‌کند؟ زیرا من بخش اصلی تمام تک‌تک سطوح مختلف را گرفته‌ام و آنها را با خود به اینجا آورده‌ام. (تسویق)  
تا اینکه نتوانند بگریزند. البته، یک مشکل وجود دارد: در طی نابودی، وقتی فنا شده و به چیزی شبیه گرد و غبار تبدیل می‌شوند و پایین می‌افتند- آنها نابود می‌شوند زیرا فاسد شده‌اند، حتی بدتر از اهریمنان، و وقتی که در حال از بین رفتن هستند، چون موجوداتی شیطانی هستند، هنوز می‌خواهند درست قبل از آنکه بمیرند کارهای بد انجام دهند- آنها هدفمند در پکن سقوط کردند.

همان‌طور که می‌دانید، مردم درباره آب و هوای پکن بسیار نگران هستند. مشکل پکن چیست؟ هوا در این دو سال گذشته به این شکل بوده که به نظر ابری می‌آید ولی آنها ابر نیستند، و به نظر مه‌آلود می‌آید ولی آن مه نیست. ذرات موادی که در هوا شناورند همگی بسیار بزرگ هستند، و حتی با چشم غیرمسلح دیده می‌شوند. گفته می‌شود آن دود آگزوز ماشین‌ها است، پس مردم شروع به کنترل گازهای خروجی ماشین‌ها کردند. فکر می‌کنم ربطی به ماشین‌ها ندارد. آنچه ماشین‌ها بیرون می‌فرستند بیشتر مونواکسیدکربن و دی‌اکسیدکربن است، در حالی که مواد شناور در هوا بیشتر نیتريد هستند. ماشین‌های زیادی در آمریکا است طوری که ماشین‌ها در بزرگراه‌ها مثل آب شناورند؛ برای دهه‌ها این‌گونه بوده است، ولی آنها به آن حد که پکن آلودگی دارد آلوده

نیستند. پس این مشکلی نیست که توسط ماشین‌ها بوجود آمده است. این نیز گفته می‌شود که از آلودگی صنعتی می‌آید. هر چند که آلودگی در کشورهای توسعه یافته بسیار جدی است، اما به این درجه نرسیده است - نیازی به گفتن نیست که آن شدت از آلودگی صنعتی در پکن وجود ندارد. بعضی از افراد می‌گویند آن از سوختن ذغال سنگ می‌آید. ولی امروزه مردم سیستم‌های حرارتی ساخته شده را بکار می‌برند، و دودکش‌ها نایاب هستند. و حتی در زمان‌های قدیم که سوخت ذغالی استفاده می‌شد، و هر خانه‌ای اجاق سوخت ذغالی داشت، به آن اندازه که الان آلودگی وجود دارد، آلوده نبود - آلودگی امروز نوع متفاوتی از آلودگی است. البته، مردم آن را باور نمی‌کنند، و من لازم نیست به آنها بگویم. مردم هر چه می‌خواهند بگویند که آن هست، خوب باشد.

آن درواقع مواد بسیار فاسدشده از نابودی بدهای ریزکپهانی هستند که پیوسته به پایین سقوط می‌کنند. وقتی با هواپیما پرواز می‌کنید، پس از آنکه هواپیما پانصد متر از فرودگاه بلند می‌شود یک آسمان آبی زیبایی را می‌بینید، ولی وقتی به پایین نگاه می‌کنید، «اوه خدای من» - مثل این است که درپوشی همه چیز را پوشانده است. از کجا آمد و چرا پراکنده نمی‌شود؟ از ریزکپه‌ها آمده است. برای همین سرچشمه آن نمی‌تواند شناخته شود. از ذراتی کوچک‌تر از ملکول‌های سطحی می‌آید، بنابراین مردم نمی‌توانند سر در بیاورند که از کجا است. بالاخره مشخص شد که نیتريد است. درباره نیتريد (تعدادی از شما که شیمی خوانده‌اید ممکن است با آن آشنا باشید)، گرد و غبار مواد ارگانیک است، و مثل دودی است که از کوره سوزاندن اجساد می‌آید. درواقع، از نابود شدن آن موجودات فاسدشده ریزکپه‌ها می‌آید.

پرسش: مقالات معلم «بازسازی بشریت»، «انحطاط»، و «گفتگو با زمان»، در سال ۱۹۹۶ و ۱۹۹۷ نوشته شده‌اند. چرا شما تا سال ۱۹۹۸ برای اینکه اجازه دهید آنها را ببینیم صبر کردید؟

معلم: دلایلی برای زمان بندی انتشار آنها و اینکه بگذارم آنها را ببینید وجود داشت. آنها بعداً چاپ شدند چون با دیدن چیزهای معینی که ظاهر شدند آنها را نوشتم. وقتی که آن چیزها به‌طور وسیعی آشکار شدند آنها را منتشر کردم. (تشویق)

پرسش: همان‌طور که ساختار جهان که معلم آن را مورد بحث قرار می‌دهند بزرگتر و بزرگتر می‌شود، دیدگاه‌های من و وسعت ذهنم به نظر توسعه می‌یابد. موضوع مورد بحث معلم یعنی...؟

معلم: آیا هم‌اکنون آن را شرح ندادید؟ درواقع، من ظرفیت شما را گسترش می‌دهم، و هر آنچه به شما تعلق دارد لازم است با آن گسترش یابد و رشد کند. گفتم که یک بدن کیهانی باز هم ذره‌ای غبار در جهان است. هر آنچه گفتم و شما توانستید آن را درک کنید و هر آنچه که میلیاردها یا تریلیون‌ها بار بزرگتر از آن است هنوز باز هم یک ذره گرد و غبار در جهان است. هیچ فرد دیگری نمی‌داند که نهایتاً جهان چیست. (تشویق) به‌علاوه، جهان و هر آنچه که دربرمی‌گیرد عظیم و پیچیده است، و ذهن انسان نمی‌تواند آن را تماماً دربرگیرد. چنین زبانی وجود ندارد، بنابراین برای من غیرممکن است آن را برای‌تان توضیح دهم. درواقع، هر طور هم آن را توضیح دادم، این‌طور یا آن‌طور باشد، فراتر از یک سیستم نرفته است. شبیه این واقعیت است که زمین یک ذره است، ولی به شما می‌گویم که ذراتی مثل زمین بدن‌های کیهانی جهان را پر می‌کنند؛ درست مثل ذرات در اندازه‌های معین در هوا که ملکول‌های هوا را تشکیل می‌دهد، که در هر چیز و هر جا نفوذ می‌کنند. آنوقت فکر می‌کنید که بدن‌های کیهانی آنها چقدر عظیم است؟! آنچه برای شما گفتم یک تشریح از درون یک سیستم است، و درجه پیچیدگی واقعاً در زبان نمی‌گنجد. و با طراحی و نقاشی کردن هم مصور نمی‌شود، زیرا پیچیدگی ساختار آن فراتر است از آنچه که تریلیون‌ها سطح سه بُعدی متقاطع بتوانند تصویر کنند، پس بسیار سخت است که آن را به روشنی به شما توضیح داد. (تشویق) با وجود این، از طریق جوآن فالون، یا وقتی که در تزکیه به سطح معینی برسید، در ذهن‌تان شروع به درک آن می‌کنید و عظمت آن را احساس خواهید کرد، هر چند که در کلمات نمی‌توانید آن را بیان کنید. (تشویق)

پرسش: چرا جدا شدن از احساسات سخت است؟

**معلم:** بگذارید به شما بگویم: این پوسته شما، یک موجود بشری، با این احساسات به دنیا می‌آید و از بدو تولد در این احساسات غوطه‌ور است. سلول‌های بدنی که این پوسته را تشکیل می‌دهد در محیط احساسات متولد می‌شوند. اگر از آن جدا شوید دیگر انسان نیستید بلکه یک خدا هستید. وقتی افراد وابسته به احساسات می‌شوند در واقع منفعل هستند، اگر چه فکر می‌کنند که فعال هستند.

پرسش: هم‌جنس‌بازی گناه است، اما من در عذاب و ناامیدی فرو رفته‌ام. من به جن - سن - رن ایمان دارم، ولی آیا ارزش تزکیه کردن را دارم؟

**معلم:** به طور نادرستی توسط تفکر متداول هدایت شدن، با تباه شدن بوسیله تبلیغات غلط و حاکم و همچنین این محیط، افراد ممکن است اشتباهات زیادی مرتکب شوند، ولی این معنا را نمی‌دهد که آنها نومیستند. شما می‌توانید دافا را مطالعه کنید و آن افکار غلط و رفتارهای اشتباه خود را اصلاح کنید. درست مثل چیزی است که گفتم - چرا یک فرد هم‌جنس‌باز می‌شود؟ در واقع، انسان‌ها بطور منفعلی به احساسات وابسته‌اند. و وقتی شما به آن وابسته‌اید، همه گونه وابستگی را در ذهن شما بوجود می‌آورد. از آن وابستگی‌ها، انواع و اقسام عقاید یا حتی باورهای فاسد بوجود خواهند آمد. شما ممکن است به ناگهان ادا و اصول خاصی از آن شخص یا ظاهر او را دوست بدارید، و برای مدتی طولانی شیفته آن چیزها شوید. یا شاید فقط رفتار و سلوک آن فرد را دوست دارید، و آنوقت طی زمان عقیده‌ای شکل می‌گیرد که شما فقط رفتار خاص او را دوست دارید. آنوقت، همان‌طور که به تدریج آن چیز قوی‌تر و قوی‌تر می‌شود، ذهن شما را کنترل خواهد کرد. بعد از آن که علاقه شما عقیده‌ای را شکل داد، قوی‌تر و قوی‌تر رشد می‌کند. و اگر آن حالت ذهنی حالتی باشد که فاسد است، به آهستگی آن فکر فاسد توسعه و گسترش می‌یابد، و حتی فاسدتر می‌شود. پس هم‌جنس‌بازی چیزی منحرف است که درون احساسات هستی دارد. در حقیقت، آن همچنین عقیده‌ای است که شکل گرفته است، البته عقیده‌ای فاسد.

اما در این زمانه تمام مردم این چیزها را بخشی از وجودشان می‌دانند. در واقع آنها چیزهای شکل گرفته از قوه ادراک نادرست بعد از تولد است که شما را در کنترل گرفته است، ولی شما فکر می‌کنید آنها افکار خودتان هستند. مردم هیچ‌وقت باور نمی‌کنند که عقایدشان بخشی از خودشان نیست، پس قطعی است که شما درباره افکار کارمایی که خودتان شکل داده‌اید چیزی نمی‌دانید. هرگز درباره این فکر نکرده‌اید آیا هر فکری که توسط کارمای فکری آشکار شد واقعاً شما هستید یا خیر. در حقیقت، افکاری که در ذهن شما ظاهر می‌شوند ممکن است همیشه شما نباشد. ولی درست کردن آن افکار نادرست غیرممکن نیست، زیرا مطالعه دافا برای این است که افراد یک راه درست را برگزینند و بهتر عمل کنند. فکر می‌کنم هر چیزی در دافا می‌تواند تصحیح شود. هیچ مشکلی نیست، و شما می‌توانید فا را مطالعه کنید. ولی باید واقعاً در برابر خودتان مسئول باشید و به طور مشخصی آن افکار را رد کنید. آنها به شما زیان می‌رسانند، آنها از شما می‌خواهند کارهایی کنید که انسانی نیست، و آنها شما را به طرف جهنم می‌کشاند. ولی افرادی با طرز فکر منحرف هنوز باور ندارند که آن بخشی از خود آنها است. به محض اینکه آن فکر ظاهر می‌شود، به شما می‌گوید هم‌جنس خود را دوست بدار، باید به خاطر بیاورید که این شما نیست و آن اینجا است که دوباره به شما صدمه بزند. اما به خاطر اینکه برای مدتی طولانی شما بطور منفعلی آن را پذیرفته‌اید، بعد از آنکه با آن همراهی کردید فکر می‌کنید کاملاً خوب است، و بنابراین شما یک هم‌جنس‌باز شده‌اید. آن حالت فکر باید درست شود.

پرسش: من پنجاه ساله‌ام، ولی بعضی از شاگردان وقتی نگاه می‌کنند تصور می‌کنند که شانزده یا هفده ساله هستم. آیا این «من» در بعد دیگر است یا «من» در حال تزکیه است؟

**معلم:** قبلاً این مورد را مطرح کرده‌ام. وقتی که اینجا نشستید، هر چقدر هم پیر باشید، این سن سرشت ذاتی‌تان نیست، و یا سن واقعی‌تان نیست. این آن چیزی است که در زمان و محیط انسان‌ها ظاهر می‌شود. شاید در سن شصت یا هفتاد سالگی باشید، ولی روح اصلی‌تان فقط هفت یا هشت ساله است؛ شاید در چهل یا پنجاه سالگی باشید، و روح اصلی‌تان فقط هفده یا

هجده ساله باشد. اما در حین تزکیه، شما- و این شامل لایه ظاهری شما در سطح بشری می‌شود- به بهترین و جوان‌ترین حالت تغییر شکل پیدا می‌کنید. این قطعی است.

پرسش: من غربی هستم و یک شعبده‌باز حرفه‌ای. فکر می‌کنم که شعبده‌بازی دیوید می‌تواند بدون استفاده از قدرت‌های فوق‌طبیعی نمایش داده شود. ایمان دارم آنچه گفتید حقیقت است، ولی در عمق وجودم باز هم مطمئن نیستم.

**معلم:** شعبده‌بازی یک تکنیک است، و بر تردستی یا پرده نمایش متکی است. آن هرگز نباید با قدرت‌های فوق‌طبیعی اشتباه شود. ولی، وقتی یک فرد در تعدادی از مهارت‌ها ماهر می‌شود، وضعیتی مثل قدرت‌های فوق‌طبیعی می‌تواند توسعه یابد. برای مثال، بعضی افراد کلاه خود را درمی‌آورند و به جلو عقب پرت می‌کنند- این دست پرت می‌کند و دست دیگر می‌گیرد. آن را به سرعت پرت می‌کنند، و اگر چه به نظر نمی‌رسد دست‌هایشان بسیار سریع حرکت می‌کند، آنان می‌توانند باز هم آنها را بگیرند. این معنی را می‌دهد که بعد از مدت زمان طولانی از تمرین، آنها می‌توانند نوعی تفاوت زمانی همسانی را رشد دهند که شبیه یک قدرت فوق‌طبیعی است، و بنابراین آن نوع از تأثیر می‌تواند کسب شود.

همان‌طور که می‌دانید، تای‌چی چوآن آهسته است و به آرامی انجام می‌شود، پس چطور است که می‌تواند در مبارزه واقعی بکار برده شود؟ اگر چه آهسته و از سر فراغت به نظر می‌رسد، اما قدرت فوق‌طبیعی آن می‌تواند زمان را همسان کند. آن زمان در این بعد را استفاده نمی‌کند. چشم‌های بشری شما می‌بیند که آن آهسته است، ولی در واقع به سرعت حرکت می‌کند. مهم نیست که چقدر سریع مشت را پرتاب کنید، شما به اندازه او سریع نیستید؛ او به آهستگی و سر فرصت حرکت می‌کند ولی قبل از آنکه متوجه شوید ضربه را به شما زده است. به خاطر این واقعیت که هیچ‌کدام از اصول راهنمای ذهنی تای‌چی چوآن انتقال داده نشده بود، مردم امروزه عوامل واقعی در پس پرده تای‌چی چوآن را نمی‌دانند. شما می‌دانید که این تفاوت، اختلافی است که با زمان و مکان سر و کار دارد، و تفاوت کلی بسیار زیاد است. ما شرقی‌ها درباره افسانه «پای جادویی»، شنیده‌ایم، که می‌بینید پیرمردی بسیار آهسته و با فراغت راه می‌رود، ولی نمی‌توانید به او برسید، حتی سوار بر اسب. این معنی را می‌دهد که او در همین بعد حرکت نمی‌کند. دریافته‌ام که وقتی شعبده‌بازی به سطح بسیار ماهرانه‌ای می‌رسد، شعبده‌بازها بعضی اوقات شکل بسیار ضعیفی از این چیز را به همراه دارند، ولی خود آنها متوجه آن نمی‌شوند. آنها خودشان هم نمی‌دانند و فکر می‌کنند یک مهارت است. «تمرین کردن می‌تواند کارها را بی‌نقص کند»- شاید معنایش این است. ولی آنها نمی‌توانند جادوی قدرت فوق‌طبیعی را به نمایش بگذارند.

پرسش: وقتی ترجمه یا غلط‌گیری کتاب‌های دافا را انجام می‌دهیم، چطور می‌توانیم از ادغام عقاید بشری خودمان یا چیزهای بشری اجتناب کنیم؟

**معلم:** در سرزمین اصلی چین، قبلاً وقتی که آنها تازه شروع به ترجمه نسخه انگلیسی کرده بودند، عادت داشتند که بسیار بحث کنند. برای چه بحث می‌کردند؟ همیشه احساس می‌کردند که ترجمه دیگران خوب نیست، درحالی‌که دیگران هم احساس می‌کردند ترجمه‌های آنها خوب نبود. به این امر مربوط می‌شود که هیچ دو نفری هم‌زمان در یک قلمرو یا در یک سطح نخواهند بود. آنها نمی‌توانند با کلمات به وضوح بگویند که به چه روشن‌بین شده‌اند، پس احساس می‌کنند که فرد دیگر، در اشتباه است. به محض اینکه یک شخص آن را با کلمه توضیح دهد، حتی خودش هم آن را درست نمی‌یابد، و دیگران هم آن را درست نمی‌یابند. چرا این‌طور است؟ اصول در سطوح بالا فقط می‌توانند به‌طور ادراکی فهمیده شوند، و با کلمات نمی‌توانند بیان شوند. خیلی قبل چیزی را گفتم، یعنی، اگر بخواهید اصول سطح بالا در جوآن فالون را شرح دهید، آن قطعاً مجاز نیست، و شما نمی‌توانید اگر حتی بخواهید. زیرا اصول سطح بالا نمی‌تواند به مردم نشان داده شود و نمی‌تواند در دنیای بشری آشکار شود. صرفاً مجاز هستید آنها را در دوره تزکیه‌تان ببینید؛ تزکیه‌کنندگان می‌توانند آنها را بدانند، ولی افراد دیگر نمی‌توانند. به این شکل عمل می‌کند. پس، اگر می‌خواهید کتاب‌ها را ترجمه کنید، فقط می‌توانید سطحی‌ترین معنای کلمات را ترجمه کنید، و آن کافی

است. اگر معنای ظاهری کلمات، صحیح ترجمه شود، وقتی که من معانی درونی پشت آنها را اضافه می‌کنم به‌طور طبیعی فا خواهد بود و کار خواهد کرد. چگونگی موضوعات ترجمه این‌گونه است.

همگی اغلب فکر می‌کنید، «شما در اشتباه هستید.» یا «من درست هستم،» و شروع به بحث می‌کنید. در واقع، بعد از آنکه آنچه می‌خواهید را می‌گویید، درمی‌یابید حتی چیزی که شما گفتید اشتباه است. این معنی را می‌دهد که فقط می‌توانید آن را شهودی درک کنید و نمی‌توانید آن را با کلمات بیان کنید. اصول درک‌شده در سطح بالا نمی‌تواند به زبان بشری نوشته شود. پس اگر بخواهید آنها را به نوشته درآورید، کافی است به دقت معنای ظاهری کلمات را ترجمه کنید. بهترین سعی خود را بکنید که برای ترجمه فا کلمات صحیح را پیدا کنید، و به این طریق برای تان دشوار خواهد بود عقاید خودتان را به آن اضافه کنید.

پرسش: من یک فالون روشن، سفید را چندین بار دیدم. در وسط، یک سواستیکای قرمز بود. آیا همراه شده‌ام؟

**معلم:** خیر همراه نشده‌اید. رنگ‌هایی که دیدید به‌خاطر دلایلی مربوط به چشم سوم‌تان ایجاد شدند، و شما به اشتباه نرفتید. فالون مینیاتوری از جهان است، و در جهان چندین رنگ دارد که همیشه در حال عوض شدن هستند - قرمز، نارنجی، زرد، سبز، آبی، نیلی، بنفش، سفید و بیرنگ - چندین رنگ وجود دارد، نه فقط یک رنگ. نسبتاً بگوییم، ما احساس می‌کنیم که این رنگ روشن است، پس آن را به عنوان نشان دافایمان بکار می‌بریم. گذشته از رنگ طلایی سواستیکا و رنگ‌های تای‌جی که تغییر نمی‌کنند، بقیه رنگ‌ها ممکن است تغییر کنند. بیشتر اینکه، ترکیب رنگ‌ها برای چیزها در بعدهای دیگر از ترکیب رنگ‌ها در این بعد انسان‌ها که از ملکول‌ها تشکیل شده‌اند، متفاوت است. رنگ‌ها در آن بعدها از ذرات مادی ساخته شده‌اند که بسیار خالص‌تر هستند. برای همین است که آنها بسیار عالی و خالص به نظر می‌آیند، و فوق‌العاده زیبا هستند.

در طی کنفرانس فا در دو روز گذشته، و مخصوصاً طی سخنرانی‌های شاگردان که در بعد از ظهر دیروز ارائه شد، بسیاری از شاگردان عمیقاً متأثر شدند. کنفرانس‌های فا فرصتی است برای شما که دریابید در کجا عقب افتاده‌اید و در تزکیه اعتماد به نفس پیدا کنید. پس شما باید آنچه از این کنفرانس بدست آورده و درک کرده‌اید را برای دنبال کردن تزکیه خود به کار ببرید، با سرعت هر چه بیشتر حقیقتاً پیشرفت کنید، و هیچ زمانی را برای آنکه کوشا باشید از دست ندهید. این اساسی‌ترین چیز است.

برگزاری کنفرانس‌ها بخودی خود هدف نیست. هدف این است که شما پیشرفت خود را بهبود بخشید. همچنین می‌دانم که درک‌تان از فا در حال بالاتر و بالاتر رفتن است. بسیاری از چیزها هست که دیگر لازم نیست درباره آنها صحبت کنم، شامل سؤالاتی که امروز کردید - خیلی از چیزها را می‌فهمید.

اصولاً این کنفرانس فا به قصد کنفرانس تبادل تجربه منطقه‌ای برای آمریکای غربی بود، ولی حالا یک کنفرانس مبسوط شد. مهم نیست که از کجا آمدید، بصیرتی که از این کنفرانس یاد گرفته‌اید را با خود ببرید. حداقل، شما باید از این کنفرانس کمی خود را رشد داده باشید، و فقط آنوقت است که هزاران مایل سفر بیهوده نخواهد بود. (تشویق)

پرسش: مریدان از مناطق مختلف و کشورهای مختلف مایل هستند از طرف مریدان مناطق خودشان یا کشورهایشان، بر معلم درود بفرستند.

**معلم:** از همه متشکرم. (تشویق)

نمی‌خواهم چیز بیشتری بگویم. امیدوارم که حتی کوشاتر باشید، درک‌های بالاتری داشته باشید، به سرعت سطوح را طی کنید، به زودی زود به کمال، و به بازشدن گونگ و روشن‌بینی کامل دست یابید.

---

<sup>۱</sup> لون‌یو- شرحی در ابتدای کتاب *جوآن فالون* و دیگر کتاب‌های دافا، که گاهب اوقات به صورت «درباره دافا» ترجمه می‌شود.

<sup>۲</sup> اصطلاحی است که به چیزی اشاره می‌کند که محکوم به بی‌ثمری است، مانند رفتن به یک بن‌بست.

<sup>۳</sup> بنتی- «بدن خود»، «بدن اصلی»، یا «موجود حقیقی».

<sup>۴</sup> وووی- «بدون قصد بودن»، «بی‌قصدی» یا «بی‌عملی».

<sup>۵</sup> برای اصطلاح «گل لوتوس» در زبان چینی دو کلمه مختلف وجود دارد؛ اینجا، ما یکی را گل لوتوس و دیگری را گل نیلوفر آبی ترجمه کردیم تا از هم متمایز باشند.